

آموزشی آبشار

رشد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و هشتم | آذر ۱۴۰۳ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۴ | صفحه ۴۸
www.roshdmag.ir

۳

نمره را آخر پاییز می‌شمارند؟!



• مدرسه فقط مدرسه نیست!
• سنجیدن سنجش!
• فرصت ماجراجویی



وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْفُسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و هر چه را به پیمانه می‌سنجید تمام بپیمایید و کم و گران نفروشید و همه چیز را با ترازوی درست و عادلانه بسنجید، که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است

[آیه ۳۵ سوره اسراء]

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و
اطلاع‌رسانی برای آموزگاران،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت
آموزش و پرورش

دوره‌ی بیست‌و هشتم | آذرماه ۱۴۰۳
شماره‌ی پی‌درپی ۲۲۴ | ۴۸ صفحه

www.roshdmag.ir

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۸۰/۰۰۰ ریال



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی در پیام‌رسان شاد
@roshd_amoosh_ebtadeai

فهرست

۲ ارزشیابی شیرین | مهدی رضایی

۴ روزهای مانا | امیر ذوقی

۶ نشاط پله‌ی اول آموزش | رضا دژبخش، مریم خدادادی

آموزش

۸ مدرسه فقط مدرسه نیست! | محمد سبحانی

۱۱ باید زودتر شروع کنیم | مریم شهرآبادی

۱۴ سنجیدن سنجش | سیدعلی عبداللهی حسینی، عذرا بیگم هژری

۱۶ جتری برای باز ماندگان از تحصیل | رسول صفرازی

۱۸ فرصت ماجراجویی | محمود صیادی

۲۱ عبور از بی‌قراری‌ها | ساجده میرزایی، علی قلعه‌نویی

۲۴ چهارده تکه تا یک بدن | مریم جلیلی

در کلاس

۲۶ جاشنی‌های یادگیری | مریم آذرافرا

۲۸ نردبان نشانه‌ها | سمیه بیگدلی

۳۳ لذت نوشتن | شیوا ملایریان

۳۶ سلطان نمره‌های پنج | علی‌رضا سلطانی

۳۸ کارگاه نقاشی بچه‌ها | مریم اسدی

۴۰ روشنی انگیزه | فریبا سروری عموقین

تجربه

۴۲ سی‌وشش پسر کچل در عشق آباد | زهره یوسفی‌فردبادی

۴۵ خط خطی در مانی | آزاده طوسی‌طیبری

رشد

۴۶ قصه‌های رشد | محمد رضا رشیدی

۴۸ چشم‌های طوفانی زهرا | زهرا منصوری

به نام خدا

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سردبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرهوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: وحید حق‌

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

تصویرگر: حسین یوزباشی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱



برگه‌ی اشتراک مجله



nazar.roshdmag.ir



در نقشه، پراکندگی فرهنگی‌ان مشارکت‌کننده از هر استان را در این شماره می‌بینید.



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: • با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد. • قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی و آموزشی باشد. • روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد. • چکیده داشته باشد با هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. • معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود. • اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است: • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

ارزشیابی شیرین



مهدی رضایی

یاد ده ما را سخن‌های دقیق
که تو را رحم آورد آن ای رفیق
هم دعا از تو اجابت هم ز تو
ایمنی از تو مهابت هم ز تو
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحتی تو ای تو سلطان سخن
کیمیا داری که تبدیلش کنی
گرچه جوی خون بود نبی‌ش کنی
این چنین میناگری‌ها کار توست
این چنین اکسیرها اسرار توست
آب را و خاک را بر هم زدی
ز آب و گل نقش تن آدم زدی

«مولوی»

ارزشیابی پدیده‌ای است که معمولاً با خودش ترس یا دست‌کم اضطراب به همراه دارد؛ اما با تمام این احوال، وجودش لازم است و همه‌ی ما به محاسن آن واقفیم، حتی در متون دینی ما هم تأکید شده است که خودمان را دائم مورد ارزیابی قرار دهیم. شاید آنجا که فرموده‌اند: «حاسبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا»، به این امر اشاره داشته‌اند.

اما چه کنیم با این ترس و اضطراب؟! روش‌های زیادی برای کاهش این اضطراب بررسی و پیشنهاد شده‌اند؛ از شیرین کردن جریان ارزشیابی تا مستمر شدن آن و... یکی از این راهکارها که سالیان زیادی است در دوره‌ی ابتدایی به آن تأکید شده است، ارزشیابی توصیفی است. در این روش، دانش‌آموز به جای اینکه با عددی مواجه شود که حاصل نمره‌ی آزمون اوست، آزمونی که در بیشتر مواقع کتبی است، با کارنامه‌ای روبه‌رو می‌شود که توصیفی از وضعیت خود اوست. این توصیف حاصل تعامل آموزگار و دانش‌آموز در طول سال تحصیلی است. بدیهی است وقتی می‌دانیم دانش‌آموزمان در ریاضی در مبحث «خواندن ساعت» مشکل دارد، بهتر می‌توانیم برای تقویت وضعیت آموزشی او برنامه‌ریزی کنیم، تا اینکه فقط بدانیم نمره‌ی ریاضی آن دانش‌آموز هجده شده است.

در طول این سال‌ها، شاهد فراز و فرودهایی در اجرای این روش بوده‌ایم و تجربه‌هایی داشته‌ایم. در این شماره از مجله پای این اتفاقات نشستیم و در تلاشیم با استفاده از تجربه و خرد جمعی، گامی به سوی ارتقای کیفیت ارزشیابی در کلاس‌ها برداریم. متأسفانه هنوز هم شاهدیم در برخی مدرسه‌ها ارزیابی همچنان به صورت گذشته انجام می‌شود و فقط در خروجی نهایی با جمله‌هایی ثابت وضعیت دانش‌آموزان توصیف می‌شود.



در دوره‌ی جدید رشد آموزش/ابتدایی، تمرکز ما بر مسائل اساسی مرتبط با مخاطبان محترم است. هر شماره یکی از این مسائل موضوع کار قرار می‌گیرد. اگر به نظر شما جای برخی موضوعات در این مجله خالی است، فرصت خوبی است تا دست به کار شوید و برای ما از مسائل و دغدغه‌ها و احیاناً تجربه‌ها و پیشنهادهای خود بنویسید. دفتر مجله با رغبت منتظر نقطه‌نظرات شماست. از قدیم گفته‌اند:

هم ز عکس روی سیمرغ جهان
چهره‌ی سیمرغ دیدند از جهان
چون نگه کردند آن سی مرغ زود
بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
در تحیر جمله سرگردان شدند
باز از نوعی دگر حیران شدند
خویش را دیدند سیمرغ تمام
بود خود سیمرغ سی مرغ مدام
چون سوی سیمرغ کردند نگاه
بود این سیمرغ این کین جایگاه
ور بسوی خویش کردند نظر
بود این سیمرغ ایشان آن دگر
ور نظر در هر دو کردند به هم
هر دو یک سیمرغ بودی بیش و کم^۲

در واقع این مجله با حضور تک‌تک ما تبدیل به مجله‌ای کامل می‌شود. طبق قرار قبلی، در بالای هر مطلب دو رمزبینه برای ثبت نظرات شما (پسندیدم/نپسندیدم) قرار داده‌ایم. ثبت نظر می‌تواند کمترین سطح همکاری شما با ما باشد که برای مجله بیشترین بهره را دارد؛ پس لطفاً ما را از نظرات خود محروم نفرمایید. و در آخر، حتماً باید یادی از شهدای مظلوم جبهه‌ی حق در مقابل جلادان رژیم صهیونیستی داشته باشیم و به درگاه حضرت حق خالصانه تضرع کنیم که هرچه زودتر ریشه‌ی این رژیم شیطانی از جهان کنده شود. مشاهده‌ی این حجم از خشونت برای همه دردآور و برای ما معلم‌ها تلخ‌تر است. وقتی کودکانی را می‌بینیم که هم‌بازی مرگ و آتش شده‌اند. بر همه‌ی ماست که برای رفع این فتنه تلاش کنیم. بیاپید با هم فکر کنیم که وظیفه‌ی ما در این معرکه چیست؟

پی‌نوشت‌ها

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَ زِنُوا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا، وَ تَجَهَّزُوا لِلْعُرْضِ الْأَكْبَرِ. [بخار: ۲۶/۶۷۳/۷۰].
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیش از آنکه مورد حسابرسی قرار گیرید، خود به حساب نغستان برسید و پیش از آن که سنجیده شوید، خود نغستان را در ترازوی سنجش بگذارید و برای آن حسابرسی بزرگ آماده شوید.
۲. منطق الطیر، عطار نیشابوری، حکایت سی‌مرغ در پیشگاه سیمرغ.

روزهای مانا



امیر ذوقی، کارشناس مدیریت فرهنگی و
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی

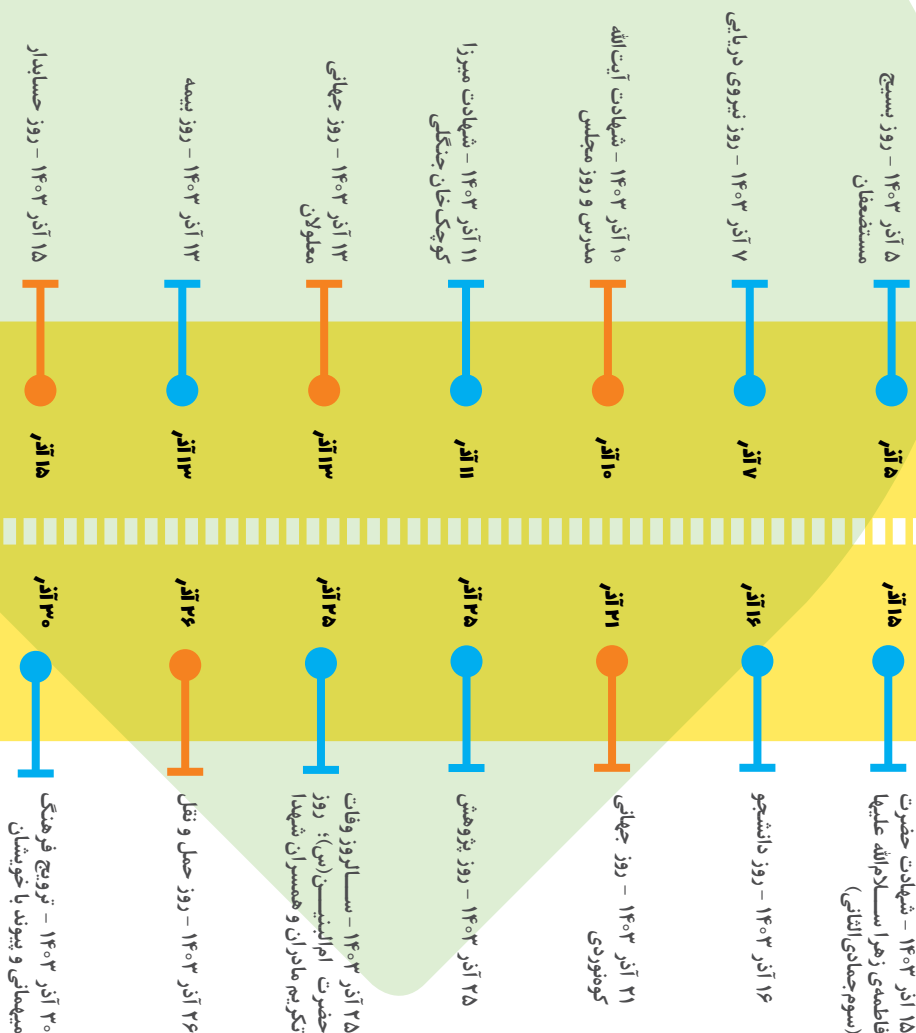
سلام، خدا قوت

اگر مجله‌های شماره‌ی قبل را دنبال کرده باشید، به‌طور قطع متوجه شده‌اید که در این بخش درباره‌ی یکی از دغدغه‌های همیشگی معلم‌ها صحبت کردیم؛ «آموزش دل‌نشین‌تر و ماندگارتر». سپس از میان روش‌های متنوعی که با آن‌ها می‌توان دل‌نشین‌تر و ماندگارتر آموزش داد، یک روش جذاب و مجرب را معرفی

کردیم؛ روش استفاده از تقویم. برای یادآوری باید عرض کنم که روش استفاده از تقویم دو مسیر کلی دارد: یک: جابه‌جایی موضوعات درسی و آموزشی، متناسب با تقویم. دو: تدریس عادی، اما واکنش مناسب به مناسبت‌ها.

روش اول، اگر می‌دانیم تدریس یک موضوع درسی در مناسبتی خاص به عمق و لذت بیشتر یادگیری آن کمک می‌کند، پس بهتر است زمان تدریس آن مبحث را متناسب با تقویم جابه‌جا کنیم. این طوری هر موضوع در مناسبت مرتبط با خودش تدریس می‌شود و نظم کلاس و تدریس ما بر اساس تقویم خواهد بود، نه ترتیب مطالب کتاب! چه‌بسا بتوان در آن مناسبت از طرح درس‌های خلاقانه‌تر و

همچنین تلفیق چند مبحث یا درس هم بهره‌برد. روش دوم، فارغ از اینکه هر موضوع درسی چه زمانی و چگونه تدریس شده است، اینکه خودمان و کلاسمان را برای رسیدن به یک مناسبت آماده کنیم و اگر شد، از مباحث تدریس‌شده‌ی قبلی آن مناسبت استفاده کنیم. در پس این توجه، تقویت هویت ملی و مذهبی نهفته است. همچنین از علوم و مهارت‌های فراگرفته‌شده در درس‌ها برای پرداختن به آن مناسبت استفاده‌ی کاربردی کرده‌ایم. این روش یک پیش‌نیاز اصلی دارد که آن هم دانستن مناسبت‌های پیش‌روست. به همین منظور، در این بخش، مناسبت‌های هر ماه فهرست خواهند شد و برای برخی از آن‌ها ایده یا تجربه‌ای نقل خواهد شد. تقویم آذرماه به این شرح است:





همان‌طور که مشخص است، بیشتر ایام آذرماه با ایام فاطمیه مقارن است. پس اولین موضوعی که در این شماره به آن می‌پردازیم، مناسبت فاطمیه (س) است.

۱۵ آذر، ایام فاطمیه: اکثر مدرسه‌ها در ایام فاطمیه یا ایام محرم و صفر بیشتر به برپایی هیئت و مراسم این چنینی می‌پردازند. برخی در ایام فاطمیه به موضوعاتی که پیرامون ادب حضور و تعامل با مادر است، تمرکز ویژه‌تری دارند و برخی دیگر نیز با ایجاد پویش‌های متنوع، به اکرام ایام یا فقرا و نیازمندان دست می‌زنند.

یکی از روش‌های برپایی هیئت‌های دانش‌آموزی، که مختص مدرسه‌های ابتدایی و به‌صورت تقسیم وظایف است، چنین است که دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر متصدی و متولی هیئت باشند و بچه‌های پایه‌های پایین‌تر به‌عنوان کمکی یا انجام کارهای سبک‌تر، در برپایی هیئت و مراسم مشارکت کنند. سبک برپایی هیئت مشارکتی به این صورت است که کارهای اصلی، از جمله برنامه‌ریزی دعوت از مداح و سخنران، یا حتی طراحی نوع آرایه (دکور) و پذیرایی، با پایه‌های بالاتر یعنی پنجمی‌ها و ششمی‌هاست. می‌توان به همین سبک، به جای هیئت، ایستگاه صلواتی ساخت و طوری برنامه‌ریزی کرد که در هر رنگ یا در هر روز گروهی از هر پایه مسئولیت آن را به عهده بگیرند. چنانچه معلم‌ها از قبل برنامه‌ی هیئت یا ایستگاه صلواتی را بدانند، می‌توانند برنامه‌های درسی خود را نیز روی آن سوار کنند. به این مثال توجه کنید:

فرض کنید قرار است در ایام فاطمیه، در حیاط مدرسه، یک ایستگاه صلواتی برپا شود. اگر شیوه‌ی اجرا را به‌صورت تقسیم کار در پایه‌ها در نظر بگیریم، بناکردن ایستگاه صلواتی با پایه‌ی ششم خواهد بود. معلم این پایه می‌تواند مبحث درسی مساحت جانبی را در برنامه دخیل کند و از دانش‌آموزان بخواهد بعد از محاسبه‌ی مساحت جانبی ایستگاه صلواتی، اندازه‌ی پارچه‌ی لازم برای دورتادور مکعب ایستگاه

صلواتی را حساب کنند.

از طرف دیگر می‌توان مبحث علوم پایه‌ی چهارم را که

سیم‌کشی برق و تولید چراغ‌قوه‌ی ساده است، در آن ایستگاه

صلواتی لحاظ کرد. به این صورت که روشنایی (سره‌هم کردن سیم

و سرپیچ و لامپ) ایستگاه می‌تواند از مسئولیت‌های دانش‌آموزان

پایه‌ی چهارم باشد، تا در طول انجام فعالیت، مبحث علوم مرتبط با

این موضوع نیز تدریس یا تمرین شود.

از طرف دیگر، بخش پذیرایی می‌تواند مباحث گوناگونی را در بر بگیرد و

متناسب با مطالب درسی هر پایه تقسیم شود. برای مثال، پایه‌ی پنجم

که در درس ریاضی مبحث تناسب را دارد، می‌تواند برای درست کردن

شریت از این موضوع کمک بگیرد که برای یک ایستگاه صلواتی به تناسب

جمعیت مدرسه، چه مقدار شهد شیرین، چه مقدار آب و چه مقدار مواد

مصرفی نیاز است.

برای پایه‌های پایین‌تر که در این نوع هیئت‌ها و ایستگاه‌های صلواتی بیشتر

مخاطب قرار می‌گیرند نیز می‌توان برنامه‌ی دیگری داشت. مثل ساخت

کاردستی برای فضاسازی کلاس و مدرسه؛ کاردستی‌ای که در طول

ساخت آن می‌توان یکی از درس‌های هدیه‌های آسمان پایه‌ی دوم را نیز

تدریس کرد (انجایی که حضرت فاطمه سلام‌الله علیها برای همسایه‌ها

دعا می‌کنند و امام حسن (ع) علت این را که چقدر برای همسایه‌ها دعا

فرمودند جویا می‌شوند و حضرت عبارت معروف «الجار ثم الدار» را بیان

می‌کنند). در اینجا توضیح و قصه‌ی موضوع بیان می‌شود. در نهایت، با

ساخت کاردستی، هم فضاسازی مناسبی برای این ایام صورت خواهد

گرفت و هم یادآوری خوبی از این قصه برای بچه‌ها محقق می‌شود.

ابتدا یک برگه کاغذ را مطابق شکل تا می‌کنیم. با استفاده از روش تقارن،

یک طرح محراب را در آن برش می‌زنیم. سپس مانند الگو می‌بریم. بعد

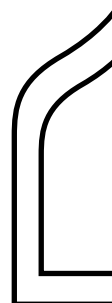
از چسباندن لایه‌های تصویر به هم، کاردستی زیبایی ایجاد می‌شود.



۳



۲



۱



نشاط؛ پله‌ی اول آموزش

فهم قرآن در پایه‌ی اول ابتدایی

رضا دژبخش
کارشناس ارشد تفسیر قرآن
مریم خدادادی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

در دو مقاله‌ی قبل، با اصول و روش‌های فهم قرآن در دوره‌ی ابتدایی آشنا شدیم. در این مقاله قصد داریم، به‌طور مشخص، به مسائل پایه‌ی اول ابتدایی و اجرای فهم قرآن در این پایه بپردازیم.

برای دانش‌آموزان اول ابتدایی، ورود به محیط جدید معمولاً با کمی نگرانی همراه است. البته تربیت خانواده و تجربه‌های قبلی بر میزان و سطح این نگرانی تأثیر دارد؛ تجربه‌هایی مانند گذراندن یا نگذراندن دوره‌ی پیش‌دبستانی یا داشتن تجربه‌ی خوب یا بد از این دوره یا داشتن تجربه‌ی ناراحت‌کننده‌ی دوری از والدین یا نداشتن این نوع تجربه. کودکان در این سن همچنان به حمایت پدر و مادر نیاز شدیدی دارند. ورود به مدرسه باید به‌گونه‌ای باشد که تصور کودکان درباره‌ی بر خورداری از این حمایت آسیب نبیند.

در مدرسه نیز لازم است این نگرانی به‌شکل مطلوبی مدیریت شود تا حالت ترس و اضطراب پیدا نکند و به‌سمت فعال‌شدن مراقبت از دانش‌آموزان و توجه آن‌ها به موقعیت جدید هدایت شود. برای این منظور محیط مدرسه و کلاس و همچنین مواجهه‌ی افراد در تمام طول سال تحصیلی باید به‌گونه‌ای باشد که برای کودک القای مثبت داشته باشد و به او احساس امنیت بدهد. در همین راستا خیلی خوب است که بچه‌ها به بهانه‌های متعدد تشویق شوند.

دانش‌آموز کلاس اول پر تحرک و کم‌طاقت و به‌شدت نیازمند دریافت عواطف از معلم است.

اینکه دچار تکلف شوند، مهارت پیدا می‌کنند؛ ضمن اینکه بازی می‌تواند پیامی را هم به جان بچه‌ها بنشانند؛ مثلاً آن‌ها می‌توانند، در قالب یک بازی جذاب سرعتی، عمیقاً درک کنند که سرعت عمل، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب، امر مهمی است و اگر کاری در زمان مناسب انجام نشود، به نتیجه نمی‌رسد. بازی‌ها ممکن است حرکتی یا فکری یا تلفیقی از این دو باشند. ممکن است پرسروصدا یا آرام باشند. می‌توان با تغییر دادن نوع بازی، هم به فضای کلاس تنوع داد و هم این فضا را مدیریت کرد.

خواندن دسته‌جمعی شعر هم می‌تواند فضای خوبی در کلاس ایجاد کند. با شعر می‌توان حال و هوای کلاس را تنظیم کرد. حس سرور، حماسه، امید، محبت و احساسات دیگر را با شعر می‌توان به کلاس القا کرد. شعری که خوانده می‌شود، می‌تواند دربردارنده‌ی پیام سوره باشد.

بهترین قالب‌های آموزشی، برای پایه‌ی اول، هم‌خوانی سوره و بازی و قصه‌گویی است.

برای شرایط آرام‌تر، تعریف کردن قصه نیز قالب مناسبی است که می‌تواند خیلی هم جذاب باشد و پیام موردنظر ما را مستقیم‌تر از بازی به دانش‌آموزان منتقل کند. می‌توانیم کمی حرکت و فعالیت فیزیکی هم چاشنی قصه کنیم و از قالب نمایش بهره ببریم. دانش‌آموزان می‌توانند قصه‌ای را که تعریف کرده‌ایم، نمایش دهند یا موضوعی کلی را در قالب نمایش خلاق اجرا کنند. از نمایش خلاق می‌شود به‌عنوان ارزیابی هم استفاده کرد. می‌توانیم

در فضای نمایش ببینیم که بچه‌ها چه فهمی از یک موضوع دارند، درباره‌ی آن چطور فکر می‌کنند و برای حل یک مسئله چه راه‌حلی به ذهنشان می‌رسد.

گاهی هم می‌توان برای تنوع دادن به برنامه‌های کلاس از محیط زیست استفاده کرد. این قالب می‌تواند شکل‌های ساده‌ای مانند رفتن به بوستان، رفتن زیر درخت داخل حیاط مدرسه، نگاه کردن به آسمان و ابرها، تماشای پرواز پرنده‌ای در آسمان و توجه کردن

در فضای مدرسه، کسی که دانش‌آموز با او ارتباط برقرار می‌کند و به اتکای او احساس امنیت در او شکل می‌گیرد، آموزگار است. باید به این جایگاه توجه داشته باشیم و بدانیم که دانش‌آموز کلاس اولی به‌شدت نیازمند دریافت عواطف از ما به‌عنوان معلم است. ضروری است ضمن حفظ هیبت و ابهت معلمی و بدون خودمانی شدن بیش از اندازه، دانش‌آموزان را به‌طور مساوی از محبت خود سرشار کنیم.

دانش‌آموزان در این سن، آمادگی شرکت در فعالیت‌های طولانی را ندارند. آن‌ها زود حوصله‌شان سر می‌رود و خسته می‌شوند، تمایل دارند زودتر به نتیجه برسند یا وارد فعالیت دیگری شوند؛ اما در عین حال چندان سریع هم نیستند و باید در تعامل با آن‌ها حوصله به خرج داد. به این ترتیب فعالیت‌های شاد و متنوع برایشان جذاب است.

آن‌ها نیاز به حرکت و نشاط دارند. در این سن تأکید زیاد بر درس و محفوظات کار درستی نیست و به نتیجه نخواهد رسید. دانش‌آموزان، در این پایه، در بستر دوستی معلم آموزش می‌بینند. با استفاده از قالب‌های متنوع و تغییر به‌موقع فضا می‌توانیم فضای کلاس را شاد نگه داریم و در عین حال مدیریت کلاس را برای خودمان تسهیل کنیم.

بهترین قالب برای ایجاد انس با سوره و انتقال پیام آن هم‌خوانی و تک‌خوانی سوره است. همه‌ی سوره‌هایی که در این پایه با دانش‌آموزان کار می‌کنیم، سوره‌های کوتاه هستند. می‌توانیم در موقعیت‌های گوناگون سوره را بخوانیم و پیام سوره را القا کنیم. هم‌خوانی سوره برای بچه‌ها جذاب است. خوب است سوره را در جایگاه شعار و سرود کلاس قرار دهیم تا دانش‌آموزان در زمان‌های مناسب با شور و اشتیاق آن را بخوانند.

هر قدر بتوانیم فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی را در قالب بازی پیش ببریم، در این پایه موفق‌تر خواهیم بود. دانش‌آموزان، در قالب بازی، بدون



نیازهای فرزندان برای
فهم قرآن در دوره‌ی
اول ابتدایی

به خاک باغچه و حشرات آن داشته باشد. همه‌ی این قالب‌ها و همین‌طور اتفاقات گوناگونی که در کلاس رخ می‌دهد یا خودمان ایجاد می‌کنیم، می‌تواند موقعیت گفت‌وگو با دانش‌آموزان را فراهم کند؛ اما نباید بیش از اندازه از قالب گفت‌وگو استفاده کنیم. گفت‌وگو را باید به‌عنوان قالبی خاص برای موقعیت‌های ویژه نگه داریم و در همان موقعیت‌ها هم مختصر و مفید از آن استفاده کنیم.

همان‌طور که گفته شد، با استفاده‌ی مناسب از این قالب‌ها و جابه‌جاشدن به‌موقع از یکی به دیگری، می‌توانیم کلاسی شاد و مفید داشته باشیم.

هدف تربیتی پایه‌ی اول

هدف از همه‌ی این فعالیت‌ها در پایه‌ی اول این است که نشاط دانش‌آموزان را حفظ کنیم و تحرک طبیعی آن‌ها را به‌سمت ابرازهای متنوع جهت بدهیم. دانش‌آموزان کلاس اول در حالت عادی پر تحرک و بانشاط هستند؛ نباید سعی کنیم تحرکشان را بگیریم و ساعت‌های طولانی آن‌ها را ساکت پشت میز بنشانیم؛ از این مهم‌تر نباید نشاط طبیعی آن‌ها برای آموختن را با اجبار و اکراه از بین ببریم. رشد آن‌ها در این است که تحرک و نشاطشان به‌سمت یادگیری و مهارت‌آموزی جهت داده شود و با انگیزه‌ای که برای کارهای گوناگون پیدا می‌کنند، کاملاً از سستی و تنبلی دور شوند.

هدف تربیتی پایه‌ی اول حفظ تحرک و نشاط در کودکان و جهت‌گیری درست ابرازهای آن‌هاست.

دانش‌آموزان کلاس اول اگر به‌خوبی رشد کنند، در پایان سال تحصیلی به‌راحتی در جمع دوستان ظهور و بروز می‌یابند و با دیگران به‌طور مناسب ارتباط برقرار می‌کنند. این رشد به‌واسطه‌ی ارتباطی که با سوره‌های قرآن پیدا می‌کنند، به‌سهولت در آن‌ها شکل می‌گیرد.





در دانش‌آموزان ایجاد نمی‌شد. البته استثنا هم وجود داشت و برخی بهتر می‌شدند. با خودم همان جمله‌ی «تربیت تدریجی است» را تکرار می‌کردم. می‌خواستم خودم را دلدارای دهم؛ اما حس می‌کردم که حلقه‌ی گمشده‌ای وجود دارد و من باید آن را پیدا کنم تا کارم تکمیل شود، وگرنه اثرگذاری خیلی کم خواهد بود.

پاییز بود که یکی از مادرها درخواست جلسه‌ای را به من داد. من هم مانند خیلی از معلمان دیگر با خودم فکر می‌کردم که ای بابا! یکی از اولیای می‌خواهد ببیند و غر بزند و حتی مانع کارهای من بشود. با اکراه

مدرسه فقط مدرسه نیست!



محمد سبحانی
کارشناس مددکاری اجتماعی و
عضو بنیاد تعلیم و تربیت پرهان

باتجربه رفتن و از آن‌ها خواستم در این زمینه کمکم کنند. جالب است که برخی از معلم‌ها می‌گفتند: «این‌هایی که شما مطرح می‌کنی، اصلاً به معلم مربوط نیست و تو فقط باید درست را بدهی و از نظر علمی بچه‌ها را رشد دهی.» هر چقدر سعی می‌کردم آن‌ها را متقاعد کنم که ما باید مباحث تربیتی را هم جدی بگیریم، فایده‌ای نداشت. چند نفری را پیدا کردم که آن‌ها هم مانند من، به قول برخی از دوستان، سرشان درد می‌کرد و دغدغه داشتند. افراد قوی و باتجربه‌ای هم بودند. ماجرا را برایشان شرح دادم و سعی کردم از آن‌ها کمک بگیرم. نکته‌های خوب و جالبی را مطرح می‌کردند. من هم برخی از آن‌ها را یادداشت می‌کردم تا بعداً فراموش نکنم و بتوانم از آن‌ها استفاده کنم؛ مثلاً یکی از آن‌ها گفت: «باید تلاش کنی همه‌ی مشکلات بچه‌ها را در یک سال و به تنهایی حل کنی. این اصلاً شدنی نیست.» یکی دیگر از دوستان گفت: «این جمله‌ی همیشگی را یادت باشد که تربیت تدریجی است. پس باید آهسته و پیوسته و همچنین با صبر و حوصله پیش برویم.»

صحبت‌های دوستان و تجربه‌های اندک خودم را جمع‌بندی کردم و به چند نتیجه‌ی جالب رسیدم؛ یکی از آن‌ها این بود که بهتر است ابتدا سراغ مشکلاتی برویم که در کلاس عمومیت دارد؛ مثلاً بسیاری از بچه‌های کلاس در مسئولیت‌پذیری ضعف دارند. پس این موضوع خوبی است که روی آن زمان بگذاریم و کار کنیم.

نکته‌ی دیگر این بود که برای هر دانش‌آموز در سالی که کنار من هست، فقط دو مسئله را در نظر بگیرم و روی آن دو مسئله تا آخر سال کار کنم و بقیه‌ی موضوعات را برای سال‌های بعد بگذارم؛ مثلاً می‌توانم فهرستی به معلم سال بعد دانش‌آموزم بدهم و بگویم که من روی این موارد کار کرده‌ام. بهتر است شما برای موارد دیگر زمان بگذارید.

کم‌کم کار را شروع و تمام تلاشم را کردم؛ اما متأسفانه خیلی موفقیت‌آمیز نبود. هرچه تلاش می‌کردم، تغییر چندانی

اولیای یکی از ارکان اصلی مدرسه هستند که ما برخی اوقات آن‌ها را در نظر نمی‌گیریم. حتی گاهی آن‌ها را به چشم تهدید و مانع می‌نگریم و سعی می‌کنیم از جلوی چشممان حذف کنیم. شاید گاهی فراموش می‌کنیم وظیفه‌ی اصلی تربیت بر عهده‌ی پدر و مادر است و معلم و مربی می‌تواند در این راستا به آن‌ها کمک کند و تسهیلگر باشد. شاید گاهی هم فکر می‌کنیم معلم‌ها و مدرسه قرار است

نقش تعلیم و تربیت را به تنهایی پیش ببرند. جالب است بدانیم بیشتر شخصیت آدم‌ها در همان هفت سال اول شکل می‌گیرد. نخستین طرح‌واره‌هایی که در خانه و خانواده برای هر کس رخ می‌دهد، در شخصیت او اثرگذار است. ترس را بچه‌ها از کودکی فرامی‌گیرند. شجاعت را از کودکی می‌آموزند، مهر و محبت و ارتباط برقرار کردن، فرایند حل مسئله و مواجهه با مشکل را نیز از همان دوران یاد می‌گیرند. در این شماره، در قالب یک داستان به بررسی موضوع «تعامل با اولیای مدرسه» می‌پردازیم.

اولیای پرتوان

اوایل دوران معلمی‌ام بود. تازه وارد فضای معلمی شده بودم و دغدغه‌ی زیادی داشتم که علاوه بر مباحث علمی، روی مباحث تربیتی دانش‌آموزان هم کار کنم. جوان بودم و جویای نام. مشکلات دانش‌آموزان کلاس را فهرست می‌کردم و به تحلیل تک‌تک آن‌ها می‌پرداختم تا بتوانم کاری برایشان انجام دهم. هر دانش‌آموز را با ذره‌بین بررسی و تمام مشکلات اخلاقی، رفتاری، علمی و... او را ثبت می‌کردم. می‌خواستم برای او در این زمینه‌ها برنامه‌ریزم و او را اصلاح کنم. گاهی وقتی فهرست‌ها را نگاه می‌کردم، دلم برای برخی از دانش‌آموزان می‌سوخت و با خود می‌گفتم که اصلاً من چگونه می‌توانم برای این همه مشکل و مسئله برنامه‌ریزی کنم.

طبق معمول، با توجه به دغدغه‌هایم، پیش افراد





کردم. گویا اورانیوم را غنی کرده بودم. سعی کردم موارد را درست در کنار هم قرار دهم. یکی از ارکان اصلی مدرسه اولیا هستند. من باید آن‌ها را درگیر کنم و از آن‌ها کمک بگیرم تا با هم دانش‌آموزان را رشد دهیم. مدرسه فقط معلم نیست. مدرسه فقط مدرسه نیست و... این‌ها چیزهایی بود که از ذهنم می‌گذشت.

در اولین قدم، جلسه‌ی کلاسی با اولیا برگزار کردم. در آن جلسه علاوه بر موضوعات علمی به مباحث تربیتی نیز پرداختم و برای اولین بار آن‌ها را در جریان امور قرار دادم. همچنین از آن‌ها درخواست کردم که در جلسات فردی نیز شرکت کنند. در مورد جلسات مشاوره با اولیا مطالعاتی را انجام دادم که بسیار برایم کمک‌کننده بود.

جلسات فردی با پدر و مادر هر دانش‌آموز را برنامه‌ریزی کردم. هر روز با یک یا دو خانواده جلسه‌ای داشتیم. بعد از مدرسه، حدود یک ساعت بیشتر می‌ماندم تا جلسه تشکیل شود. در جلسات هر خانواده نکته‌های مهمی را مطرح می‌کردم.

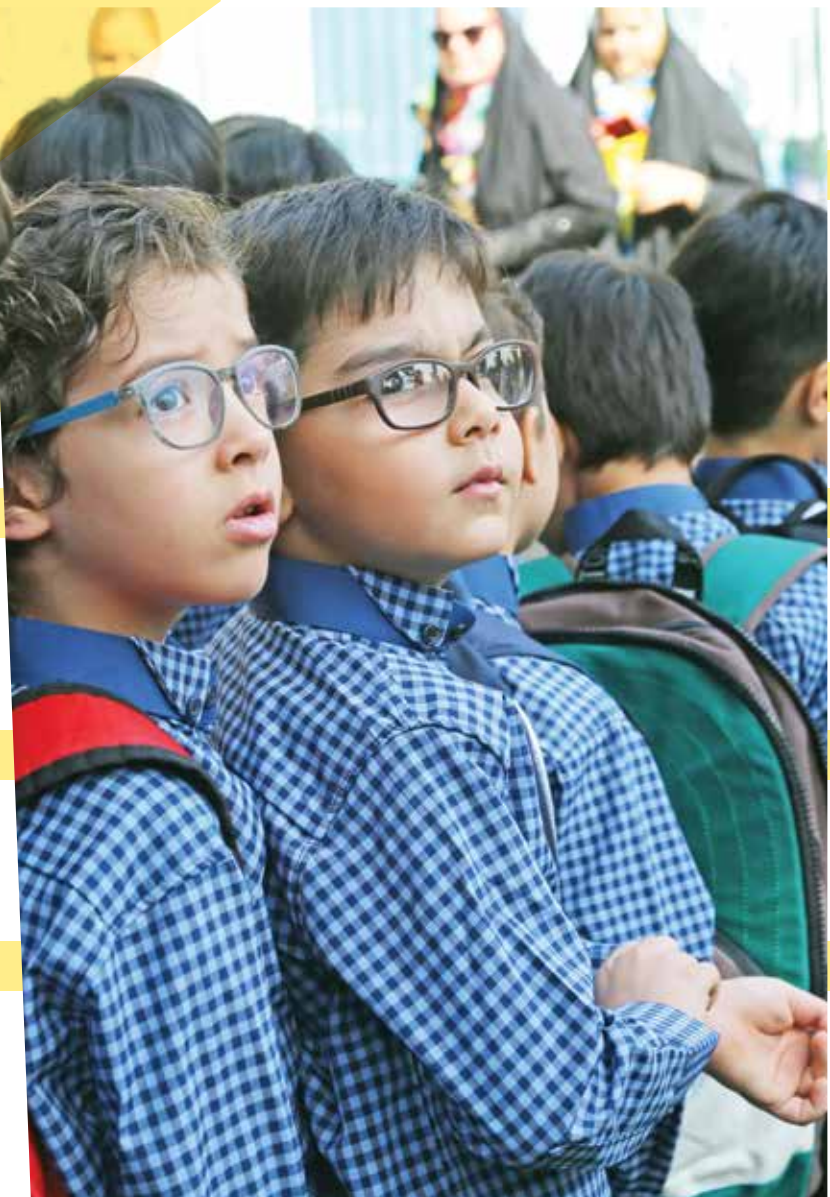
ابتدا ویژگی‌های مثبت و خوب هر دانش‌آموز را می‌گفتم. بعد از اینکه حس می‌کردم خانواده همراه شده است، دوسه نکته‌ی منفی علمی و اخلاقی و تربیتی را مطرح و برنامه‌ای را که خودم برای مدرسه‌ی او در نظر گرفته بودم، نیز عنوان می‌کردم. البته قبل از این اجازه می‌دادم اولیا سؤال‌ها و نکته‌هایشان را در مورد کلاس و مدرسه و فضای دانش‌آموز در منزل و اوضاع و احوالش بگویند. همین باعث آرامش خاطر آن‌ها می‌شد.

بعد از مطرح کردن دو سه مشکل مربوط به دانش‌آموز و راه‌حل‌هایی که برایش در مدرسه در نظر گرفته بودم، از پدر و مادر نیز می‌خواستم اگر راه‌حل دیگری دارند، مطرح کنند. سپس از آن‌ها می‌خواستم راه‌حل‌هایی را نیز برای خارج از مدرسه بدهند. در این مرحله، ابتدا برایشان توضیح می‌دادم که وظیفه‌ی اصلی تربیت با والدین است و من فقط می‌توانم به شما کمک کنم و اگر خودتان بخواهید و با هم در یک راستا تلاش کنیم، مشکلات حل خواهند شد. سپس خودم هم راهکاری را که به ذهنم می‌رسید، به آن‌ها ارائه می‌دادم و با تعامل دوطرفه بحث را پیش می‌بردیم.

یکی از مسئله‌های خیلی بزرگی که در این جلسات

اولیا از دغدغه‌مندی شما و تلاشتان آگاه هستند. من خودم هم که این موضوع را متوجه شدم، تصمیم گرفتم در منزل کارهایی را در همین راستا انجام دهم و اگر دقت کرده باشید، محمدمهدی در این زمینه‌ها رشد چشمگیری داشته است.» درست می‌گفت. در ذهنم حلقه‌ی گمشده را می‌دیدم و گویا لامپی در پس ذهنم روشن شده بود. دیگر بقیه‌ی حرف‌های آن مادر را متوجه نمی‌شدم و فکرم را این حلقه‌ی مفقوده که حالا پیدا شده بود، درگیر کرده بود. جلسه تمام شد. دوباره کارها و برنامه‌هایم را مرور

پذیرفتم که جلسه‌ای با او داشته باشم. تا آن روز من اولیا را به چشم اینکه قرار است مانعی برای کارهای کلاس باشند یا افرادی که قرار است غر بزنند یا اشخاصی که می‌خواهند مرا اذیت کنند و خیلی خودشان چیزی بلد نیستند و... نگاه می‌کردم. روز جلسه فرارسید. من بابتی میلی وارد جلسه شدم. به محض ورودم به جلسه، آن مادر شروع به تشکر کردن از من کرد و گفت: «واقعاً شما ممنونم که روی فلان موضوع و فلان موضوع کار می‌کنید.» تعجب کردم و گفتم: «چقدر عالی که شما متوجه شده‌اید!» نگاهی به من کرد و گفت: «تقریباً همه‌ی





نگار: نرگس ابراهیمی

به آن پی بردم، میزان و نحوه‌ی زمانی بود که پدر و مادر برای فرزندشان می‌گذاشتند. گاهی این امر موجب کمبود محبت و بروز رفتارهای عجیب و غریب دانش‌آموزان می‌شد. من سعی می‌کردم به پدر و مادر منتقل کنم که لطفاً برای فرزندتان وقت مستمر بگذارید. وقت‌گذاری مقطعی فایده‌ی چندانی ندارد.

یکی از اولیا می‌گفت: «من هر ماه یک روز کامل برای فرزندم وقت می‌گذارم؛ ولی بقیه‌ی روزها نمی‌توانم.» همین موضوع موجب مشکلاتی برای فرزند او شده بود که وقتی این شخص، به‌طور مستمر، برای فرزندش وقت گذاشت، اوضاع بهتر و آن مشکلات مرتفع شد. قرار شد پدر و مادر به‌جای یک روز کامل در ماه هر کدام در روز یک ساعت با بچه بازی کنند یا مادر در کارهای داخل منزل از بچه کمک بگیرد یا پدر در درست کردن کاردستی و... به بچه کمک کند و گاهی با هم چیزهایی بسازند.

نکته‌ی شایان توجهی که یکی از دوستان به من گوشزد کرد این بود که باید مراقب باشیم برای اولیا چیزی را تجویز نکنیم؛ چون ما پزشک یا روان‌شناس یا مشاور نیستیم و اگر موضوع حادی وجود داشت، بهتر است خانواده را به مشاور ارجاع دهیم.

طبق تجربه‌ی کسب‌شده در این سال‌ها متوجه شدم که مدرسه‌ی موفق مدرسه‌ای است که بتواند در این زمینه دو کار را انجام دهد:

۱. هم‌راستار کردن اولیا و معلم و هم‌سوی بودنشان؛ هر چقدر اولیا با معلم و مدرسه هم‌راستا باشند، دانش‌آموز بهتر رشد می‌کند و با دوگانگی یا حتی چندگانگی روبه‌رو نمی‌شود. پس بهتر است یکوشیم این اتفاق رخ دهد تا بچه‌های بهتری باشیم.

۲. برقرار کردن ارتباط خوب و صحیح میان فرزندان و والدین؛ هر چقدر ارتباط خوب و

درستی بین بچه‌ها و والدینشان شکل بگیرد و رابطه‌ی بچه با پدر و مادرش بهتر شود، در رشد مثبت و روحیه‌ی بهتر آن‌ها اثرگذارتر است. همین باعث می‌شود فرزندان بهتری تحویل جامعه داده شود.

برای این دو کار که به‌نوعی می‌توانند دو هدف برای ما باشند، کارهای گوناگونی می‌توانیم انجام دهیم؛ مثلاً برگزاری اردوی پدر و پسری یا مادر و دختری و برعکس. حتی اردوهای خانوادگی به‌شدت به این قضیه کمک می‌کند. این اردوها اتفاقات خیلی خوب و مثبتی را رقم خواهند زد و در پی آن‌ها، اثرات مثبتی را خواهیم دید.

یادم می‌آید پدر و مادر یکی از دانش‌آموزان، در برابر مدرسه، خیلی موضع می‌گرفت. آن‌ها حس خوبی به ما نداشتند؛ اما بعد از اردو، ارتباطشان با من و مدرسه و حتی فرزندشان خیلی خوب شد.

این اردوها به‌شدت باعث هم‌افزایی و هم‌راستاشدن من و اولیا نیز می‌شد. گویی آن‌ها هم مدرسه را از خودشان می‌دیدند.

در این اردوها می‌توان از ترندهایی نیز استفاده کرد؛ مثل اینکه کارها را به خود اولیا سپرد یا نظراتشان را برای برگزاری اردو گرفت یا بعد از اردو نظراتشان را برای بهبود سایر اردوها خواند. من خودم برای اینکه بار را درو براریم سنگین نشود، از خود اولیا استفاده می‌کردم.

روز مادر و روز پدر هم فرصت ویژه‌ای بود که می‌توانستیم اهدافمان را محقق کنیم. در این دو روز، کارهای بسیاری را به خود بچه‌ها می‌سپردم. خودم سعی می‌کردم تسهیلگری کنم و مجری کار دانش‌آموزان باشم. گاهی حتی اهداف آموزشی را نیز با پروژه‌ی روز مادر و روز پدر ترکیب می‌کردم که با یک تیر چند هدف زده باشم؛ مثلاً تدریس نشانه‌ی «ر» در روز مادر برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول یا تدریس درس «تقارن» برای درست کردن هدیه‌ی بچه‌ها در پایه‌ی سوم یا استفاده از محتواهای کتاب‌های علوم و اجتماعی برای درست کردن پذیرایی‌های ساده در پایه‌های بالاتر. در این روز، مادرها یا پدرها با دعوت‌نامه‌ای که خود بچه‌ها درست می‌کردند، به مدرسه دعوت می‌شدند و دانش‌آموزان برنامه‌های خود را اجرا می‌کردند. این برنامه‌ها و اردوها را می‌توان در ساده‌ترین حالت ممکن برگزار کرد؛ مثلاً دو ساعت پدرهای یک کلاس را دعوت کنیم که با بچه‌هایشان بازی کنند و بروند. البته در برخی از

مدرسه‌ها این نمونه‌ها موجود است. کار دیگری که خیلی اثرگذار است، برگزاری کلاس‌های جذاب و ساده با کمک اولیا و با توجه به ظرفیت آن‌ها در مدرسه است. البته همه‌ی این‌ها با هماهنگی مدیر و در صورت لزوم، گرفتن مجوز است.

یادم می‌آید دانش‌آموزی بود که از شغل پدرش خجالت می‌کشید. پدرش شیرینی‌پزی داشت. این موضوع اعتمادبه‌نفس این بچه را پایین آورده بود. روزی پدرش را به مدرسه دعوت کردیم که در حد خیلی ساده به دانش‌آموزان درست کردن شیرینی را یاد دهد. با این کار تمام خجالت آن دانش‌آموز از بین رفت. حتی دانش‌آموزان دیگر نیز به او می‌گفتند: «خوش به حالت که پدرت بلد است این همه شیرینی درست کند!»

پدر یکی دیگر از دانش‌آموزان شخصی بنا بود. وقتی قسمتی از مدرسه را درست کرد، این اتفاق مثبت افتاد. از این موارد زیاد پیش خواهد آمد.

حتی گاهی از این ترفند می‌توان برای اولیایی که خیلی به کلاس و معلم گیر می‌دهند، استفاده کرد. اولیای یکی از دانش‌آموزان مدام غر می‌زد و انتقاد می‌کرد. روزی قرار شد خودش به کلاس بیاید و گسرزدن بند کفش را به بچه‌ها آموزش دهد. وقتی کلاس و تعداد دانش‌آموزان و انرژی زیادشان و کلافه‌شدن خودش و فشار زیاد و... را دید، خیلی همراه شد.

در کل، اولیا ظرفیت‌های خوبی هستند که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و حتی گاهی می‌توان به کمک آن‌ها بارهای سنگینی را از دوش کلاس و مدرسه برداشت. البته ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که خوب است در این باره از افراد باتجربه کمک گرفت. تزیینات کلاس درس یا برگزاری رویدادهای متعدد با کمک اولیا نمونه‌ای از این مثال‌ها هستند.

مدیرانی را می‌شناسم که سعی کرده‌اند از این ظرفیت‌ها استفاده‌ی بهینه داشته باشند؛ مثلاً کارگروه‌هایی از اولیا تشکیل داده‌اند و با توجه به ظرفیت و توان آن‌ها از ایشان در اداره‌ی امور مدرسه کمک گرفته‌اند. کارگروه‌های آموزشی، فرهنگی و کارگروه‌های مربوط به ساخت‌وساز کارگروه‌هایی هستند که می‌توان برای تشکیل آن‌ها از اولیا کمک گرفت. در آخر جا دارد باز هم تأکید کنم که اولیا یکی از ارکان اصلی مدرسه هستند و ما باید نقش آن‌ها را در تعلیم و تربیت در نظر بگیریم. قرار نیست مدرسه و معلم به‌تنهایی کار را پیش ببرند. همه‌ی ما در حال رشد هستیم و باید کار را با کمک و تعامل هم پیش ببریم. ان شاء الله!

مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

باید زودتر شروع کنیم

نگاهی به مسائل تربیت معلم، در گفت‌وگو با دکتر حسین قربانیان، معلم و مدیر پیشکسوت



آقای دکتر حسین قربانیان مدرک دکترای در دورشته‌ی «مدیریت استراتژیک» و «مدیریت برنامه‌ریزی و منابع انسانی» دارد. او چهل سال تمام است که در حوزه‌ی تعلیم و تربیت مشغول به خدمت است؛ از اول مهرماه ۱۳۶۳ وارد مرکز تربیت معلم شد و هم‌زمان شغل آموزگاری را در مدرسه‌های روستایی چندپایه و متوسطه‌ی اول و دوم آغاز کرد. دکتر قربانیان، در طول سال‌های خدمت، علاوه بر آموزگاری سمت‌هایی چون مدیریت مدرسه، معاونت آموزشی منطقه، ریاست آموزش و پرورش مناطق متعدد تهران، سمت‌های اجرایی در وزارتخانه و سابقه‌ی بیست سال تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه‌های گوناگون را در کارنامه‌ی کاری خود دارد. ایشان از بدو تأسیس دانشگاه فرهنگیان، در سال ۱۳۹۰، در سمت‌های گوناگونی در این دانشگاه مشغول به خدمت است. در حال حاضر، وی علاوه بر سمت معاونت اداری مالی یکی از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان تهران، به دلیل عضویت در هیئت علمی این دانشگاه، به صورت موظف در کلاس درس دانشگاه هم حضور دارد. به گفته‌ی ایشان، این سابقه‌ی پرافتخار اجرایی و آموزشی باعث کسب تجربه‌ی کامل، لازم و تعاملات نزدیک با دانشجویان و نومعلمان شده است. ایشان معتقد است استادان و معلمان باید علمشان را به‌روز کنند و اگر می‌خواهند کلاس خوب و پانشاطی داشته باشند، نیازهای دانشجویان و دانش‌آموزان خود را درک و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنند، در غیر این صورت، دانشجوی و دانش‌آموز گوی سبقت را از استاد خود می‌گیرد و آن وقت است که ما باید با آموزش و پرورش خداحافظی کنیم.

■ شما معلمی را تجربه کرده‌اید. از اولین روز شروع آموزگاری تاکنون بفرمایید.

بنده هم مانند همه‌ی انسان‌ها که در شروع هر کاری تجربه‌ی کافی و لازم را ندارند و در طی سال‌ها کسب دانش و مهارت می‌کنند، وارد مدرسه شدم و مانند کسی که برای اولین بار با اتومبیل شخصی خود پشت فرمان می‌نشیند و اشتباهاتی مرتکب می‌شود، حتماً اشتباهاتی داشته‌ام. در اولین روز خدمت، اگرچه روان‌شناسی تربیتی و رشد و دوره‌ی کارروزی را در مرکز



مجبور است برای آموزش دانشجویان به غیر از استفاده از استادان هیئت علمی که آموزش دیده‌ی تربیت معلم هستند و استانداردهای این دانشگاه را می‌دانند، از استادان حق‌التدریسی که تجربه‌ی کافی ندارند، کمک بگیرد. این مسئله، هم بار مالی زیادی برای دانشگاه دارد و هم آموزش را بی‌کیفیت می‌سازد.

از مشکلات گروه دوم نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد: این گروه معمولاً شاغل هستند و چون آموزش‌ها فشرده و در پایان هفته است، زمان مناسبی برای آموزش ندارند. البته نومعلم‌ان بیشتر مشکلاتشان را به صورت پروژه ارائه می‌دهند که قابل تأمل است؛ اما متأسفانه جایی نیست که افراد این پروژه‌ها را مطالعه و واکاوی کنند و به دنبال رفع مشکل باشند.

■ یعنی این دانشجویان هیچ نوع آموزش عملی نمی‌بینند؟

کلاس‌های درس دانشگاه فقط نظری هستند؛ اما درسی تحت عنوان «کارروزی» داریم که در چهار نیم سال تحصیلی، و در دو سال پایانی دوره‌ی کارشناسی ارائه می‌شود. سپس دانشجو باید در مدرسه اقدام پژوهی و درس پژوهی را زیر نظر استاد راهنما به مهارت‌های خود اضافه کند. این برنامه خیلی خوب است؛ اما چالش‌هایی هم دارد که عبارت‌اند از:

۱. بسترهای لازم برای این فرایند وجود ندارد؛ مثلاً هر استاد پانزده دانشجو را زیر نظر دارد، در حالی که ساعت و زمان مشخص است؛ اما دانشجویها به لحاظ مکانی کنار هم نیستند. یکی ورامین، یکی قزوین، دیگری سبزوار، بعدی تهران و... با توجه به این شرایط، بدون در نظر گرفتن هزینه یا وسیله‌ی رفت و آمد برای استاد، چطور می‌شود انتظار داشت که او به همه‌ی پانزده دانشجو رسیدگی کند و خطاها و ایرادهای آن‌ها را ببیند، آموزش لازم را بدهد و رفع اشکال کند!

۲. محتوایی که استاد به دانشجو معلم آموزش می‌دهد و باعث می‌شود که دانشجو به صورت فیزیکی، مدرسه و عوامل آن و کلاس درس را تجربه کند، خیلی خوب است؛ اما به شرط آنکه محتوا از قبل اشکال نداشته باشد. می‌فرمایید چه اشکالی؟ مثلاً درس جدیدی، به عنوان فناوری، به درس‌ها اضافه شده است؛ اما از مهارت‌های آبی‌سی‌دی ال خبری نیست. شاید استادی بر اساس علاقه و توانایی خودش بعضی مهارت‌ها را به دانشجو آموزش بدهد؛ اما نه به عنوان یک

ورشده شخصیتی‌اش در حال شکل‌گیری است، برطرف می‌کنند؟ به هیچ عنوان، منظور بنده افراد خاص نیستند، حتماً تعدادی دانش‌آموز هستند که به رشته‌ی هنر، ریاضی و... علاقه‌مندند و کتاب‌های موجود، نیاز این دسته را برآورده می‌کند؛ اما نیاز بیشترین قسمت جامعه را برطرف نمی‌کند. بیشتر دانش‌آموزان نیاز آموزشی خود را از جای دیگری غیر از کتاب درسی دریافت می‌کنند.

■ به نظر شما در تربیت دانشجو معلم چه کمبودهایی وجود دارد؟

کمبودهای ملموس از نظر بنده عبارت‌اند از: نبود مدرسه‌های وابسته، کمبود نیروی متخصص در تمامی رشته‌ها، روزآمدی در برنامه‌ی درسی، برنامه‌ریزی بر اساس واقعیت برای درس کارروزی، به‌روز نبودن معلمان و حتی استادان.

■ در عصر امروز چه مهارت‌هایی را برای معلمان ضروری می‌دانید؟

آشنایی لازم با مسائل تربیتی و آموزشی در جهان نوین، فناوری‌های نوین و لزوم مهارت‌های آبی‌سی‌دی ال.

■ بیشترین مشکلات نومعلم‌ان چیست؟

در دانشگاه فرهنگیان دو گروه دانشجو داریم؛ گروه اول دانشجویانی هستند که از طریق آزمون سراسری به این دانشگاه وارد و مشغول به تحصیل می‌شوند. این گروه بعد از آموزش دانشگاهی، ساعتی هم به صورت فوق برنامه، آموزش‌های عملی را بر اساس سرفصل‌های تعیین شده و سند تحول بنیادین، آموزش می‌بینند. گروه دوم افرادی هستند که مدرک کارشناسی دارند و برای آموزش دوره‌ی خاص یک ساله، برای وارد شدن به کلاس درس، آموزش می‌بینند. از مشکلات اساسی گروه اول می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. به دلیل نبود فضا و امکانات مناسب، دانشجویان بعد از آموزش دانشگاهی، به منزل می‌روند. این مسئله دور از فلسفه‌ی آموزشی این دانشگاه است. در این صورت دانشجو مقداری از آموزش‌های خاص دور می‌شود.

۲. آموزش و پرورش به دلیل جمعیت زیاد و نیاز خاصی که در هر منطقه دارد، به ناچار باید نیروی انسانی را به کار گیرد. این موضوع خودش باعث زیاده‌شدن دانشجو و بالا رفتن ظرفیت دانشگاه می‌شود. این ناهماهنگی در همه‌ی استان‌ها مشکل به وجود می‌آورد و به دنبال آن دانشگاه

تربیت معلم گذرانده بودم؛ وقتی وارد کلاس شدم، فشار روانی زیادی داشتم؛ دغدغه‌ی برخورد با دانش‌آموز، اولیای آن‌ها، کارکنان مدرسه و دغدغه‌ی ورود و خروج. دغدغه‌هایی که هم مشهود و هم طبیعی بودند. معمولاً افرادی که از مراکز تربیت معلم وارد مدرسه می‌شدند، به نسبت افراد دیگر تسلط بیشتر و اشتباهات کمتری داشتند، منعطف‌تر بودند و با توجه به آموزش‌هایی که دیده بودند، رفع نقص می‌کردند.

یکی از مشکلاتی که در بدو ورود برایم پیش آمد، این بود؛ برای درس تربیت بدنی، در پایه‌ی اول، در حیاط مدرسه مشغول به آموزش بودم. یکی از بچه‌ها به سمتم آمد و گفت: «اجازه هست از سرویس بهداشتی استفاده کنم؟» با اینکه از قبل می‌دانستم درخواست دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی باید انجام شود، ولی این کار را نکردم. آن دانش‌آموز برای بار دوم اجازه خواست و من اجازه ندادم. بعد از چند دقیقه متوجه شدم بیش از یازده نفر از دانش‌آموزان مجبور به تعویض لباس هستند. این اشتباه بزرگ، من را با برخورد مدیر و اولیا مواجه کرد.

■ وضعیت آموزش و پرورش امروز را چطور می‌بینید؟

از نظر بنده، به عنوان کارشناس تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش به لحاظ محتوا و برنامه‌ریزی وضعیت مناسبی ندارد. مهم‌ترین مسئله‌ی امروز برنامه و محتوای درسی و میزان ساعت آموزشی نامناسب برای دانش‌آموزان است. بعضی از درس‌هایی که تدریس می‌شوند، غیر از اینکه زمان و وقت دانش‌آموز را هدر می‌برند، بهره‌ی دیگری ندارند؛ مثلاً چند درصد از افراد جامعه که دیپلم گرفته‌اند، از تمام درس‌هایی که گذرانده‌اند، بهره برده‌اند؟ اگر کسی تخصصی دارد، بنا به تشخیص خودش در جای دیگری مهارت کسب کرده است. عموم مردم جامعه به برخی از محتواهای فعلی درسی نیاز ندارند.

مسئله‌ی بعدی، نبود افراد مجرب و ماهر با مهارت‌های گوناگون برای خدمت به جامعه است. آیا آموزش و پرورش این نیاز را برطرف کرده است؟ آیا این نهاد افراد آگاه و عالم به مهارت‌های متعدد را به جامعه تحویل داده است؟ ما در دوره‌ی ابتدایی و دوره‌ی متوسطه‌ی اول و دوم به دانش‌آموز برنامه می‌دهیم؛ ولی آیا با نیازهای جسمی، جنسی، اخلاقی و اجتماعی او سازگار است؟ آیا کتاب‌های درسی نیاز دانش‌آموزی را که بلوغ جنسی و فکری



و تدریس می کنند. این معلمان واقع گرا و مورد رضایت دانش آموزانشان هستند و فهم مشترکی با آن ها دارند. اگر دانش آموز دوگانگی ببیند، با معلمش ارتباط نمی گیرد و برچسب «نمی داند، نمی فهمد و متوجه نیست» را به او می زند. یادآور می شوم که نومعلمان عزیز اگر دغدغه های غیرشغلی خود را مدیریت کنند، می توانند کارایی و اثربخشی پذیرفتنی ای را از خود به نمایش بگذارند.

■ مهم ترین خاطره ی شما در طول چهل سال خدمت چیست؟

معاون آموزشی منطقه ی ۵ تهران بودم. در مقاله های تجربه های یک مدیر را می خواندم که زیرمجموعه ی خودم بود. ایشان نوشته بودند یکی از افتخاراتم این بوده است که استفاده از تلفن همراه را در مدرسه ممنوع کردم. در آن زمان مدیر را خواستم و گفتم اشتباه کردید. شما باید فرهنگ استفاده از تلفن همراه را به دانش آموزان آموزش می دادید. تا کی می توانید با دغدغه کردن استفاده از آن مقاومت کنید. فناوری هر روز پیشرفت می کند. البته کاری به محتوای درونی ندارم و معتقد نیستم که برخی وبگاه ها نباید وجود داشته باشند؛ اما وجود دارند. یا برخی محتواها نباید باشند؛ اما هستند؛ چون چیزی که وجود دارد، نمی شود منکر آن شد. ایشان آن زمان حرف من را قبول نکردند؛ اما در زمان شیوع کرونا متوجه شدیم که وجود تلفن همراه چقدر ضروری است. اما حالا در چند سال آینده که هوش مصنوعی غوغایی در دنیا به پا می کند و هم و غم همه می شود، چه باید کرد؟!

■ اگر بخواهید مهم ترین تجربه ی کاری خودتان را به دانشجویان انتقال بدهید، آن تجربه چیست؟

اگر ما به عنوان افرادی که سکان تعلیم و تربیت در دست ماست، سعی کنیم از دانش آموزان خود که بیشتر نسل زد و آلفا هستند، جلوتر باشیم، باید زودتر شروع و آموزش های لازم را بر اساس فناوری جدید کسب کنیم و محتوای درسی و برنامه ی درسی را بر اساس فناوری روز پیش ببریم؛ چون عصر آینده عصر فناوری است و اتفاقاتی که هر لحظه رخ می دهد، ممکن است در کوتاه ترین زمان ممکن معلم را از دانش آموز عقب بیندازد. همین مسئله باعث می شود کلاس خوب و با نشاطی هم نداشته باشیم.

معضلات مدرسه ی امروز هم محسوب می شود، در اجتماع اتفاق می افتد، معلم اجازه ی صحبت دارد؟ آیا دانشجو معلم این مشکلات رفتاری و اخلاقی را در یک مرکز به صورت عینی دیده است که بداند چطور با آن برخورد کند؟ چون معلم به طور عام با دانش آموزانی ارتباط دارد که علاوه بر تدریس با مشکلات خانوادگی و اجتماعی هم روبه رو هستند و باید تا حدی مهارت رفع آن را بدانند. اگر دانشجویان آموزش های لازم، کافی و به روز را ببینند و آن ها را مدیریت کنند، اتفاقات خوب و تغییرات بنیادی خوبی پیش می آید.

■ رویکرد معلمان اثربخش در مدیریت کلاس درس چگونه است؟

معلمان اثربخش، با داشتن مشکلات بسیار، بر اساس باورهای خودشان کار می کنند، نه بر اساس بخشنامه های اداری. آن ها خلاق اند و مهارت هایی دارند که شاید در نظام کاری خود آموزش ندیده اند، ولی براساس علاقه ی خودشان یاد گرفته اند. آن ها محتوای آموزشی را با نیاز جامعه هماهنگ می کنند و خوراک مناسب برای دانش آموز تهیه

درس تخصصی. در بحث فناوری دانش آموز دوره ی ابتدایی از فضاهای مجازی متعددی استفاده می کند و واژه هایی را به کار می برد که متأسفانه آموزگار اجازه و امکان استفاده از آن را ندارد یا باید بر اساس یک سرفصل مشخص آموزش بدهد که همین مسئله مشکل را چندبرابر می کند. استاد نسل قدیم و دانشجو نسل زد و قرار است با این محدودیت، به نسل آلفا آموزش بدهد. آیا این آموزش برای این نسل مفید است؟ آیا با محتوای کتاب درسی مرتبط است؟ آیا معلم را به اهدافش نزدیک می کند؟ آیا این آموزش به اهداف سند تحول بنیادین خواهد رسید؟ این روند برای نسلی که وارد تعلیم و تربیت می شود، جوابگو نیست. حتی در نگاه به مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در بین نسل ها تفاوت است. دانش آموز در مدرسه چیزی می آموزد و در محیط اجتماع با چیز دیگری روبه رو می شود؛ مثلاً در مدرسه آموزش موسیقی وجود ندارد؛ اما گروه سرود تشکیل و اجرا می شود. در روان شناسی راجع به ناهنجاری های متعدد مثل هوی متال، رپ و شیطان پرستی صحبت می شود. آیا وقتی این بزه که یکی از





سنجیدن سنجش

سیدعلی عبداللہی حسینی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، سفیر
نوا فرینی آموزش، مربی (کوچ) عملکرد
عذرا بیگم هژبری
دکترای برنامه‌ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه و
مدیر مدرسه‌ی ابتدایی مهرگان بابل

آیا می‌دانید چگونه می‌توان مطمئن شد که سنجش‌های کلاسی نه‌تنها دقیق و معتبر، بلکه برای همه‌ی دانش‌آموزان منصفانه و مناسب هستند؟ آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چگونه می‌توانید با استفاده از سنجش‌هایی با کیفیت بالا، تأثیر بیشتری در فرایند یادگیری دانش‌آموزان خود داشته باشید؟ در مقاله‌ی پیش رو، به بررسی تعریف و اهمیت و معیارهای سنجش با کیفیت بالا می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه با استفاده از این معیارها، می‌توان سنجش‌های کلاسی را بهبود بخشید و تجربه‌ی یادگیری بهتری را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.

معیارهای سنجش کلاسی باکیفیت

سنجش کلاسی با کیفیت بالا به فرایندی گفته می‌شود که در آن معلمان از روش‌ها و ابزارهای معتبر، اعتمادپذیر، منصفانه و مناسب استفاده می‌کنند تا عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان را بسنجند. این نوع سنجش‌ها یادگیری و انگیزشی را که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود، تأیید می‌کنند و ارتقا می‌دهند. سنجش‌های کلاسی باکیفیت بر تصمیمات آموزشی نیز تأثیر می‌گذارند. معیارهای متفاوتی برای سنجش‌های کلاسی وجود دارد که همه‌ی آن‌ها مهم‌اند؛ اما در این مقاله به چهار مورد اساسی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. روایی^۱

سنجش باید توانایی اندازه‌گیری دقیق و صحیح مفهومی که قصد اندازه‌گیری آن را داریم، داشته باشد. روایی به صحت^۲ و مطمئن بودن^۳ یا موجه بودن^۴ ادعاها یا استنباط‌هایی^۵ که از نمرات به دست آمده‌اند، توجه دارد؛ مثلاً اگر سنجشی برای ارزیابی مهارت خواندن دانش‌آموزان طراحی می‌کنیم، باید مطمئن شویم که آن سنجش تمامی جنبه‌های مهم مهارت خواندن را دربردارد. برای اطمینان یافتن از اینکه سؤال‌های شما از روایی لازم برخوردار است یا خیر، پیشنهاد می‌شود روی فهرست سؤال‌هایی که در ادامه می‌آید، متمرکز شوید:

- نمونه‌ی فهرست‌وارسی برای ارزیابی روایی سنجش - آیا سنجش، تمامی مفاهیم و اهداف آموزشی را پوشش می‌دهد؟
- آیا سؤال‌های سنجش با محتوای آموزشی تطابق دارد؟
- آیا نتیجه‌های سنجش با عملکرد واقعی دانش‌آموزان همبستگی دارد؟
- آیا برای سنجش، از روش‌های متعدد استفاده می‌کنید؟
- آیا نظر معلمان هم‌پایه یا کارشناسان در خصوص هماهنگی بین سؤال‌های سنجش و هدف سنجش را جویا شده‌اید؟

۲. پایایی^۶

سنجش باید در شرایط گوناگون و با تکرارهای متعدد نتیجه‌های مشابهی را نشان دهد؛ مثلاً وقتی معلمی آزمون ریاضی مشابهی را در دو زمان از دانش‌آموزان می‌گیرد، نتیجه‌ها باید تقریباً مشابه باشند. برای مطمئن شدن از اینکه سؤال‌های شما از پایایی لازم برخوردار است یا خیر، پیشنهاد می‌شود روی فهرست سؤال‌هایی که در ادامه می‌آید، متمرکز شوید:



نمونه‌ی فهرست واری برای ارزیابی پایابودن سنجش

- آیا نتیجه‌ی سنجش در زمان‌های متعدد پایداری دارند؟
- آیا نتیجه‌ی تکرار سنجش در زمان‌های متعدد مشابه هستند؟
- آیا نتیجه‌ی ارزیابی‌های انجام‌شده توسط معلمان گوناگون همسانی دارند؟
- آیا تعداد سؤال‌ها کافی هستند؟
- آیا دستورالعملی مشخص برای پاسخ‌دادن به سؤال‌ها تهیه شده است؟

۳. منصفانه‌بودن^۱

سنجشی عادلانه است که به همه‌ی دانش‌آموزان فرصتی برابر برای نشان‌دادن موفقیتشان بدهد. به عبارت دیگر، سنجش نباید به نفع یا ضرر گروه خاصی از دانش‌آموزان باشد، بلکه باید با توجه به نیازها و توانایی‌های همه‌ی دانش‌آموزان طراحی شود؛ مثلاً آزمونی که برای دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه طراحی شده است، باید تنظیمات و تسهیلات مناسبی مانند زمان بیشتر یا ابزارهای کمکی فراهم کند. برای اطمینان حاصل کردن از اینکه سؤال‌های شما از انصاف لازم برخوردار است یا خیر، پیشنهاد می‌شود روی فهرست این سؤال‌ها متمرکز شوید.

نمونه‌ی فهرست واری برای ارزیابی منصفانه‌بودن سنجش

- آیا سنجش به نفع یا ضرر گروه خاصی از دانش‌آموزان است؟
- آیا عملکرد دانش‌آموزان با توجه به جنسیت، قومیت و وضعیت اجتماعی اقتصادی آن‌ها تحلیل شده است؟
- آیا سؤال‌های سنجش با نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان گوناگون تطابق دارند؟
- آیا سؤال‌های سنجش شامل نیازهای ویژه‌ی آموزشی هستند؟
- آیا تسهیلات و تنظیمات مناسب برای دانش‌آموزانی که نیازهای ویژه دارند، فراهم شده است؟
- آیا فرایند سنجش و هدف آن، به‌طور شفاف، برای دانش‌آموزان توضیح داده شده است؟
- آیا معیارهای ارزیابی و نمره‌دهی شفاف و فهم‌پذیر هستند؟

۴. مناسب‌بودن^۲

سنجش باید به گونه‌ای طراحی شود که به راحتی بتوان آن را اجرا و تحلیل کرد و نیاز به منابع و زمان زیادی نداشته باشد؛ مثلاً استفاده از پرسش‌های کوتاه پاسخ و سؤال‌های چند گزینه‌ای در آزمون‌های هفتگی می‌تواند به صرفه‌جویی در زمان تصحیح و تحلیل نتیجه‌ها کمک کند. برای اطمینان یافتن از اینکه سؤال‌های شما مناسب است یا خیر، پیشنهاد می‌شود روی فهرست سؤال‌هایی که در ادامه می‌آیند، متمرکز شوید:

نمونه‌ی فهرست واری برای ارزیابی مناسب‌بودن سنجش

- آیا مدت زمان لازم برای تکمیل سنجش توسط دانش‌آموزان مناسب است؟
- آیا زمان لازم برای تصحیح و تحلیل نتیجه‌ی سنجش مناسب است؟
- آیا هزینه‌های مرتبط با تهیه و اجرای سنجش معقول است؟
- آیا منابع لازم برای تهیه و اجرای سنجش در دسترس هستند؟
- آیا فرایند سنجش ساده و اجرashدنی است؟

نتیجه‌گیری

سنجش کلاسی فراتر از اندازه‌گیری دانش دانش‌آموزان است. با تهیه‌ی بازبینی‌های (چک‌لیستی) در قالب چهار شاخص اساسی **روایی، پایایی، عدالت و مناسب‌بودن** در ارزیابی‌هایتان، شما ابزاری قدرتمند ایجاد می‌کنید که نه تنها پیشرفت دانش‌آموزان را به‌طور دقیق می‌سنجد، بلکه آموزش معنادار را هدایت می‌کند و فرصت‌های یادگیری برابر را ترویج می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Validity
2. soundness
3. trustworthiness
4. legitimacy
5. inferences
6. Reliability
7. Fairness
8. Practicality

منبع
مک میلان، جیمز ایچ، ۱۴۰۱، سنجش در کلاس درس، ترجمه‌ی دکتر حسن نادعلی‌پور، زهرا اسدی و باقر دانیالی، ویرایش هفتم، تهران: روان.



چتری برای بازماندگان از تحصیل



رسول صفرازی
دکترای برنامه‌ریزی درسی

مطابق با آمار سازمان ثبت‌احوال کشور؛ بانک سوابق تحصیلی آموزش و پرورش؛ بانک اطلاعات کودکان ثبت‌نام‌شده در سامانه‌ی سیدا. در این مرحله، با محور قرار دادن کد ملی، گزارشی بر خط (آنلاین) از تفاوت بانک لازم‌التعلیمان و ثبت‌نام‌شدگان به دست می‌آید و همه‌ی مشخصات کودکان بازمانده از تحصیل از جمله کدپستی، تلفن والدین و... در دسترس قرار می‌گیرد.

مرحله‌ی دوم: انتقال اطلاعات

در این مرحله، اطلاعات استخراج‌شده از مرحله‌ی اول به یکی از سامانه‌های ذیل سیدا منتقل می‌شود، به‌نحوی که امکان تهیه‌ی گزارش به تفکیک استان، شهرستان و منطقه وجود داشته باشد. با تهیه‌ی این گزارش وضعیت کودکان به‌صورت دقیق برای آموزش و پرورش روشن می‌شود.

مرحله‌ی سوم: تشکیل قرارگاه

در این مرحله قرارگاهی ملی، استانی، منطقه‌ای و مدرسه‌ای برای پیگیری، شناسایی، جذب و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل تشکیل می‌شود. علاوه بر مسئولان مرتبط با این مسئله، امکان استفاده از ظرفیت افراد و مؤسسات مؤثر مانند حلقه‌های مردمی، انجمن‌ها، گروه‌های جهادی، بسیج دانش‌آموزی، فرهنگیان و... نیز وجود دارد.

مرحله‌ی چهارم: تعیین مسئولان پیگیری و شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل

در این مرحله، برای هر پیگیری‌کننده حداقل یک و حداکثر پنج نفر بازمانده از تحصیل مشخص می‌شود. افراد پیگیری‌کننده رمزی را از مسئول فناوری منطقه دریافت می‌کنند. آن‌ها می‌توانند وارد سامانه‌ی شهید محمودوند شوند و براساس نشانی و اطلاعاتی که در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود، به محل سکونت بازماندگان از تحصیل مراجعه کنند و اسناد و اطلاعات دقیق از وضعیت آن‌ها را به دست آورند. سپس مستندات تهیه‌شده برای هریک از بازماندگان را به همراه ثبت اطلاعات دقیق ثبت کنند.

مرحله‌ی پنجم: تکمیل بانک اطلاعات

در این مرحله بانک اطلاعات تکمیل می‌شود و اطلاعات کودکانی که شناسایی شده‌اند،

اهداف طرح

۱. بستن مبادی بی‌سواد و تکمیل پوشش تحصیلی دانش‌آموزان از طریق شناسایی چهره‌به‌چهره‌ی کودکان بازمانده از تحصیل.
۲. جذب و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل به‌منظور دستیابی به شرایط تحصیلی برابر و بسط و توسعه‌ی عدالت آموزشی و تربیتی.
۳. بهبود شاخص‌های دسترسی به آموزش و پیگیری از آسیب‌های تحصیلی.
۴. استفاده از ظرفیت‌های درونی و بیرونی سازمانی برای پیگیری، شناسایی، جذب و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل.
۵. استفاده از ظرفیت‌های فناوری و همچنین تفویض اختیار به استان‌ها، مناطق و مدرسه‌ها در پیگیری، شناسایی، جذب و نگهداشت بازماندگان از تحصیل.
۶. آسان کردن امکان تهیه‌ی گزارشی نظام‌مند از وضعیت بازماندگان از تحصیل، به‌صورت آنی، با هدف برنامه‌ریزی به‌موقع و مناسب برای جذب حداکثری.

مراحل اجرایی طرح

مرحله‌ی اول:

شمارش دقیق کودکان

بازمانده از تحصیل

این شمارش از طریق تطبیق داده‌های سه بانک اطلاعاتی معتبر کشور صورت می‌گیرد. این سه منبع اطلاعاتی عبارت‌اند از: بانک اطلاعات کودکان لازم‌التعلیم، در سن متعارف مدرسه‌ای،

تعریف طرح

این طرح به‌منظور بستن مبادی بی‌سوادی، از طریق شناسایی چهره‌به‌چهره‌ی کودکان بازمانده از تحصیل، در چهار سطح ستاد، استان، منطقه و شخص پیگیری‌کننده اجرا می‌شود. برای تبرک‌جستن به نام شهدا، این طرح به نام شهید شاخص تفحص، «شهید علی محمودوند» نام‌گذاری شده است.

ضرورت طرح

آموزه‌های دین اسلام اعم از آیات قرآن، سیره و گفتار پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) تأکید ویژه‌ای بر علم‌آموزی دارند. از طرفی در دنیای کنونی نیز پیشرفت‌های همه‌جانبه از مسیر علم و علم‌آموزی امکان‌پذیر است. در این راستا قانون اساسی، سند تحول بنیادین، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول دولت و همچنین برنامه‌های تحولی وزارت آموزش و پرورش نیز بر اجرای این آموزه‌ها تأکید فراوانی دارند. مسیر اجرایی تحقق یافتن آموزه‌های دینی و قانونی، در موضوع علوم و فنون و دانش‌ها، از طریق آموزش همگانی و در سایه‌ی عدالت تربیتی و در دو بعد کمی و کیفی امکان‌پذیر است. از این رو، ضرورت دارد طرح‌های متعددی در این زمینه اجرا شود. طرح شهید محمودوند به‌عنوان یکی از مسیرهای بستن مبادی بی‌سوادی و گسترش چتر تعلیم و تربیت، برای صددرصد کودکان لازم‌التعلیم، می‌تواند مثمر‌تر واقع شود.





۲. فاصله‌ی زیاد محل سکونت بعضی

از همکاران تا محل کار

این فاصله در بعضی از مناطق حتی به بیش از یکصد کیلومتر هم می‌رسد. از آنجا که همکاران، برای رفتن به سر کار، با یک ماشین تردد می‌کنند، امکان اینکه بعدازظهر را در محل تحقیق به‌منظور شناسایی و جذب بمانند، نیست.

۳. مشکلات خاص حضور و تردد برای

همکاران خانم

مدرسه‌هایی که صددرصد کارکنان آن‌ها همکاران خانم هستند، به‌دلیل شرایط خاص، امکان حضور و تردد این عزیزان برای دیدار چهره‌به‌چهره با بازماندگان به‌خصوص در مناطق روستایی، عشایری و حتی حاشیه‌ی شهرها وجود ندارد.

۴. همکاری نکردن سایر دستگاه‌های

اجرایی

در بعضی از موارد سایر دستگاه‌های اجرایی خود را ملزم به انجام همکاری نمی‌دانند.

پیشنهادهای

۱. تخصیص اعتبار ویژه برای اجرای این طرح و همچنین در نظر گرفتن مشوق‌های خاص، نظیر اعطای امتیاز در بحث رتبه‌بندی یا انتخاب معلم نمونه، برای کسانی که در بحث پیگیری، شناسایی، جذب و نگهداشت کودکان براساس تعداد و آمار جذب‌شده اقدام کرده‌اند.

۲. تخصیص و تعیین پاداش براساس جذب تعداد نفر، به‌منظور ایجاد انگیزه در تمایل به همکاری، برای افراد خارج از مجموعه‌ی آموزش و پرورش به‌خصوص در مناطقی که امکان حضور همکاران وجود ندارد.

۳. ایجاد مشوق‌هایی از جمله اعطای امتیاز، در بخش ارزیابی اداره‌ها، برای دستگاه‌هایی که در بحث پیگیری و شناسایی و جذب با آموزش و پرورش همکاری کرده‌اند. این امر باعث می‌شود سایر دستگاه‌هایی اجرایی داوطلبانه به آموزش و پرورش مراجعه کنند و همکاری نزدیک‌تری صورت گیرد.



حضور نیافتن در مدرسه که این موضوع برنامه‌ریزی برای جذب را آسان می‌کند.

۲. صرفه‌جویی در زمان، برای شناسایی و جذب بهتر و سریع‌تر، به‌دلیل وجود بانک اطلاعاتی دقیق.

۳. جلوگیری از دوباره کاری، به‌دلیل در اختیار داشتن اطلاعات کامل در صورت جابه‌جایی مدیران و مسئولان.

۴. آسان و مستدل بودن ارائه‌ی گزارش به مسئولان مافوق، سایر دستگاه‌های اجرایی، خیرین و نهادهای متقاضی حمایت.

چالش‌های اجرایی طرح

۱. کمبود یا نبود اعتبارات مورد نیاز برای اجرای بهینه‌ی طرح

علی‌رغم تلاش‌های جهادی همکاران در بعضی از استان‌ها، مانند سیستان و بلوچستان، به‌دلیل پراکندگی زیاد (سه‌برابر میانگین کشوری و تنها استان دارنده‌ی پرواز داخلی) و قیمت بالای سوخت و همچنین داشتن راه‌های صعب‌العبور، هزینه‌ی انجام این کار برای همکاران خیلی سنگین است.

با علت دقیق بازماندگی از تحصیل (دسترسی نداشتن به مدرسه، منع والدین، معلولیت، اشتغال، مسائل مالی و معیشتی، بیماری، ازدواج، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، جثه‌ی کوچک، مهاجرت، عشایر تک‌خانوار سیار و...) در دسترس قرار می‌گیرند.

مرحله‌ی ششم:

جذب کودکان بازمانده از تحصیل

در این مرحله با استفاده از تمام ظرفیت‌های درون و برون‌سازمانی، کار جذب و آموزش و نگهداشت کودکان با در نظر گرفتن علت بازماندگی از تحصیل و رفع موانع و همچنین مساعدت لازم برای حضور در مدرسه انجام می‌شود.

مزایای طرح شهید محمودوند

به طرح‌های مشابه قبلی

۱. در دسترس بودن آمار و اطلاعات همه‌ی بازماندگان از تحصیل و همچنین کشف علت



فرصت ماجراجویی

آموزشی و ارزیابی را پوشش دهند. هر مرحله به گونه‌ای طراحی شده است که به یادگیری مفاهیم جدید و ارزیابی پیشرفت‌ها از طریق فعالیت‌های تعاملی کمک کند. در ادامه، به بررسی نحوه طراحی و اجرای این مراحل خواهیم پرداخت و خواهیم دید که چگونه تلفیق این دورویکرد به طور عملی پیاده‌سازی می‌شود:

۱. طراحی داستان و محیط تعاملی

الف) هدف

ایجاد تجربه‌ای ماجراجویانه و تعاملی که هم به یادگیری درسی و هم به حرکات فیزیکی نیاز داشته باشد.

ب) روش

● **ایجاد داستان:** طراحی داستانی که شامل سفری ماجراجویانه در «جزیره‌ای جادویی» با مناطق متعدد باشد که به موضوعات گوناگون درسی اختصاص دارند؛ مثلاً جزیره می‌تواند

در این راستا، ماجراجویی‌های داستانی مبتنی بر «فعالیت بدنی» و «ارزیابی روایتی تعاملی» دو رویکرد نوآورانه هستند که می‌توانند به طور مؤثر در طراحی فعالیت‌های آموزشی به کار روند. این روش‌ها، با فراهم آوردن تجربه‌ی یادگیری فعال و جذاب، به طور چشمگیری قادر به تقویت انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان هستند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل مراحل متعددی باشند که دانش‌آموزان را در قالب داستان‌ها و چالش‌های تعاملی به یادگیری مفاهیم جدید ترغیب و به طور مؤثری شکاف میان نیازهای آموزشی و روش‌های ارزیابی سنتی را پر می‌کنند.

برای اجرای مؤثر این روش‌های نوین، مرحله‌ی طراحی شده‌اند که به طور جامع و جذاب نیازهای

محمود صیادی
دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی،
آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی، زاهدان



در عصر حاضر، نیاز به نوآوری در شیوه‌های آموزشی و ارزیابی بیش از پیش احساس می‌شود. روش‌های سنتی ارزیابی که به طور عمده به آزمون‌های کتبی و استاندارد‌های ثابت تکیه دارند، به تنهایی نمی‌توانند نیازهای پیچیده و متنوع یادگیری دانش‌آموزان را برآورده کنند. این تطابق داشتن با نیازهای واقعی یادگیرندگان، به ویژه در محیط‌های آموزشی که تلاش می‌شود دانش‌آموزان با انگیزه و مشارکت بیشتری به یادگیری بپردازند، موجب ضرورت جست‌وجوی راهکارهای جدید و خلاقانه شده است.



عکاس: اعظم لاریجانی

دارد. اعضای گروه باید به ناحیه‌ی مرتبط بروند و چالش‌های آن ناحیه را حل کنند. نقش‌ها می‌تواند شامل کاوشگران، کارآگاهان، و نویسندگان باشد.

ج) ابزار

- کارت‌های نقش و صورتک‌ها (ماسک‌ها) و کلاه‌های مرتبط.

۳. راه‌اندازی و اجرا و پیوند فعالیت‌های تعلیمی

الف) هدف

اجرای فعالیت‌هایی که هم به یادگیری درسی و هم به حرکات فیزیکی نیاز داشته باشد و در عین حال با داستان ادغام شود.

ب) روش

- آموزش مهارت حرکتی: قبل از آغاز فعالیت‌ها، فنون صحیح حرکتی را به کودکان آموزش دهید

- نقشه‌های جزیره‌ی جادویی (چاپی یا دیجیتال).
- علائم و تجهیزات برای شبیه‌سازی محیط‌های متعدد.

۲. تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌ها و تخصیص نقش‌ها

الف) هدف

سازماندهی دانش‌آموزان به گونه‌ای که هر گروه نقش خاصی در داستان ایفا کند و چالش‌ها را حل کند.

ب) روش

- تشکیل گروه‌ها: تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های کوچک (هر گروه پنج نفر) که هر گروه به یک شخصیت داستانی اختصاص داده می‌شود؛ مثلاً «کاوشگران علوم»، «جادوگران ریاضی»، «نویسندگان ادبی».
- تخصیص نقش‌ها: هر گروه نقش خاصی

به نواحی علوم، ریاضی و فارسی تقسیم شود. داستان را با استفاده از تصویرهایی از جزیره، موانع و شخصیت‌های داستانی معرفی کنید؛ می‌توانید تصویرهایی از جنگل‌های انبوه، غارهای مخفی و دهکده‌هایی را به نمایش بگذارید.

- طراحی محیط: از کلاس و حیاط مدرسه برای ایجاد نواحی متعدد جزیره می‌توان استفاده کرد. مراحل گوناگون داستان و چالش‌ها را به دانش‌آموزان توضیح دهید؛ مثلاً بگویید که گروه‌های متعدد باید با حل چالش‌های ناحیه‌های گوناگون گنجینه‌های گمشده را پیدا کنند.

- شبیه‌سازی حرکتی: طراحی فعالیت‌هایی که به تحرک بدنی نیاز داشته باشند و با داستان‌های ماجراجویانه ترکیب شوند؛ مثلاً گروه‌ها باید از طریق یک مسیر از موانع عبور کنند تا به «غار مخفی» برسند، فعالیت‌ها می‌توانند شامل دویدن، پرش، بازی کورن هول و حرکت روی تیرک‌های تعادلی باشند.

۵. پایان ماجراجویی و تحلیل نهایی

الف) هدف

خاتمه دادن به داستان، خلق پایان‌های باز داستان و تحلیل نهایی یادگیری.

ب) روش

• طراحی پایان‌های گوناگون

• **پایان‌های چندگانه:** داستان را به گونه‌ای طراحی کنید که پایان‌های گوناگونی براساس عملکرد گروه‌ها ایجاد شود؛ مثلاً اگر گروهی به همه‌ی چالش‌ها پاسخ دهد، پایان داستان می‌تواند یافتن گنجینه‌ی نهایی باشد. این گنجینه می‌تواند شامل گواهی‌نامه‌ی دستاورد (پیشگام آزمایشات علمی و...) و نشان‌های نمادین (ستاره‌ی نبوغ علمی و...) باشد.

• **انتخاب‌های نهایی:** به گروه‌ها این امکان را بدهید که انتخاب‌های نهایی خود را در پایان داستان انجام دهند؛ مثلاً انتخاب کنند که به کدام ناحیه برگردند یا کدام سرنخ‌ها را دنبال کنند.

• تحلیل نهایی

• **جلسات تحلیل:** پس از پایان داستان، جلسات تحلیلی برگزار کنید؛ مثلاً بررسی کنید چگونه گروه‌ها به گنجینه‌های متعدد دست یافتند و چه مهارت‌هایی را در طول ماجراجویی به کار بردند.

• **بازخورد نهایی:** بازخوردهای نهایی را به صورت داستانی ارائه کنید و به دانش‌آموزان نشان دهید که چگونه انتخاب‌های آن‌ها روی پایان داستان تأثیر گذاشته است.

ج) ابزار

• گواهی‌نامه‌ها، نشان‌های نمادین، گزارش‌های نهایی.

• تلفیق ماجراجویی‌های داستانی، مبتنی بر فعالیت بدنی با ارزیابی روایتی تعاملی، تجربه‌ای هماهنگ و جذاب برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. این تلفیق نه تنها فرایند یادگیری را غنی‌تر می‌کند، بلکه به تقویت مشارکت و انگیزه‌ی دانش‌آموزان نیز کمک می‌کند. با این شیوه‌ها می‌توان به طور مؤثرتر و متناسب‌تر با نیازهای آموزشی و ارزیابی پاسخ داد و تجربه‌ی یادگیری را بهبود بخشید. اجرای این روش‌ها، نه تنها موجب تحول در فرایند یاددهی و یادگیری می‌شود، بلکه به ایجاد محیط‌های آموزشی پویاتر و جذاب‌تر نیز کمک می‌کند.

باید به دنبال گنجینه‌های آموزشی بگردند.

• **ناحیه‌ی علوم:** گروه‌ها باید آزمایشی ساده انجام دهند و «سرنخ‌های علمی» را پیدا کنند.

• **ناحیه‌ی ریاضی:** گروه‌ها باید معماهای ریاضی را حل کنند تا «دروازه‌های مخفی» را باز کنند.

• **ناحیه‌ی ادبی:** گروه‌ها باید داستان‌های کوتاه بنویسند و «کلیدهای جادویی» را به دست آورند.

• **چالش‌های تیمی:** مسابقات گروهی برای حل معماها و مسائل به صورت تعاملی ارائه شود.

ج) ابزار

• کارت‌های چالش، وسایل آزمایشگاهی، مواد مورد نیاز برای فعالیت‌های تعاملی.

۴. ارزیابی پیشرفت و ارائه‌ی بازخورد

الف) هدف

ارزیابی عملکرد گروه‌ها و ارائه‌ی بازخورد مؤثر به شکل داستانی.

ب) روش

• **جمع‌آوری امتیازات:** امتیازهایی برای هر گروه براساس حل چالش‌ها و موفقیت در فعالیت‌ها جمع‌آوری کنید. می‌توانید امتیازات را براساس سرعت حل چالش‌ها، دقت و همکاری گروهی ارزیابی کنید. گزارشی از پیشرفت هر گروه تهیه کنید؛ مثلاً گزارشی درباره‌ی اینکه گروه «کاوشرگران جنگلی» چگونه با حل آزمایش‌ها به مرحله‌ی بعدی رسید.

• **بازخورد روایتی:** جایی که پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها به شکل یک روایت جذاب توصیف می‌شود، پس از پایان فعالیت‌ها، بازخوردها را به صورت داستانی کوتاه ارائه دهید که در آن پیشرفت‌های هر دانش‌آموز به عنوان بخشی از داستان توصیف شده است.

• **بازخورد تعاملی:** از دانش‌آموزان بخواهید در گروه‌های کوچک به بحث و تبادل نظر درباره‌ی بازخوردهای دریافت‌شده بپردازند؛ مثلاً بررسی کنند که چگونه می‌توانستند بهبود یابند و چالش‌های بیشتری را حل کنند.

ج) ابزار

• گزارش‌های توصیفی، داستان‌های بازخورد.

و به آن‌ها بگویید که چگونه باید حرکت کنند. از تشویق برای تقویت تلاش‌ها و موفقیت‌های کودکان استفاده و آن‌ها را به ادامه‌ی فعالیت‌ها ترغیب کنید.

• ارتباط داستان و فعالیت بدنی:

هر فعالیت بدنی باید به نحوی با داستان مرتبط باشد تا کودکان حس کنند در حال ایفای نقش شخصیت‌های داستان هستند. فعالیت‌ها باید به طور مستقیم به پیشبرد داستان کمک کنند. در داستانی که درباره‌ی جست‌وجوی گنجی در جنگل است، فعالیت‌ها می‌توانند شامل راهپیمایی از میان «درختان» (سری مخروط‌ها)، نجات گنج از «رودخانه» (پرسیدن از روی موانع) و دیگر فعالیت‌های بدنی باشند که به پیشبرد داستان کمک می‌کنند.

• **ایستگاه‌های چالش:** در هر ناحیه از جزیره، ایستگاه‌هایی طراحی کنید که چالش‌های مرتبط با موضوعات درسی را ارائه دهند:

• **ایستگاه علوم:** برای آزمایش‌های ساده یا معماهای علمی.

• **ایستگاه ریاضی:** برای حل مسائل ریاضی به صورت معماهای جادویی.

• **ایستگاه ادبی:** نوشتن یا خواندن داستان‌های کوتاه.

• **بازی‌های تعاملی:** برگزاری بازی‌هایی که نیاز به حرکات فیزیکی و فعالیت‌های گروهی دارند.

• **جست‌وجوی گنج:** در هر ایستگاه، دانش‌آموزان



ساجده میرزایی
کارشناس آموزش ابتدایی
علی قلعه‌نویی
کارشناس آموزش هنرهای تصویری

عبور از بی‌قراری‌ها

نگاهی به اختلال‌های اضطرابی
و راه‌های مقابله با آن‌ها

اضطراب^۱ واکنشی بهنجار به فشار روانی است و فقط زمانی می‌توان آن را نابهنجار دانست که در برابر اتفاقاتی روی دهد که مردم آن‌ها را به‌راحتی حل و فصل می‌کنند (ال. اتکینسون، ۲۰۱۵). دانش‌آموزی را تصور کنید که در مدرسه با شنیدن صدای زنگ تفریح ناگهان احساس می‌کند سیل نشانه‌های هول‌آور بیماری جسمی بر سرش ریخته است. سراسر بدنش سخت و خشک می‌شود. عرق می‌کند. قلبش به‌شدت به تپش می‌افتد. احساس گیجی و گم‌گشتگی می‌کند و علائمی بیرونی، شبیه به فردی که سکنه کرده است، از خود نشان می‌دهد. در این زمان اگر معلم اطلاعات کافی برای تشخیص نداشته باشد، نمی‌تواند کار تأثیرگذاری انجام دهد. گاهی رفتاری اشتباه می‌تواند اختلال را تشدید کند. تشخیص به‌موقع اضطراب مهم است؛ زیرا می‌توان با اقدامات مناسب، از پیامدهای منفی آن جلوگیری کرد (جلالی و همکاران، ۱۴۰۲).

اختلال‌های اضطرابی^۲ دسته‌ای از اختلال‌ها هستند که اضطراب نشانه اصلی آن‌هاست؛ مانند اضطراب فراگیر و اضطراب وحشت‌زدگی. اختلال اضطرابی همچنین به حالتی اطلاق می‌شود که وقتی شخص تلاش می‌کند رفتارهای غیرانطباقی معینی را تحت اختیار خویش درآورد، گرفتار آن می‌شود. اختلال هراس و وسواس فکری از این دسته‌اند (ال. اتکینسون، ۲۰۱۵).

انواع اختلال اضطرابی (الف) اختلال هراس^۳

هراس عبارت است از ترس شدید از محرک یا موقعیتی که بیشتر مردم خطر خاصی در آن نمی‌بینند (هیلگارد، ۵۳۲). این اختلال دهشت یا بیمناکی شدیدی (ال. اتکینسون ۲۰۱۵) است که به‌صورت کوتاه و دوره‌ای رخ می‌دهد؛ حملاتی بسیار اتفاقی که عامل تحریک‌کننده‌ی اصلی آن مشخص نیست. حدود ۴۰ درصد جوانان گاهی با حملاتی این‌چنینی، به‌خصوص هنگام مواجهه با تنش و فشار روانی، روبه‌رو می‌شوند (کینگ و همکاران، ۱۹۹۳). احساس تنگی و فشردگی در قفسه‌ی سینه، تپش شدید قلب، عرق کردن، لرزش، گیجی، احساس از دست‌دادن تعادل و... از علائم این اختلال هستند. این علامت‌ها گاهی آن‌قدر گسترده است که افراد فکر می‌کنند سکنه قلبی کرده‌اند و می‌ترسند که بمیرند.





بی تردید آرامشتان کم می شود و یادگیری تان نیز افت می کند. بنابراین لازم است معلمان به این امر توجه کنند و به مدیریت و کاهش اضطراب و فشار روانی دانش آموزانشان همت گمارند. در ادامه این مقاله، توصیه هایی برای معلمان مطرح شده است که به آن ها کمک می کند اضطراب بچه ها را کاهش دهند. طبق نتیجه ی آزمایشی که در ادامه می آید، سنجش و ارزیابی در وضعیت اضطراب می تواند بازدهی فرد را کاهش دهد. برای جلوگیری از این اتفاق دو اقدام ریشه ای را باید رقم زد: نخست، ایمن سازی فضای تنش زای کلاس و سپس آموزش راه های مدیریت اضطراب.

آزمایش اضطراب زونگ

درجه ی اضطراب را می توان با استفاده از مقیاس اضطراب خودرته بندی^۶ ارزیابی کرد. اولین بار زونگ^۷ از دانشکده ی پزشکی دانشگاه دوک، در سال ۱۹۷۱، این مقیاس را برای ارزیابی احساسات ذهنی افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی طراحی کرد. آزمایش خودرته بندی ابزار ارزیابی ساده ای است که به طور گسترده برای تجزیه و تحلیل علائم اضطراب ذهنی بزرگسالان یا نوجوانان استفاده می شود و عملکردهای غربالگری و تشخیص سطوح اضطراب را انجام می دهد. مطالعه ی حاضر

بیمار شدن فرزندان، نگرانی از مرگ والدین، نگرانی از نمره ی امتحان و...

ه) اختلال اضطراب اجتماعی

این نوع ترس در اواخر کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می شود و با خجالت ساده تفاوت دارد. ترس و شرمساری از اشتباه کردن یا صحبت کردن و غذا خوردن در جمع نمونه هایی از این اختلال هستند. این حالت اضطراب مانع از شناخت افراد جدید می شود و فرد را به انزوا و گوشه گیری می کشاند. افراد مبتلا به این اختلال در موقعیتهای اجتماعی با حملات وحشت زدگی روبه رو می شوند (بارلو، ۱۹۸۸؛ مک نالی، ۱۹۹۴). رابطه ی پیچیده ای بین فشار روانی و یادگیری وجود دارد. افزایش اضطراب، تا حد معینی، انگیزه های برای افزایش یادگیری است؛ اما پس از آن، افزایش اضطراب یادگیری را کاهش می دهد. زمانی که سطح اضطراب بالا می رود، به این معناست که سطح بهینه ای از ترس وجود دارد؛ اما بیش از آن، افزایش فشار روانی مضر و معکوس خواهد بود. اینجاست که اهمیت درمان فشار روانی نوجوانان مشخص می شود.

یادگیری فرایند تغییرهای نسبتاً پایدار در توان رفتاری فرد است (کیمبل، ۱۹۶۱، به نقل از هیلگارد و باور، ۱۹۷۵) و زمانی اتفاق می افتد که فرد توجه و تمرکز کافی به درس داشته باشد. زمانی که فرد مضطرب است، میزان دقت و توجه در او کاهش می یابد. در نتیجه یادگیری با کیفیت کمتری صورت می گیرد. فشار روانی شدید جریان خون و فعالیت قسمت هایی از مغز را که درگیر هوشیاری، توجه، تمرکز و یادگیری هستند، مختل می کند و در نتیجه یادگیری صورت نمی گیرد. اضطراب و فشار روانی می تواند مانع اصلی موفقیت فرد باشد. اگر با وجود تلاش زیاد نتوانید بر فشار روانی خود غلبه کنید،

ب) اختلال وسواس فکری عملی^۸

وسواس فکری عبارت است از تحمیل سمج افکار، تصورات یا تئانه های ناخواسته ای که ایجاد اضطراب می کند. وسواس عملی عبارت است از اجبار و الزام مقاومت ناپذیر به انجام دادن کارها یا تشریفات معین که اضطراب را کم می کند (ال. انکینسون، ۲۰۱۵). در این حالت فرد افکار یا اعمالی را برخلاف میل خود تکرار می کند. این بیماری می تواند به صورت وسواس فکری یا وسواس عملی یا هر دو در فرد ظاهر شود. در وسواس فکری، فرد قادر نیست فکر، احساس یا عقیده ای تکراری و مزاحم را از ذهن خود بیرون کند. افکار وسواسی می توانند بسیار ناراحت کننده، وحشت آور یا وحشیانه باشد. افکار وسواسی فرد را به سمت عادات های وسواسی سوق می دهد؛ یعنی فرد عمل یا اعمالی را به طور مکرر انجام می دهد (وسواس عملی)؛ مانند شستن مکرر دست ها، بالا کشیدن بینی و... اعمال وسواسی هیچ گونه توجیه منطقی ندارند. این اختلال ها بیشتر اوقات در سنین جوانی آشکار می شود (انجمن روان پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴؛ راسموسن و آیزن، ۱۹۹۰).

ج) اختلال تنش پس از رویداد^۹

اختلال تنش پس از رویداد را به نام «شانگان (سندرم) موج انفجار» نیز می شناسند. این حالت مربوط می شود به حادثه ای مثل جنگ، تصادف شدید یا سانحه ای طبیعی که با فشار روانی شدید هیجانی همراه است و شدت آن می تواند به هر کسی آسیب برساند. نیمی از افرادی که با چنین فشار روانی مواجه می شوند، علامت های مربوط به آن را پس از گذشت حدود سه ماه از دست می دهند؛ علامت هایی مانند خواب های تکراری، خاطراتی مبهم ولی فراگیر و از دست رفتن تعادل و پرخاشگری شدید. هرچه اقدام های لازم برای درمان زودتر انجام گیرد، احتمال ابتلا به اختلال تنش پس از سانحه کمتر می شود. در صورتی که این حالت بیش از چند ماه طول بکشد، احتمال اینکه تا آخر عمر با فرد باقی بماند، بسیار زیاد می شود.

د) اختلال اضطراب فراگیر

این حالت در افرادی دیده می شود که مدام نگران وقوع اتفاقی هستند. موضوع این نگرانی های می تواند بسیار متنوع باشد: نگرانی از





بی‌نویشت و منابع

واکنش به فشار روانی

واکنش‌های روان‌شناختی
اضطراب/ خشم و پرخاشگری / بی‌احساسی و افسردگی / اختلال شناختی
واکنش‌های فیزیولوژیایی
افزایش میزان سوخت‌وساز افزایش ضربان قلب گشاد شدن مردمک‌ها افزایش فشارخون افزایش میزان تنفس افزایش تنش عضلانی (کشیدگی ماهیچه‌ای) ترشح آندرووفین و اِسی تی اچ افزایش رهاشدن قند از کبد

است. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. شناخت منشأ: نخستین قدمی که در این راه باید برداشته شود، کشف عامل یا عواملی است که نوجوانان را مضطرب ساخته است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲). مادامی که منشأ اضطراب شناخته نشود، امکان درمان نیست. البته شناخت تمام آنچه باعث اضطراب شده است، امکان‌پذیر نیست؛ ولی شناسایی بعضی عوامل می‌تواند به‌خوبی از شدت یافتن و گسترش اضطراب جلوگیری کند (همان).

۲. ترغیب به گفت‌وگو: با ملاحظت و مهر می‌توان دانش‌آموز مضطرب را واداشت که هرچه درونش می‌گذرد، بیان کند؛ اینکه چه دردی دارد و مشکلش چیست. بیان درد تا حدود زیادی مشکل گشاست. برای این‌گونه افراد می‌توان برنامه‌ی صحیح مشاوره و راهنمایی گذاشت و مفیدترین راه مقابله با اضطراب را برایشان گفت (همان).

۳. تنظیم انتظارات: معلمان باید انتظارات واقع‌بینانه‌ای از دانش‌آموزان داشته باشند و از فشار بیش از حد برای انجام تکلیف‌ها و پروژه‌ها خودداری ورزند (ادب‌دخت و اکبری، ۱۴۰۲).

۴. ترغیب به معاشرت: با دانش‌آموز مضطرب صحبت کنید، در کنارش بمانید و فرصت معاشرت به او بدهید تا امکان بهبودش فراهم شود. بگذارید او در میان جمع باشد، حرف بزند، داستان بگوید، شرح حال خود را مطرح کند و شما هم او را با بیانات خود سرگرم کنید (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲).

۵. شفافیت و ارتباط: شفافیت در نیت‌ها و انتظارات و برقراری ارتباط مؤثر به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا احساس امنیت کنند و کمتر درگیر هیجان شوند (کیاحسینی و نجفی، ۱۴۰۲).

۶. استراحت و خواب کافی: هرچه خواب نوجوان بیشتر باشد، آرامش و آسایش او زیادت‌ر است؛ پس بگذارید، در اثر کار، نوجوان خسته شود و بهتر بتواند بخوابد. (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲).

۷. ایجاد پروژه‌های گروهی: در این پروژه‌ها دانش‌آموزان باید برای حل مسئله‌های احساسی همکاری کنند. این پروژه‌ها می‌توانند فرصتی برای تمرین تنظیم هیجان در یک محیط گروهی باشند. آن‌ها همچنین می‌توانند مهارت‌های اجتماعی را تقویت کنند (رحمت‌نیا، ۱۴۰۲).

۸. ارتباط با خدا: رابطه‌ی نوجوان را با خدا بیشتر و او را به عبادت و دعا سرگرم کنید. از نوجوان بخواهید از آشفتگی و افسردگی خود با خدا سخن بگوید، از او کمک بخواهد و به او متوسل شود (قمی‌فر، ۱۳۸۳).

از پایان آزمایش این دو گزارش را بیان می‌کنند. در این مطالعه، ما اضطراب شرکت‌کنندگان را از طریق نظرسنجی، با سکوی (پلتفرم) کوالتریکس، ارزیابی کردیم و از آن‌ها خواستیم میزان اضطراب خود را در مقیاس پنج‌درجه‌ای، از یک (خیلی آرام) تا پنج (خیلی مضطرب)، ارزیابی کنند.

طبق نتیجه‌ی این آزمایش، زمانی که ما بدانیم رفتارمان تحت ارزیابی یا سنجش قرار خواهد گرفت، اضطراب شدیدی را تجربه می‌کنیم و این هیجان باعث می‌شود نتوانیم با آرامش و تمرکز بالا عملکرد خود را مدیریت کنیم. چه بسیار آزمون‌هایی که به‌دلیل اضطراب بالا نتوانسته‌ایم به‌خوبی از عهده‌ی آن‌ها برآییم.

نشانه‌های اضطراب پس از امتحان

۱. بی‌تفاوتی ساختگی و ظاهری؛
 ۲. احساس گناه؛ «چرا بیشتر مطالعه نکردم!»
 ۳. خشم؛ «آموزگار نمی‌خواست من نمره‌ی قبولی بگیرم.»
 ۴. سرزنش؛ «اگر کتاب درسی آن قدر سخت نبود...»
 ۵. افسردگی؛ «دلیلی نمی‌بینم که بعد از امتحان در مدرسه بمانم.»
- در مورد دفع یا کاهش اضطراب در نوجوانان راه‌ها و اقدام‌های متعددی وجود دارد که مربیان و معلمان آگاه می‌توانند به‌وسیله‌ی آن‌ها به نوجوانان کمک کنند. در این مسیر، توجه به برخی نکات ضروری

بین دو گروه و به‌صورت مجازی و از طریق نرم‌افزار زوم انجام شده است. در این تحقیق، ما بر دو تکلیف مکالمه‌ای تمرکز کردیم. شرکت‌کنندگان این تکلیف‌ها را به‌صورت جفت‌جفت انجام دادند؛ زیرا تبادل دوتایی به‌راحتی امکان ارزیابی را فراهم می‌آورد. برای ارزیابی اجتماعی، سطح تهدید موجود در مکالمه‌ها را به‌طور خاص دستکاری کردیم. بدین‌صورت که قبل از یکی از مکالمه‌ها، به شرکت‌کنندگان گفتیم که عملکرد اجتماعی آن‌ها پس از مکالمه ارزیابی می‌شود و قبل از مکالمه‌ای دیگر، به شرکت‌کنندگان گفته شد که به آن‌ها امتیازی داده نمی‌شود. طی دو مکالمه، دو شرکت‌کننده در مورد موضوعی که به‌طور تصادفی انتخاب شده بود، به مدت چهار دقیقه صحبت کردند. ترتیب دو مکالمه هم کاملاً تصادفی بود.

خروجی آزمایش

شرکت‌کنندگان طی هر کدام از دو آزمایش انجام‌شده (آزمایشی که مورد ارزیابی قرار می‌گرفت و آزمایشی که ارزیابی نمی‌شد)، دو نظرسنجی مختصر را گزارش کردند. این دو نظرسنجی برای سنجش سطح اضطراب در دو حالت پایه و هم‌زمان بود. اضطراب حالت پایه به‌سطحی از اضطراب اشاره دارد که شرکت‌کنندگان قبل از انجام آزمایش آن را حس و ثبت و گزارش می‌کنند. اضطراب حالت هم‌زمان به شدیدترین اضطراب در طول انجام آزمایش اشاره دارد. هر شرکت‌کننده بلافاصله پس



چهارده تکه تا يك بدن

آشنایی با انواع مفاصل



مریم جلیلی
کارشناس گرافیک و آموزگار هنر پایه‌ی اول تا ششم ابتدایی

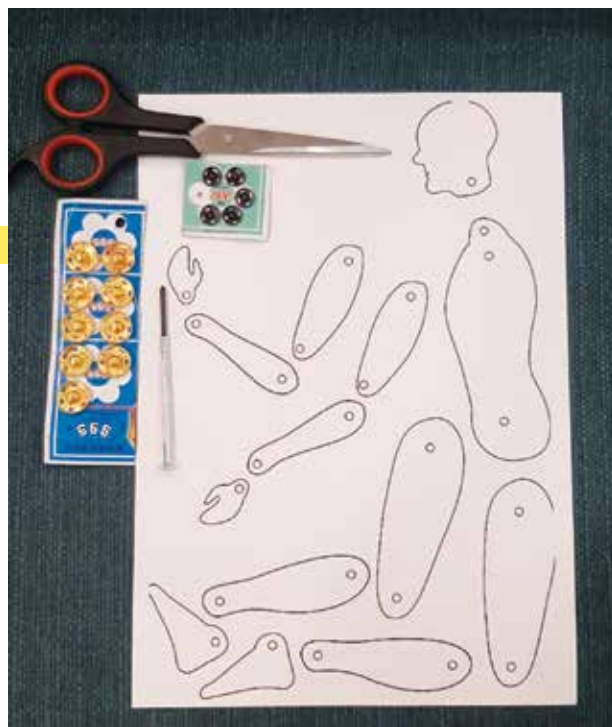
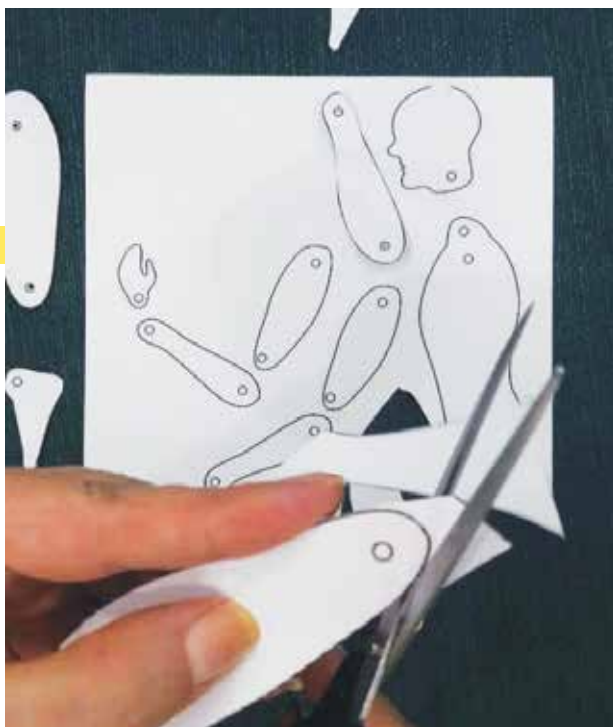
کاردستی محصول فعالیت، همکاری و هماهنگی بین ذهن و چشم و دست است که باعث پرورش خلاقیت، تخیل و تفکر دانش‌آموزان می‌شود. این گونه فعالیت‌ها توانایی‌های فیزیکی و حواس متعدد دانش‌آموزان را تقویت و به آن‌ها کمک می‌کند که به راحتی محیط اطرافشان را کشف کنند.

دانش‌آموزان با دست‌ورزی، برش، آشنایی و کار با وسایلی ساده از جنس‌های گوناگون و ترکیب آن‌ها با هم می‌توانند اثری را خلق کنند که بازی با آن برایشان بسیار جذاب است. این نوع فعالیت‌ها همچنین می‌تواند آن‌ها را در فراگیری درس‌هایشان نیز یاری کند. بازی یکی از راه‌های یادگیری است و ساخت کاردستی آن را به تکامل می‌رساند. نتیجه‌ی علم و عمل بسیار شیرین و جذاب است. نقش دست‌سازها در هماهنگی چشم، مغز و دست کودکان بر کسی پوشیده نیست. بنابراین، دست‌سازهایی که دانش‌آموزان، با هدایت معلم، در کلاس می‌سازند، بسیار ارزشمند هستند. کاغذ با همه‌ی ساده‌بودنش امکانات زیادی برای ساخت انواع کاردستی دارد. وقتی ساخت کاردستی با ابزار ساده و در دسترس صورت می‌گیرد، دانش‌آموز به توانایی‌های فردی خود بیشتر پی می‌برد و اعتماد به نفسش بالا می‌رود.

درس علوم از جمله درس‌هایی است که برای یادگیری بهتر آن می‌توان از ساخت کاردستی بهره برد. ساخت کاردستی با وسیله‌هایی ساده و جذاب، درک مفاهیم پیچیده‌ی این درس را برای دانش‌آموزان آسان‌تر می‌کند. کاردستی‌ای که در این شماره آموزش داده می‌شود، علاوه بر ایجاد جو خلاق در کلاس و پرورش خلاقیت، به دانش‌آموزان کمک می‌کند درک خوبی از بدن خود پیدا و ناشناخته‌های آن را کشف کنند. آموزش شناخت بدن با بهره‌گیری از روش‌های معمول و مرسوم تدریس به خوبی امکان‌پذیر نیست؛ اما استفاده از روش‌های فعال تدریس که فعالیت دانش‌آموزان را تقویت و یادگیری را به جریان دوطرفه‌ای تبدیل می‌کند، این امر را آسان‌تر می‌کند. تشویق و هدایت دانش‌آموزان برای ساخت این نمونهک (ماکت) دست‌ساز علاوه بر تعمیق یادگیری، باعث جنب‌وجوش دانش‌آموزان و خارج شدن کلاس درس از حالت ایستا می‌شود و کلاس را به محیطی پویا تبدیل می‌کند.

این کاردستی خاص می‌تواند در یادگیری هدفمند درس علوم، به خصوص فصل «آموزش مفاصل و حرکت بدن انسان» تأثیر بسزایی داشته باشد و معلمان را در اجرای برنامه‌های آموزشی‌شان یاری کند. امید است این خلاقیت هموارکننده‌ی مسیر آموزش‌های آسان و پویا و ایجاد خلاقیت‌های بعدی باشد!





کاردستی آموزش
مفاصل بدن انسان



الگوی آدمک





چاشنی یادگیری

عوامل مؤثر بر یادگیری دانش آموزان

می‌شود. در مدرسه، هدف‌ها باید واضح و براساس نیازها و تمایلات دانش آموزان مطرح شود تا برای آن‌ها انگیزه ایجاد کند.

(ج) تجربه‌های گذشته

آمادگی شاگرد بسیار تحت تأثیر آموخته‌ها و تجربه‌های گذشته‌ی اوست. فرد زمانی مفاهیم و مسائل جدید را درک می‌کند که مفهوم و مسئله‌ی جدید با آموخته‌ها و تجربه‌های او مرتبط باشد. در واقع تجربه‌های فردی پایه و اساس یادگیری در زمان حال است. آنچه فرد در آینده خواهد آموخت، باید متناسب با تجربه‌های او در زمان حاضر باشد. اگر این ارتباط برقرار نشود، یادگیری کامل شکل نخواهد گرفت. معلم همواره باید فعالیت‌های آموزشی را براساس تجربه‌های گذشته‌ی شاگردان تنظیم و اجرا کند. توجه به این امر شرط اساسی موفقیت در یادگیری است. معلم آگاه، در فعالیت‌های آموزشی، تجربه‌های گذشته‌ی شاگردان خود را بررسی می‌کند و سپس مفاهیم جدید را با توجه به سطح دانش آن‌ها ارائه می‌دهد.

پایین باشد، هرگز برافروخته نمی‌شود و چیزی هم نخواهد آموخت.

(ب) انگیزه و هدف

یادگیری نیازمند انگیزه است. یکی از انگیزه‌هایی که نقش مهمی در جریان یادگیری دارد، میل و رغبت به آموختن است. برای ایجاد رغبت، لازم نیست موضوعات درسی را به‌طور تصنعی جذاب نشان داد. همین که مطالب درسی براساس نیاز شاگردان تنظیم شود، رغبت آنان نیز برانگیخته

مریم آذرافرا، کارشناس آموزش ابتدایی،
اداره‌ی آموزش و پرورش استان همدان،
منطقه‌ی سامن



عمده‌ی هدف آموزش و پرورش، به‌عنوان یکی از نهاد‌های اصلی جامعه، جامعه‌پذیر کردن دانش آموزان و آماده کردن آن‌ها برای پذیرفتن نقشی در اجتماع است. این نهاد درصدد است، در راستای پیشرفت و ارتقای کشور، دانش آموزان را به عضوی مؤثر در جامعه تبدیل کند. برای رسیدن به این هدف، مهم‌ترین ابزار ما آموزش است. آموزش با مقوله‌ی یادگیری پیوند خورده است. در این مقاله سعی داریم چند عامل احتمالی و اثرگذار در یادگیری دانش آموزان را بررسی کنیم. یادگیری تغییر رفتاری پایدار در اثر تجربه است. روندی که از زمان تولد فرد شروع می‌شود و تا زمان مرگ ادامه دارد. برای تحقق یادگیری به وجود محرک در محیط و تمایل ذاتی یا همان انگیزه نیاز است.

عوامل مؤثر در یادگیری

عوامل مؤثر در یادگیری بی‌شمارند. برخی از آن‌ها که جزو عوامل اصلی به حساب می‌آیند، عبارت‌اند از:

(الف) آمادگی

یادگیرنده باید از نظر جسمی، عاطفی، عقلی و... رشد کافی کرده باشد تا یادگیری به‌خوبی انجام شود. برای آمادگی در یادگیری، رشد فیزیکی و جسمی اهمیت دارد؛ مثلاً برای یادگیری مهارت نوشتن باید دستگاه عصبی، عضلات دست و انگشتان به قدر کافی رشد کرده باشند. دانش آموز باید از نظر روانی نیز آماده باشد؛ زیرا ممکن است ترس از معلم، احساس ناامنی، دلهره، اضطراب و پریشانی یادگیری را مختل کند.

تدریس معلم زمانی بیشترین تأثیر را در یادگیری خواهد داشت که شاگرد رشد کافی داشته و آمادگی لازم را کسب کرده باشد. در غیر این صورت، شاگرد مانند چراغی که فتیله‌ی آن





منابع

اجزا فهم پذیر نیستند. معلم باید هنگام تدریس ابتدا مطالب را به صورت کلی مطرح کند. سپس ارتباط اجزا با کل را مشخص کند و در نهایت به بررسی و تحلیل اجزا بپردازد. مطالعه‌ی جزئیات بدون در نظر گرفتن رابطه‌ی اجزا با هم و رابطه‌ی آن‌ها با کل، موجب آشفته‌گی ذهنی در دانش آموز خواهد شد. مثلاً در کتاب علوم پایه‌ی ششم ابتدایی برای شناخت ریزبین (میکروسکوپ) و یادگیری روش کار با این وسیله بهتر است ابتدا معلم چند وسیله‌ای را که در دسترس است، زیر ریزبین قرار دهد و دانش آموزان آن‌ها را از نزدیک ببینند. سپس در مورد اجزای متعدد این وسیله از جمله عدسی‌ها، پیچ‌های تنظیم کننده، لامپ، پایه، دسته و... توضیح دهد.

ز) تمرین و تکرار

تأثیر تمرین و تکرار در فرایند یادگیری انکارناپذیر است؛ اما این نکته را نیز نمی‌توان انکار کرد که کیفیت اجرای تمرین و مقدار و زمان انجام آن نقش بسیار مهمی در تثبیت فعالیت مورد نظر دارد. اجرای تمرین در زمان غیر متمرکز نسبت به اجرای تمرین در زمان متمرکز تأثیر بیشتری در یادگیری دارد؛ مثلاً اگر دانش آموز فعالیت مورد نظر را در دو تمرین بیست دقیقه‌ای انجام دهد، زودتر از اینکه آن تمرین را در چهار دقیقه انجام دهد، یاد می‌گیرد. به همین دلیل گفته می‌شود شرایط تمرین در تأثیر گذاری آن اهمیت زیادی دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش کردیم عوامل مؤثر بر یادگیری را بررسی کنیم. بحث یادگیری بسیار مفصل است و بیشتر می‌توان به آن پرداخت؛ اما به همین نکات کلی اکتفا می‌کنیم. همان‌طور که ذکر کردیم مواردی از قبیل تجربه‌های گذشته، آمادگی، انگیزه، تمرین و تکرار و... در یادگیری دانش آموزان اثر گذار هستند.

توجه به این عوامل و آگاهی از آن‌ها می‌تواند ارتباط بین معلم و دانش آموز را بهبود ببخشد و همچنین بر تأثیر آموزه‌های معلم بیفزاید. در برخورد با دانش آموزانی که مشکل یادگیری دارند، بهتر است ابتدا معلم محترم به این نکته‌ها توجه کند و بفهمد که چرا دانش آموز درس را یاد نمی‌گیرد، سپس طبق ارزیابی که به عمل آورده است، اقدامات لازم را با همکاری مدیر و مشاور مدرسه انجام دهد.

د) شرایط محیط یادگیری

شرایط محیط یادگیری مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی از عوامل تأثیر گذار در یادگیری است. طبیعی است هر چه امکانات آموزشی، کتابخانه و منابع متعدد علمی بیشتری در اختیار دانش آموزان باشد، یادگیری آن‌ها در مقایسه با یادگیری دانش آموزان مدرسه‌ای که فضای مناسبی ندارند و جز کتاب درسی منابع دیگری در اختیار آن‌ها نیست، بسیار متفاوت خواهد بود. رابطه‌ی معلم و دانش آموزان، رابطه‌ی دانش آموزان با هم، رابطه‌ی والدین با هم و نگرش والدین و مربیان، در زمینه‌ی تربیت کودکان، در میزان یادگیری دانش آموزان مؤثر است. آموزش منظم در محیطی سرشار از محبت و احترام متقابل نسبت به محیط‌های خشک و تهی از عواطف تأثیر بیشتری خواهد داشت.

ه) روش تدریس معلم

در کنار تمام عوامل، معلم یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در یادگیری در محیط‌های آموزشی است.

معلم با تجربه، با شناخت امکانات، به تجهیز مناسب محیط آموزشی می‌پردازد. اگر معلم با نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا نباشد و تدریس را در انتقال واقعیت‌های علمی خلاصه کند، در آموزش خود موفق نخواهد بود.

همچنین معلمی که یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده شده یا نوشته شده در کتاب بداند، مسلماً در پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان موفقیتی کسب نخواهد کرد؛ زیرا نبود تعامل و جذابیت در کلاس باعث منفعل شدن دانش آموز می‌شود و یادگیری به خوبی اتفاق نمی‌افتد.

و) توجه به کل به جای جزء

پژوهش در فرایند یادگیری نشان داده است که حرکت از کل به جزء، روند یادگیری را بهتر و فهم مطالب را ساده‌تر می‌کند. اجزا به تنهایی بی‌معنا و نامربوط هستند و در حالت کلی، معنا پیدا می‌کنند. کل، نحوه‌ی ارتباط و پیوند اجزا با یکدیگر است. تا ارتباط اجزا مشخص نشود،





سمیه بیگدلی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، آموزگار پایه‌ی سوم
ابتدایی، استان زنجان، شهرستان خدابنده



نردبان نشانه‌ها

تجربه‌هایی از ارزشیابی تکوینی و تشخیصی در فارسی پایه‌ی اول

چکیده:

برخی از معلمان برای اینکه بتوانند کلمات بیشتری را با دانش‌آموزانشان تمرین کنند، در تدریس نشانه‌ها کمی عجله می‌کنند. این در حالی است که روند آموزش نشانه‌ها در خود کتاب به مرور و به آرامی صورت گرفته است. با توجه به اهمیت این مسئله بر آن شدم تا تمرین‌ها و روش‌های جدید و مناسبی برای ارزشیابی تکوینی و تشخیصی طراحی کنم. با این تمرین‌ها، بدون آنکه نیاز به سرعت‌بخشیدن در تدریس نشانه‌ها باشد، کلمات بیشتری در اختیار معلم و دانش‌آموز قرار می‌گیرد و تمرین و ارزیابی به راحتی انجام می‌شود. همچنین از آنجا که نیاز بود خانواده‌ها نیز در جریان امر قرار گیرند تا همکاری‌های لازم را داشته باشند، در جلسات آموزش خانواده به آموزش والدین نیز پرداختم.

کلیدواژه‌ها: معلمان، ارزشیابی تکوینی و تشخیصی، نشانه‌ها، کتاب فارسی

مقدمه

شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن چهار مهارت اصلی زبان‌آموزی هستند که از دیرباز پژوهشگران به آن‌ها توجه ویژه نشان داده‌اند. تا پیش از ابداع خط، انسان‌ها فقط از دو مهارت زبانی، یعنی شنیدن و گفتن، برای ایجاد ارتباط استفاده می‌کردند؛ اما از حدود ده‌هزار سال پیش که اولین خط ساده‌ی نوشتاری ابداع شد، توانایی جوامع انسانی در ایجاد ارتباط صدچندان افزایش یافت. سوادآموزی و خواندن اساسی‌ترین نیاز فرهنگی و تمدنی انسان معاصر است. این نیاز به‌خصوص برای مردم کشورهای هم‌چون مردم کشور ما بیشتر به چشم می‌آید؛ زیرا کشور ما و کشورهایمانند ما برای دستیابی به رشد و توسعه‌ی ملی خود باید بر توسعه‌ی نیروی انسانی و رشد و دانایی و فرهیختگی یکایک مردم متمرکز شوند. این اتفاق جز از طریق آموزش مهارت‌های زبانی امکان‌پذیر نیست.

خواندن، به‌عنوان تنها راه ارتباطی با دنیای نوشته‌ها، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که کودکان در دوره‌ی ابتدایی به آن دست می‌یابند. این مهارت مبنایی برای کوشش‌ها و پیشرفت‌های تحصیلی آن‌ها در آینده خواهد شد. مهارت خواندن با ایجاد شرایطی برای





عکاس: ثریا ابراهیمی

اجرای راه حل ها

راه حل اول: اجرای تمرین

در ابتدا، این تمرین ها را تهیه کردم: ۱. از کلماتی استفاده کردم که نشانه‌ی تازه تدریس شده در ابتدا یا انتهای آن کلمه‌ها باشد تا دانش آموزان بتوانند، با استفاده از شکل اول یا آخر کلمه، نشانه را یاد بگیرند و ارزشیابی هم بشوند.

۲. از کلماتی استفاده کردم که نشانه‌ی تازه تدریس شده در وسط آن کلمات باشد تا دانش آموزان حین کامل کردن کلمه با نحوه اتصال حروف آشنا شوند.

۳. از تمریناتی استفاده کردم که جای ترکیب در کلمه خالی باشد تا دانش آموزان با استفاده از ترکیب یاد گرفته، کلمه را کامل کنند. این تمرین را زمانی استفاده کردم که آن‌ها قادر به ساختن اولین ترکیب شدند.

۴. از تمریناتی استفاده کردم که جای یک بخش در کلمه خالی باشد تا دانش آموزان با نوشتن آن بخش کلمه را کامل کنند.

۵. کلمات و عباراتی را برای روان خوانی تهیه کردم و آن‌ها را به صورت آهنگین و با استفاده از روش آواشناختی برای بچه‌ها خواندم و در اختیارشان قرار دادم.

راه حل دوم: استفاده از پویانمایی و داستان

تلاش کردم از پویانمایی‌ها و داستان‌هایی استفاده کنم که کودکان آن‌ها را دوست دارند. در این روش به جای اینکه کلمات را به صورت یکجا به دانش آموزان ارائه دهم و از آن‌ها بخواهم که آن کلمات را بخوانند یا بنویسند، کلمات را کم کم و در قالب رد پاهایی ارائه دادم تا دانش آموزان آن‌ها را بخوانند و بنویسند. با این روش، در صورتی که دانش آموز یک یا چند حرف از حروف یک کلمه را یاد نگرفته باشد، باز هم می‌تواند آن کلمه را تشخیص دهد.

راه حل سوم: استفاده از کارت‌های ترکیب

روش ساخت کارت‌های ترکیب را به والدین آموزش دادم و از آن‌ها خواستم تا کارت‌ها را به مرور تهیه کنند و در اختیار فرزندانشان قرار

درک مطلب، تفسیر و استنتاج از متن‌های متعدد نوشتاری، دانش آموزان را با افکار و اطلاعات جدید آشنا می‌سازد و آنان را یاری می‌دهد تا بهتراندیشیدن و بهترزیستن را بیاموزند. کودکانی که نمی‌توانند بخوانند، به خوبی هم نمی‌توانند بنویسند و وارد مرحله‌ی چهارم زبان آموزی شوند. این کودکان همچنین خودپنداره‌ی مثبت و رشد عزت نفس را از دست می‌دهند و در پی آن، مشکلات روانی و رفتاری برایشان پیش می‌آید. این ضعف‌ها علاوه بر ایجاد مشکلات روانی و رفتاری برای دانش آموز، باعث عقب‌افتادن او در سایر درس‌ها نظیر علوم و ریاضی نیز می‌شود. این در حالی است که می‌توان ضعف‌های خواندن و نوشتن را با به کار بستن روش‌های فعال و استفاده از سبک‌های متعدد یادگیری بهبود بخشید.

بیان مسئله

مسئله این است که در پایه‌ی اول ابتدایی و در آغاز بخش دوم کتاب فارسی، نشانه‌های حروف الفبا به مرور و کمی با گام‌های کند تدریس می‌شود تا اولین تجربه‌های دانش آموزان در نوشتن و خواندن محکم‌تر پایه‌گذاری شود. آنچه در این موقع از سال برای معلم‌ها آزاردهنده است، بازنبودن دست آن‌ها در تمرین، به خاطر کم بودن تعداد حروف تدریس شده و محدودیت در کلمه نویسی است.

انتخاب راه حل

دانش آموزان کلاس اول کودکان شش تا هفت ساله هستند و طبق رده‌بندی پیازه، در مرحله‌ی یادگیری عینی‌اند. یعنی همه‌ی راه‌های یادگیری برای آن‌ها باید مصور و تا حد امکان لمس‌شدنی باشد. برای حل مسئله‌ای که مطرح شد، این نکته را در نظر گرفتم. آنچه برای من معلم مسئله ایجاد می‌کرد، کلمه‌هایی بود که بچه‌ها همه‌ی حرف‌های آن کلمه را یاد نگرفته بودند. فکر کردم با توجه به ترکیبی بودن روش تدریس فارسی (ترکیبی از کلی آموزی و جزئی آموزی)، می‌توان در نوشتن نیز از کلماتی استفاده کرد که دانش آموز همه‌ی حرف‌های آن را نیاموخته‌اند؛ ولی قادر به نوشتن بخشی از آن هستند. برای اجرای راه حل مورد نظر این تمرین‌ها را به کار بردم:

دهند. شیوه‌ی کار با کارت‌ها را نیز آموزش دادم تا آن‌ها در منزل با فرزند خود کار کنند. در کلاس نیز با کارت‌ها کار می‌کردیم.

راه حل چهارم: بازی

در حیطه مدرسه تعدادی مربع کشیدم و داخل آن‌ها چند حرف نوشتم. از هر یک از دانش آموزان خواستم به دلخواه از روی مربع‌ها عبور کنند. سپس به یکی از دانش آموزان گفتم که حرفی را که هر دانش آموز از روی آن عبور می‌کند، به ترتیب بگوید. سپس همان دانش آموز با یکی دیگر از بچه‌ها باید کلمه‌ای را می‌گفتند که با آن حرف‌ها ساخته می‌شد. «کارت‌های اتصال کلمه» بازی دیگری بود که طراحی کردم. نحوه‌ی اجرای آن این صورت بود که یکی از دانش آموزان یک کلمه را می‌گفت، دانش آموز بعدی باید کلمه‌ای را می‌گفت که ابتدای آن با آخرین صدای کلمه‌ی نفر قبل یکی باشد.

راه حل پنجم: ساخت وسایل کمک آموزشی

و استفاده از آن‌ها

به کمک دایره و مربعی مقوایی چرخ و فلک‌هایی ساختم. با این چرخ و فلک‌ها خواندن کلمات هم آغاز و هم پایان را ارزیابی می‌کردم. شیوه‌ی ساخت این چرخ و فلک‌ها را به والدین نیز یاد دادم تا آن‌ها هم آن را بسازند و در تمرین و ارزیابی فرزند خود استفاده کنند.

نردبان تندخوانی، برای کلمات هم آغاز و هم پایان، کاردستی دیگری بود که به کمک مقوا و نخ ساختم و روش ساخت آن را به والدین نیز یاد دادم.



راه حل ششم: استفاده از بازبینه

از طریق این بازبینه‌ها (چک‌لیست‌ها) میزان پیشرفت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان را به والدینشان اطلاع می‌دهم.

راه حل هفتم: سطح‌بندی

در این روش، به جای دادن کارنامه‌ی ماهیانه، دانش‌آموزان را سطح‌بندی می‌کردم. در این سطح‌بندی دانش‌آموزان در یکی از پنج سطح ارزشیابی قرار می‌گرفتند و والدین به راحتی از پیشرفت تحصیلی فرزندشان آگاه می‌شدند. والدین از این طریق در جریان تمرینات مناسب فرزند خود با توجه به سطحش قرار می‌گرفتند و همان تمرین‌ها را به کار می‌بردند.

این نوع سطح‌بندی علاوه بر وضوح وضعیت دانش‌آموز به گونه‌ای نمودار پیشرفت او نیز به حساب می‌آید. از این سطح‌بندی می‌توان برای تشخیص اینکه دانش‌آموز از کجا کار را شروع کرده و به کجا رسانده است، نیز استفاده کرد. در جریان سطح‌بندی هیچ دانش‌آموزی نادیده گرفته نمی‌شود. همگی می‌توانند با توجه به سطح خود تمرین کنند و مورد ارزیابی قرار گیرند. در هنگام سطح‌بندی، تفاوت‌های فردی و آهسته‌گام‌بودن تعدادی از دانش‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرد.

جدول سطح‌بندی

والدین محترم، این جدول (جدول شماره‌ی ۱) روند پیشرفت فرزند شما را نشان می‌دهد. لطفاً با توجه به سطح ارزشیابی فرزندتان، تمرین‌های مربوط به سطح او را انتخاب و با او کار کنید. در صورت صعود به سطح بعدی، تمرین‌های سطح

ردیف	سطح یک	سطح دو	سطح سه	سطح چهار	سطح پنج
تعریف هر سطح	دانش‌آموز نشانه‌ی جدید را یاد نگرفته است و قادر به خواندن و استفاده از آن نیست.	دانش‌آموز نشانه‌ی جدید را یاد گرفته است؛ ولی نمی‌تواند کلمه‌ی جدید بنویسد.	دانش‌آموز نشانه‌ی جدید را یاد گرفته و ترکیب‌ها را ساخته است و می‌تواند بنویسد؛ ولی قادر به کلمه‌نویسی نیست.	دانش‌آموز نشانه و ترکیب‌ها را شناخته است و کلمه می‌سازد؛ اما در خواندن و نوشتن املا کند است.	دانش‌آموز کلمات و جملات را به راحتی می‌خواند و می‌نویسد؛ اما در روان‌خوانی کند است.
تمرین‌های مربوط به هر سطح	۱. از تصویرهایی استفاده کنید که نشانه‌ی جدید در اول یا آخر نام تصویر باشد. نام تصویر را زیر آن بنویسید و از فرزندتان بخواهید اسم شکل را بگوید و صدای اول یا آخر آن را (جایی که نشانه‌ی جدید در آنجا قرار دارد) بگوید و دور آن را خط بکشد. اسم شکل را توالی بنویسد تا فرزندتان آن را رنگ کند.	۱. از تصویرهایی استفاده کنید که نشانه‌ی جدید در اول یا آخر نام تصویر باشد. نام تصویر را زیر آن بنویسید و جای نشانه‌ی جدید را خالی بگذارید تا فرزندتان آن را بنویسد. ۲. از تمرین‌های جدا از حروف و نوشتن داخل گردی‌ها استفاده کنید. (یعنی دایره‌هایی به تعداد حرف‌های کلمه کشیده و برای تمرین از دانش‌آموز خواسته شود که با صداکشی و بخش‌خوانی، هر حرف را در محل دایره بنویسد یا برعکس، هر حرف جدا در یک دایره نوشته شود، سپس از دانش‌آموز خواسته شود تا حروف را ترکیب کند و کلمه بسازد).	۱. کارت ترکیب‌ها را تهیه کنید و تمرین‌های کلمه‌سازی و کلمه‌خوانی را انجام دهید. ۲. کلمات را به صورت ناقص که جای ترکیب یاد گرفته شده در آن خالی است، به فرزندتان بدهید تا آن را با ترکیب مناسب کامل کند. ۳. از تمرین‌های ردیابی استفاده کنید. ۴. نوشتن همراه با صداکشی انجام دهید.	۱. از تمرین‌های ردیابی استفاده کنید. ۲. از کارت کلمات استفاده کنید. ۳. از تمرین‌های کلمات هم‌آغاز و هم‌پایان استفاده کنید. ۴. از متن‌های تصویری استفاده کنید که در یک جمله، به جای بعضی کلمات، تصویر مربوط به آن کشیده شده است (متن‌های نیمه‌تصویری). ۵. از کارت تصویر و کلمه به صورت جدا استفاده کنید و از فرزندتان بخواهید نام هر تصویر را با تصویر داده شده جور کند.	۱. از جملات هم‌آوا (آهنگین) استفاده کنید. ۲. از جملات مرتبط با هم (داستان‌واره) استفاده کنید. ۳. متنی را به کودک بدهید که کلمات تکرار شده داشته باشد. ۴. کتاب یا مجلات مناسب برای او تهیه کنید.

▲ جدول ۱

۲ ← نیاز به نظارت فراوان دارد؛ اما در نهایت کارش را صحیح انجام می‌دهد.
۱ ← در کارش نیاز به نظارت فراوان دارد و در نهایت صحیح انجام نمی‌دهد.
والدین ضمن ملاحظه‌ی بازبینه در جریان ارزشیابی فرزند خود قرار می‌گرفتند.

نتیجه‌گیری

استفاده از فعالیت‌های مذکور نتیجه‌هایی را در پی دارد که عبارت‌اند از:

- تدریس دانش‌آموز محور می‌شود.
- همه‌ی دانش‌آموزان، بدون اضطراب، در جریان آموزش و تمرین و ارزشیابی حضور فعال پیدا می‌کنند و هیچ کدام کنار گذاشته نمی‌شوند.

جدید را به همراه سطح قبلی با او انجام دهید.
نکته: در نظر داشته باشید فرزند خود و سطح او را با هیچ دانش‌آموز هم‌سن او مقایسه نکنید. ابتکار عمل را از فرزندتان نگیرید. در صورت مشاهده‌ی پیشرفت فرزندتان حتماً ارتقای او را به حالت تشویق ابراز کنید. از این برگه برای تهدید یا تنبیه فرزندتان استفاده نکنید. می‌توانید با رنگ کردن سطح‌های قبلی نمودار پیشرفت فرزند خود را نشان دهید (جدول ۲).

مقیاس درجه‌بندی

۴ ← بدون نیاز به نظارت، کارش را صحیح انجام می‌دهد.
۳ ← با کمی نظارت، کارش را صحیح انجام می‌دهد.

- درس‌ها طبق بودجه‌بندی معلم پیش می‌رود.
- والدین از اوضاع فرزند خود راضی هستند و با رضایت و بدون اضطراب با فرزند خود کار می‌کنند.
- کارت‌های ترکیب، تمرین‌های طراحی‌شده، وسایل کمک‌آموزشی ساخته‌شده و بازبینی‌های فردی ارزشیابی را مفید می‌سازد.

ضمائم

الف) کارت ترکیب

یکی از وسایل کمک‌آموزشی برای تدریس و تمرین فارسی پایه‌ی اول ابتدایی، کارت‌های ترکیب است. این کارت‌ها ترکیب یک صامت با یک مصوت است که روی هر کارت نوشته می‌شود.

به‌وسیله‌ی این کارت‌ها می‌توان به خواندن و نوشتن و تمرین املا پرداخت و حافظه را نیز تقویت کرد. بعضی از دانش‌آموزان کلاس اولی به‌سبب یکنواخت‌بودن تکلیف و خسته‌شدن دست و پا، هنگام انجام تکلیف، از نوشتن آن بیزار هستند. با توجه به این مسئله، این کارت‌ها می‌توانند به تکلیف‌ها تنوع ببخشند و شوق خواندن و نوشتن را در کودکان برانگیزانند.

طرز ساخت این کارت‌ها بسیار ساده است. مقوای سفیدی را بردارید و در ابعاد شش در چهار یا ابعاد کمی بزرگ‌تر ببرید. روی هر مستطیل فقط یک ترکیب را بنویسید. حروف یادگرفته‌شده را نیز جدا از هم روی کارت‌ها بنویسید.

حالا به کمک این کارت‌ها به کلمه‌سازی بپردازید. نخست، از دانش‌آموز بخواهید هر کارت را به‌صورت جداگانه بخواند. در مرحله‌ی دوم، از او بخواهید کارت‌ها را تندتر و دنبال هم بخواند و در مرحله‌ی سوم، کلمه‌ای را که در کارت‌ها آمده است، بخواند (شکل ۱).

بعد از اینکه کلمه به‌صورت جدا از هم خوانده شد، با کارت دیگری به نام کارت کلمه وارد شوید و کلمه‌ی کاملی را که همین کارت‌ها باهم ساخته‌اند، در انتهای ردیف کلمات به نمایش بگذارید تا دانش‌آموزان آن را بخوانند (شکل ۲).

چنانچه در کلاس از این کارت‌ها استفاده می‌کنید، می‌توانید از دانش‌آموز بخواهید کلمه را روی تابلو بنویسد. اگر هم در منزل کار می‌کنید، می‌توانید از او بخواهید کلمه‌ی نهایی را در دفتر بنویسد.

برای تقویت املا می‌توانید یکی از کارت‌ها را بردارید یا پشت‌ورو بگذارید تا دانش‌آموز با توجه به کلمه‌ی مورد نظر شما آن را حدس بزند. پس

معیار و ملاک ارزشیابی	آبان	آذر و دی	بهمن و اسفند	فروردین و اردیبهشت
۱ صداها را به‌خوبی می‌شنود و از هم تشخیص می‌دهد.				
۲ کلمه‌ها را به‌خوبی می‌شنود و آن‌ها را درست تلفظ می‌کند.				
۳ حروف الفبا را می‌شناسد و درست بیان می‌کند.				
۴ مداد را درست در دست می‌گیرد.				
۵ جهت و طریقه‌ی نوشتن حرف‌ها را می‌داند و رعایت می‌کند.				
۶ در وقت نوشتن کلمه، شکل درست حرف را به کار می‌برد.				
۷ حرف‌ها، کلمه‌ها و جمله‌ها را در اندازه‌ی مناسب می‌نویسد.				
۸ فاصله‌ی مناسب بین کلمه‌ها در جمله و حرف‌های یک کلمه را رعایت می‌کند.				
۹ پیش از نوشتن، خوب گوش می‌کند. سپس با دقت می‌نویسد.				
۱۰ هنگام نوشتن، کلمه را تلفظ می‌کند و بخش و صداها را به زبان می‌آورد و می‌نویسد.				
۱۱ هنگام نوشتن اضطراب ندارد و مرتب سؤال نمی‌کند.				
۱۲ خوش خط و زیبا و تمیز می‌نویسد.				
۱۳ در هنگام نوشتن غیر از تلفظ کلمه صحبت دیگری نمی‌کند.				
۱۴ به املا اهمیت می‌دهد و با علاقه املا می‌نویسد.				

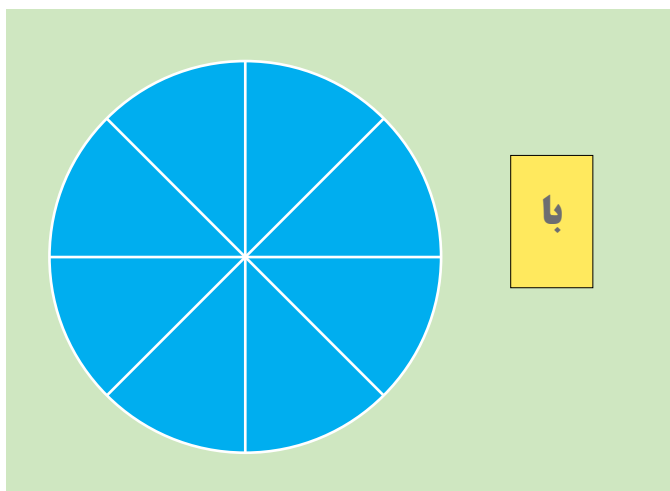
▲ جدول ۲



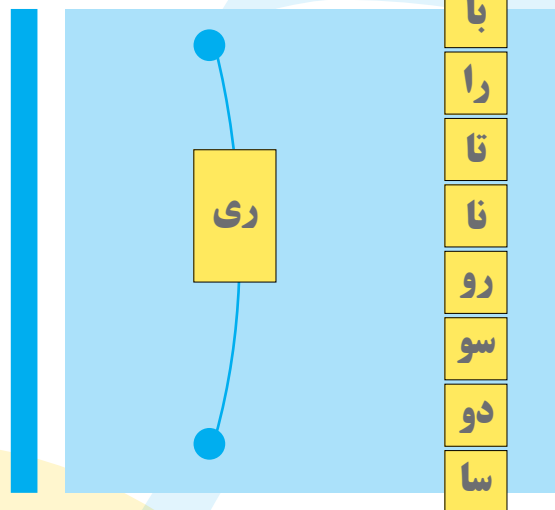


شکل ۱ ▲

شکل ۲ ▲



شکل ۳ ▲



شکل ۴ ▲

یکسان هستند؛ مانند باران، بادام، باری، بازی، بادی، بابا، بازو، بامی. حالا بخش اول را هم روی مربع کوچکی که تهیه کرده‌اید، بنویسید. مرکز دایره را همراه با مستطیل زیر آن سوراخ و به کمک دکمه قابل‌مهای به هم وصل کنید و آرام بچرخانید. «با» را با بخش دوم که روی قطعه‌ها نوشته‌اید، بخوانید. این وسیله به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به راحتی کلمات هم‌آغاز را بخوانند و کم‌کم به سرعت خواندن خود نیز بیفزایند (شکل ۴).

که اول آن‌ها مثل هم باشد، برای هم‌آغازها و کلمات دوبخشی که بخش دوم آن‌ها مثل هم است، برای کلمات هم‌پایان استفاده کنید. بالا و پایین مقوای رنگی سوراخی را ایجاد کنید. برای کلمات هم‌آغاز، سوراخ‌ها اندکی به لبه‌ی راست مقوای رنگی نزدیک باشد و برای کلمات هم‌پایان، سوراخ‌ها نزدیک لبه‌ی چپ باشد، دو سر نخ را که قبلاً از میان مقوای کوچک تاشده رد کرده‌اید، از این دو سوراخ عبور دهید و از پشت گره بزنید. حجم گره اندازه‌ای باشد که بتواند از سوراخ‌ها عبور کند. بخش دوم کلمات هم‌آغاز یا بخش اول کلمات هم‌پایان را روی نوار کاغذی با فاصله‌ی مناسب بنویسید. حالا با حرکت دادن نخ، کارت کوچک در مقابل کلمات قرار می‌گیرد و دانش‌آموز می‌تواند کلمات را بخواند (شکل ۳).

ج) چرخ‌وفلک تندخوانی

یک مقوا به ابعاد 15×10 ببرید. مربع کوچکی به ابعاد 2×2 تهیه و دایره‌ای را نیز به قطر ۵ سانتی‌متر از یک مقوای رنگ روشن یا سفید آماده کنید. چهار تا از قطرهای دایره را بکشید. حالا دایره‌ی شما هشت قسمت دارد که روی هر قسمت می‌توانید بخش دوم از کلمه‌های دوبخشی را بنویسید که بخش اول آن‌ها

از حدس دانش‌آموز، کارت را برگردانید تا او عملکرد خودش را بسنجد. **نکته:** همه‌ی کارت‌ها را یک‌باره درست نکنید. آن‌ها را به‌مرور و همگام با تدریس در اختیار دانش‌آموز قرار دهید. بهتر است از کارت‌های مصور استفاده کنید و ترکیب نوشته‌شده در زیر تصویر باشد.

ب) نردبان کلمه‌سازی

برای ساخت این وسیله به نوار کاغذی، مقوای رنگی و سفید و مقداری نخ نیاز دارید، نوری به طول ۱۵ سانتی‌متر و عرض $2/5$ سانتی‌متر از برگه‌ای سفید جدا کنید و مستطیلی به طول ۱۰ سانتی‌متر و عرض 20 سانتی‌متر هم از مقوای رنگی ببرید. حالا مقوای سفیدی در ابعاد 4×2 تهیه کنید. مقوای سفید کوچک را لبه‌لب تا کنید و نخ را از میان تا عبور دهید. بعد از این دو لبه را در حالی که نخ بین آن است، چسب بزنید. اگر تمرین شما برای کلمات هم‌آغاز است، نوار کاغذی را در سمت چپ مقوای رنگی بچسبانید و اگر قصد تمرین کلمات هم‌پایان را دارید، این نوار کاغذی را در سمت راست مقوای بچسبانید. حالا نوبت نوشتن کلمات روی نوار کاغذی است. از کلمات دوبخشی

منابع

۱. حسن‌زاده، ج. ۱۳۹۹، «بررسی اثربخشی قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره‌ی دوم ابتدایی»، مجله‌ی پویا در آموزش علوم انسانی، پیاپی ۲۱، زمستان ۱۳۹۹، ص ۶۱ - ۷۲.
۲. محمدی نصرآبادی، م. ۱۳۹۸، «اثربخشی آموزش ارزش‌های اخلاقی از طریق قصه‌گویی و پویانمایی بر رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی»، دو فصلنامه‌ی تفکر و کودک، سال دهم، شماره‌ی ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، ص ۲۰۰.

3. Beaudion, M. Moersch, M., & Evare B. (۲۰۱۶). The effectiveness of narrative Therapy with children's social and emotional skill development: An Empirical study of ۸۱۲ problem - solving stories. Journal of Therapies. ۳۰:۴۲۵۹-.

4. Hui, A.; & Lou, S. (۲۰۰۶). Story tekking fo increase Social skills. Center for child development, Hong Kong.



لذت نوشتن

راه‌های تقویت مهارت نوشتاری دانش‌آموزان



شیوا ملایریان
کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار
پایه چهارم ابتدایی شهرستان ساری

مهارت‌ها عبارت‌اند از:
- مهارت‌های مکانیکی نوشتن مانند دستخط، هجی کردن و نقطه‌گذاری؛
- مهارت‌های زبانی مانند درک معانی کلمه‌ها و دستور زبان؛
- مهارت‌های تفکری، مانند سازمان‌دهی و برقراری ارتباط میان مطالب.
این سه دسته مهارت از مهم‌ترین مهارت‌هایی هستند که در نوشتن نقش دارند (شکوهی یکتا و پرنده، ۱۳۸۵). در واقع نوشتن آفرینش و خلاقیت نظم‌بخش افکار و اندیشه‌ها در قالب‌های زبانی مورد نظر است (باقری، ۱۳۹۴). نوشتن برای بسیاری از افراد، به‌ویژه دانش‌آموزان مبتلا به اختلال‌های یادگیری، فرایند چالش‌برانگیزی است، حتی نویسندگان ماهر هم گاهی در طرح‌ریزی، ویرایش و ارزیابی نوشته‌های خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ لذا جای تعجب نیست که بسیاری از دانش‌آموزان

و نیازهایش فعالیت‌هایی طرح شود. پژوهش حاضر با هدف بهبود تقویت سبک نوشتاری دانش‌آموز دختر، در پایه‌ی چهارم، صورت گرفته و برای انجام آن، از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه و مشاهده استفاده شده است. نتیجه‌ی پژوهش نشان داد که با برقراری ارتباط مؤثر، روش‌های خلاقانه و بازی، تلاش و پشتکار و... اختلال مدنظر از بین رفته و وضعیت تحصیلی دانش‌آموز بهبود یافته است.

کلیدواژه‌ها: ابتدایی، سبک نوشتاری، اختلال نوشتن، نقش فعالیت، آموزش

مقدمه و بیان مسئله

فرایند انتقال تفکرات بر کاغذ را نوشتن یا بیان نوشتاری می‌نامند. بیان نوشتاری مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های گوناگونی است. این

بیان مقصود از طریق نوشتن در زندگی انسان اهمیت زیادی دارد. نویسنده باید توانایی برقراری ارتباط با مخاطب را داشته باشد. بنابراین درست و اصولی نوشتن حائز اهمیت است و هرگونه اختلال در این فرایند، می‌تواند فرد را با مشکل روبه‌رو کند. در بین مهارت‌های تحصیلی پایه، شکل نوشتاری زبان از ملموس‌ترین مهارت‌هاست. معمولاً اختلال یادگیری، در نوشتن، با پیشرفت ضعیف و کند در مهارت‌های تحصیلی همراه است و این موضوع در دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بسیار دیده می‌شود. با توجه به اهمیت دوره‌ی ابتدایی، نخست باید کودکانی را که اختلال یادگیری دارند، تشخیص داد و در مرحله‌ی بعد، علت آن اختلال را ریشه‌یابی کرد. پس از آن نیز، باید با توجه به شناخت مخاطب



- نوشتن کلمات روی کاغذ/ توپ‌های رنگی و جمله‌سازی دانش‌آموز با کنار هم قرار دادن آن‌ها؛
- جمله‌سازی غلط توسط معلم و پیدا کردن شکل درست آن‌ها، از بین کلماتی که روی کاغذهای رنگی نوشته شده است، توسط دانش‌آموز.
- توجه به اطراف و نوشتن عباراتی با توجه به مشکل دانش‌آموز؛ مثلاً برای آموزش «ی» میانجی: جاده‌ی پر پیچ‌وخم، خانه‌ی بزرگ/ برای آموزش تطابق ضمیر و شناسه: پرندگان در آسمان آبی پرواز می‌کنند./ برای آموزش تعداد دندانه: سبزی/ برای آموزش کلمات جمع: فرش‌ها
- دوختن کلمات روی پارچه، به کمک مادر، به منظور درست گذاشتن تعداد دندانه؛
- ارائه‌ی بازخورد مناسب با علاقه‌ی دانش‌آموز که به نوعی زنگ تفریح هم می‌شود؛ مثل پخش فیلم دف‌نوازی و صحبت کردن در مورد آن.

پس از اجرای این فعالیت‌ها وضعیت دانش‌آموز بهبود یافت. در اولین جلسه از اجرای فعالیت، در حالی که زنگ هنر بود و دانش‌آموزان مشغول درست کردن کار دستی بودند، وقتی به او گفتم که پس از کار دستی، چنین فعالیت‌هایی می‌خواهیم انجام دهیم و با بازی یاد بگیریم، بسیار استقبال کرد. شوق و علاقه‌ی او برایم بسیار لذت‌بخش بود. حتی (قبل از پایان کار دستی) به سمتم آمد و با هم فعالیت را آغاز کردیم.

برای جمله‌سازی با توجه به اینکه دانش‌آموزان مشغول درست کردن کار دستی بودند، از وضعیت کلاس استفاده کردم و از او خواستم با این کلمات جمله بسازد: آن‌ها/ درست می‌کنند/ دانش‌آموزان/ او/ کار دستی. از آنجا که جلسه‌ی اول بود و نمی‌خواستم خسته شود، مدت کوتاهی با هم کار کردیم؛ ولی خودش با علاقه و خوش حالی پیگیر ادامه‌ی کار بود. در نتیجه به خواست خودش کمی بیشتر ادامه دادم.

باید توجه داشته باشید که برای آموزش کودکان نباید از اجبار استفاده کنید. بگذار برای آنان آموختن به شکل بازی درآید. بدین سان توانایی‌هایشان را بهتر خواهی شناخت (ساداتی و روشن قیاس، ۱۴۰۰).

کوتاهی را انتخاب کردم که نهایت در حد یک صفحه بودند تا موجب خستگی دانش‌آموز نشود و برای انجام تمرین‌ها علاقه نشان دهد. در کنار بهبود وضعیت او، برخی نکات پرورشی هم، همراه داستان‌ها، به او آموزش داده می‌شد. فعالیت‌هایی که در این راستا و روی داستان انتخاب شده انجام گرفت، عبارت بودند از:

- آموزش نشانه‌های جمع، ی میانجی، تطابق ضمیر و شناسه؛
- انتخاب کلمه‌ی مناسب؛ مثلاً دیگری به جای دیگه‌ای، فهمیدند به جای فهمیدن، لانه‌ی زاغ به جای لانه زاغ و...؛
- تبدیل متن گفتاری به نوشتاری در داستان؛
- خواندن داستان و پیدا کردن چند کلمه‌ی مفرد، نوشتن آن‌ها روی بادکنک به همراه جمع آن‌ها و نوشتن چند جمله در مورد داستان روی بادکنک؛

● نوشتن ی میانجی و کسره‌ی ربط روی چوب بستنی رنگی و جاگذاری آن‌ها در عبارات مناسب؛ مثلاً دانش‌آموز در عبارت دریا... آبی، چوب بستنی‌ای را که «ی» روی آن نوشته شده است، در قسمت نقطه چین قرار می‌دهد.

● نوشتن برخی کلمات یا موارد آموزشی روی کاغذهای رنگی و مرتب کردن و انتخاب موارد درست توسط دانش‌آموز؛ ضمائر، افعال، ی میانجی، کلماتی مانند سبید، کار دستی، می‌نویسند و... که تعداد دندانه‌ها، در آن‌ها، مهم‌اند، از جمله مواردی هستند که می‌توان از این طریق به دانش‌آموز آموزش داد.

● نوشتن چند جمله برای تصویرهای مشخص شده؛

● معرفی خود (بیان علائق، توانایی‌ها و...) از طریق نوشتن؛

● نوشتن کلماتی از داستان که حروف «س» و «ش» دارند، به منظور بهبود گذاشتن تعداد دندانه‌ها، همراه با بهره‌گیری از خلاقیت؛

● شکرگزاری روزانه از خدا و نوشتن در حد یک جمله روی نوارهای رنگی؛

● نوشتن نامه برای دوست، معلم یا...؛

● ترکاندن بادکنک‌های اشتباه؛ روی بادکنک‌ها کلمات، عبارات، جملات، تعداد دندانه‌ها و سایر اشکالات دانش‌آموز نوشته می‌شود. دانش‌آموز فرصت دارد، در زمان مشخص شده، با استفاده از یک زمان‌سنج بر خط و پخش موسیقی، بادکنک‌هایی را که کلمات روی آن اشتباه نوشته شده است، بترکاند.

نیز، در فرایند نوشتن، مشکل داشته باشند. نوشتن فعالیت عصبی پیچیده‌ای است که به هماهنگی سازوکارهای چندگانه‌ی مغز مرتبط است. امام علی (ع) می‌فرماید: «کِتَابُ الْمَرْءِ مَعْيَارُ فَضْلِهِ وَ مِسْبَرُ نُبْلِهِ» (نوشته‌ی انسان، معیار فضل او و ژرفاسنج هوش اوست) غررالحکم: ۷۲۶۱. وجود تفاوت‌های فردی در میان دانش‌آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری مطالب و... یکی از مهم‌ترین مسائلی است که معلمان در کلاس‌های خود با آن مواجه هستند؛ چرا که معلمان به تجربه در یافته‌اند شیوه‌ی برخورد و پیروی از یک روش تدریس خاص نمی‌تواند برای همه‌ی دانش‌آموزان، به‌طور یکسان، مفید باشد. مولوی با بیانی ساده و روان وجود تفاوت‌های فردی را به گونه‌ای عنوان می‌کند که برای خواننده کوچک‌ترین شک و تردیدی باقی نمی‌ماند. آنجا که می‌گوید:

هر دو گر یک نام دارد در سخن/ لیک فرق است این حسن تا آن حسن
هر کسی را بهر کاری ساختند/ میل آن را در دلش انداختند

آن چنان که عاشقی بر سروری/ عاشق است آن خواجه بر آهنگری (معجز و دیگران، ۱۳۹۶).

این موضوع برای من بسیار اهمیت دارد؛ از این رو، فعالیت‌هایی را که برای تقویت سبک نوشتاری دانش‌آموز در نظر گرفتم، با توجه به شناخت او و آگاهی از علایقش طراحی کردم. علاوه بر آن، بنده معتقدم فرایند یادگیری باید با لذت همراه باشد. دانش‌آموز باید لذت یادگیری را بچشد و از پیشرفت خود احساس خوبی داشته باشد. این نکته را هم به دانش‌آموزم گفتم که قبل از انجام فعالیت‌های مورد نظر، پنجره را بگشاید، هوایی تازه نفس کند و از زیبایی و نعمت‌های خدا لذت ببرد، پس از چند حرکت ورزشی، پرنرژی مشغول انجام تکلیف شود. این کار را در مدرسه، قبل از شروع کار، نیز انجام می‌دهم. همان‌طور که فضلی‌خانی (۱۳۸۶) معتقد است، نقطه‌ی شروع به هنرمندی خاص نیاز دارد تا انگیزه‌ای تام با هدف‌مندی و نشاط در دانش‌آموزان به وجود آورد. مشکل دانش‌آموز مذکور محاوره‌ای نوشتن، کم گذاشتن دندانه، ی میانجی، تطابق ضمیر و شناسه بود.

برای حل این مشکل، نخست داستان‌های



بحث و نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های انتقال پیام نوشتن است. اهمیت درست و اصولی نوشتن در زندگی برای برقراری ارتباط نیز قابل درک است. کودک از دوره‌ی ابتدایی، به‌طور رسمی، خواندن و نوشتن را می‌آموزد، آموزش صحیح در این دوران اهمیت دارد؛ اما طبیعی است که دانش‌آموزانی در این مرحله با مشکل مواجه باشند و نیاز به رفع آن داشته باشند. در مرحله‌ی اول، والدین یا معلم باید کودکی را که با این مشکل روبه‌روست، شناسایی کنند. در مرحله‌ی بعد، ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب از اهمیت زیادی برخوردار است. در صورت اصلاح این مشکل، اعتمادبه‌نفس نیز در دانش‌آموز پرورش می‌یابد و بی‌شک نتیجه‌ی خوبی در آینده خواهد گذاشت. به‌عنوان یک معلم باید به شناخت مخاطبانمان

این علاقه و شوق یادگیری دانش‌آموز مدنظر تا پایان جلسات ادامه داشت. حتی در برخی از موارد که من عامدانه متن را گفتاری می‌خواندم، او قبل از تمام‌شدن جمله‌ی من، به‌صورت ناخودآگاه، اشتباهات را اصلاح می‌کرد و با یک نگاه متوجه اشتباه می‌شد. این برایم بسیار خوشحال‌کننده بود.

ارتباطی که با دانش‌آموز گرفتم، نیز بی‌شک مؤثر بوده است. این دانش‌آموز پس از انجام فعالیت‌ها به‌صورت یادگیری و درست نوشتن پی برد.

حسنی (۱۳۸۶) بیان داشته است که ارائه‌ی بازخورد مناسب به یادگیری تعمیق می‌بخشد. من برای بازخورد دادن به این دانش‌آموز از تشویق، متن انگیزشی، نقاشی، جایزه مثل برچسب دلخواهش و... استفاده کردم.

که دانش‌آموزان هستند، پیردازیم و با ویژگی‌های آن‌ها آشنا شویم. به تفاوت‌های فردی آن‌ها توجه شود. علاوه بر شناخت دانش‌آموزان، این را نیز باید بدانیم که از چه روش‌هایی برای جذب آن‌ها و همچنین ایجاد انگیزه استفاده کنیم تا بهترین نتیجه حاصل شود.

در این مقاله تلاش شد با ایده‌های گوناگون و جذاب، دانش‌آموز را به یادگیری و بهبود سبک نوشتاری همراه با لذت تشویق کرد. استفاده از ابزارهای گوناگون در این امر، همچنین تلفیق آن با زندگی دانش‌آموز، نتیجه‌های شایان توجهی در بر دارد.

به امید آنکه همه‌ی ما معلمان با ارتباط مؤثر، شناخت مخاطب و علایقش و با ایجاد فضایی شاد، همراه با خلاقیت، فرایند یادگیری را تسهیل کنیم و در بهبود و رفع مسائل دانش‌آموزان بکوشیم.

منابع

۱. باقری، فاطمه، ۱۳۹۴، مهارت نوشتن و روش‌ها و شیوه‌های تدریس آن در دوره‌ی دبستان <http://mabanifarsizkb.blogfa.com>
۲. تقوی، امیرحسین، ۱۳۹۸، «اهمیت نوشتن در ادبیات عامیانه»، چهارمین همایش نگاهی نو به زبان و ادب عامه.
۳. ساداتی، سید یوسف و روشن قیاس، عماد، ۱۴۰۰، دومینو (برگزیده افکار تربیتی بزرگان تعلیم و تربیت)، تهران: بوی کاغذ.
۴. سیف، علی‌اکبر، ۱۳۹۴، روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران.
۵. شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم، ۱۳۸۵، توانایی‌های یادگیری، چاپ اول، تهران: طیبی.
۶. گلرسر، ویلیام، ۱۴۰۱، تئوری انتخاب، ترجمه‌ی علی صاحبی، تهران: سایه‌ی سخن.
۷. معجز، نسیم و دیگران، ۱۳۹۶، تفاوت‌های فردی در یادگیری و آموزش، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم اجتماعی، تربیتی، علوم انسانی و روان‌شناسی.





سلطان نمره‌های پنج

علی‌رضا سلطانی

دانشجوی دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت،

معاون آموزش ابتدایی مدرسه‌ی

امام حسین (ع)، ناحیه‌ی ۲ اصفهان



می‌گویند: «تا می‌توانید از همان ابتدا راه نفوذ را بین بچه‌ها باز کنید تا دانش‌آموزان رغبت کنند به سمت شما بیایند.» خیلی سعی کردم با این دانش‌آموز دوست شوم. هر کاری می‌کردم، نمره‌ی پرسش کلاسی‌اش بیشتر از پنج شود، نمی‌شد. برای همین به آقای پنجی معروف بود. کار داشت بیخ پیدا می‌کرد، مهم این بود که درس‌های دیگرش بهتر از درس من بود. کار داشت به شورای آموزگاران و انجمن و والدینش می‌کشید؛ چون در نمرات میان‌ترم

کمترین نمره را از من داشت. حتی بیست و پنج صدم هم اضافه نمی‌شد.

خیلی کلافه شده بودم. همکاران دیگر با تمرین، کلاس خصوصی، کار در کلاس او را به کار گرفته بودند؛

امام‌من نه. حالا فهمیده بودم که درس

تاریخ را دوست ندارد. مجبور شدم «با علی»

را بگویم. می‌ترسیدم اگر دیر بجنبم، دیگر نشود کاری کرد و فاصله‌ی بین من و او بیشتر و بیشتر شود. آن روزها نمایشنامه‌ای نوشته بودم. سرانجام ماجرای پسری بود که پس از اخراج‌های مکرر از کلاس‌ها به یک دانش‌آموز لایالی تبدیل شده بود. برای همین ترسیدم که نکند خود من هم، با آن همه ادعای هنری، نتوانم کاری بکنم.

روزی صدایش کردم و گفتم: «نمی‌خواهی

یک بار شش بیآوری؟» گفت: «نه.» گفتم:

«خودت را روی عدد پنج بسته‌ای؟»

گفت: «نه.» گفتم: «پس چرا درس من

را نمی‌خوانی؟» نگاهم کرد و هیچ چیزی

نگفت. دلم بیشتر برایش سوخت. به او

گفتم: «می‌خواهی کمکت کنم؟» باز هم

نگاهم کرد و هیچ نگفت. گفتم: «ببین،

من ده سؤال با جواب به تو می‌دهم،

جلسه‌ی بعد فقط همین ده سؤال را از

تو می‌پرسم. جواب‌هایش کوتاه است.»

نگاهی کرد و گفت: «باشد.» اما قبلش

خنده‌ی مرموزی کرد. پیش خودم

بارها و بارها از رابطه‌ی انگیزه و موفقیت گفته‌اند و ما نیز شنیده‌ایم. همه می‌گویند انگیزه ایجاد کنیم تا موفقیت حاصل شود؛ یعنی اولویت را به انگیزه می‌دهند. من نمی‌گویم غلط است؛ اما می‌گویم می‌شود رابطه‌ی این دو را کمی تغییر داد. می‌گویید: «چطوری؟» خب، بهتر است قصه‌ای واقعی را که برای من اتفاق افتاده است، بخوانید. خودتان متوجه می‌شوید.

زمانی که تاریخ و جغرافیا درس می‌دادم، علاوه بر تدریس، نویسندگی و کارگردانی نمایش هم بلد بودم. هر مدیری که از من تقاضا می‌کرد، گروه نمایشی برای مدرسه‌اش تشکیل می‌دادم. حتی از بچه‌های خجالتی و شیطان هم استفاده می‌کردم. می‌خواهم بگویم روش‌های نو و فعال تدریس هم یکی از شگردهایم بود؛ اما خیلی از بچه‌ها را نمی‌شود از این راه به درس تشویق کرد، حالا چرا؟ یا دوست ندارند یا وقت نمی‌شود یا والدینشان اجازه نمی‌دهند یا ارزش هنری این کار برای مدیر و معاون مشخص نیست. آن وقت است که مجبور می‌شویم از روش نو و تازه‌ای استفاده کنیم.

قبل از اینکه روشم را توضیح دهم، باید بگویم «نمی‌شود» و «همه‌ی راه‌ها را رفته‌ام، نشده است» نداریم. لطفاً این جمله‌ها را به زبان نیاورید؛ چرا که ما معلم هستیم.

ماجرای در مورد دانش‌آموزی بود که هیچ وقت درس‌های من را نمی‌خواند؛ یعنی او اصلاً به حفظیات، به خصوص تاریخ، علاقه‌ای نداشت. تا حدی به او حق می‌دادم. تاریخ درس خشک و بی‌روحی است. من خیلی سعی می‌کردم با روش ایفای نقش آن را شیرین کنم؛ اما همان طوری که گفتم، در مورد این پسر شوخی کردن، دعوت به گروه نمایش، صبحانه خوردن با هم و... هیچ تأثیری نداشت. برخی از بزرگان تعلیم و تربیت



فقط از همین سؤالات که دادم می‌پرسم.» لازم است بگویم که یک روش درس پرسیدن من به این شکل بود که شش هفت نفر از بچه‌ها را صدا می‌زدم و از آن‌ها چند سؤال می‌پرسیدم و از جمع جواب‌ها نمره آن‌ها را می‌دادم. بعضی وقت‌ها هم سؤال‌ها را در ورقه‌ای می‌نوشتیم و از تک‌تک بچه‌ها سؤال می‌کردم. آن روز سؤالات آن آقایسر را کنار سؤالات دیگر گذاشتم، البته طوری که بچه‌ها متوجه نشوند.

روز موعود فرا رسید. موقع پرسش کلاسی شد. صدایش زدم. او هم بین بچه‌ها آمد که سؤالات از پیش تعیین‌شده را جواب دهد. در چهره او کمی آرامش بود؛ اما در دل من غوغا. طبق قرار، همان ده سؤال را خیلی حساب‌شده از او پرسیدم. سؤالاتی را که رونوشت گرفته بودم، بین سؤالات دیگر دانش‌آموزان گذاشتم و از او پرسیدم. فکر می‌کنید چه نمره‌ای آورد؟ پنج؟ نه! این بار ده گرفت، بله ده. بچه‌ها حسابی تشویقش کردند. خیلی کیف کرده بود. دلم آرام گرفت. باز هم چند بار این کار را تکرار کردم. البته با سؤال و جواب‌های بیشتر و نمراتش دوازده، سیزده، پانزده و حتی هفده شد.

روزی اتفاق جالبی افتاد. پیش من آمد و گفت: «دیگر به من سؤال ندهید» گفتم: «چرا؟» گفت: «می‌خواهم خودم را آزمایش کنم.» گفتم: «چشم؛ اما خیلی حواست را جمع کن، تو دیگر بین بچه‌ها آن آقاپنچی سابق نیستی. تو دانش‌آموز خوب و موفقی هستی.» گفت: «دیگر نمی‌ترسم. می‌دانم که می‌توانم. راستی آقا، خیلی دوستتون دارم. شما کاری کردید که من معنی دوست‌داشتن را حس کنم. نمره‌ی پنج آوردن من کمی هم لجبازی بود.» لبخندی زدم و بغلش کردم. خدا را شکر کردم. از اینکه کاری کرده بودم، راضی بودم.

انگار در نمره‌ی پنج آقای پنچی یک حکمتی بود؛ چون او دیگر آن آقاپسر قدیمی نبود. او تبدیل شده بود به یک درس‌خوان تمام‌عیار. راستی، پسر قصه‌ی ما اول موفقیت و بعد انگیزه پیدا کرد. به نظر من، مادر تدریس‌مان باید کاری کنیم که دانش‌آموزان احساس موفقیت کنند، نه اینکه دائم بگوییم: «تو نمی‌توانی، نمی‌شود، نشدنی است.» هر کسی از هر راهی که می‌تواند باید تلاش خودش را بیشتر کند تا دانش‌آموزان از بودنشان لذت ببرند و اعتمادبه‌نفس پیدا کنند. حالا متوجه شدید که چطوری می‌شود رابطه‌ی موفقیت و انگیزه را جابه‌جا کرد.

گفتم: «تو کل به خدا!» گفت: «همین ده تا؟» گفتم: «بله؛ اما چند شرط دارد.» گفت: «چه شرطی؟» گفتم: «هیچ‌کس متوجه نشود، نه دوست‌هایت، نه دبیرها و نه پدر و مادرت.» باز هم گفت: «فقط همین ده تا؟» گفتم: «خیالت راحت!» گفت: «شما از این سؤالات فقط یک نمونه دارید؟» خندیدم و گفتم: «من کارم را بلد هستم. از این سؤالات یک رونوشت می‌گیرم. پس قرارمان یادت نرود. من لایه‌لای سؤالاتی که از بچه‌ها می‌پرسم، به تو که رسیدم،





نام و نام خانوادگی	
سن / گروه سنی	
موضوع	
تاریخ	
جلسه	
ملاحظات	

مریم اسدی

کارشناس ارشد گرافیک، معاون آموزشی
دوره‌ی ابتدایی، منطقه‌ی ۳ تهران

موفقیت در نقاشی فقط در سایه‌ی توانایی و مهارت مربی توانا و ماهر امکان‌پذیر است. مربی ماهر پیش از ورود به آموزش، باید زمینه را برای فعالیت موردنظرش آماده کند. بنابراین، بهتر است قبل از شروع کار این مسائل را در نظر بگیرید:

گام اول: آماده‌سازی مقوا

ابتدا، اطلاعات هنرآموز را مطابق آنچه در جدول آمده است، در پشت مقوا بنویسید.

نکته: بعد از پشت‌نویسی مقوا، قبل از ورود به آموزش نقاشی، قوانین و مقررات کلاس نقاشی را برای هنرآموزان به‌طور کامل شرح دهید. در

قسمت ملاحظات، اتفاق، بیماری، ناراحتی و سایر موارد مربوط به هنرآموز که ممکن است بر نقاشی او اثر بگذارد، بنویسید و در زمان بررسی کارها به آن موارد توجه کنید.

گام دوم: آماده‌سازی فضای مناسب کار

بهتر است میز کار را با سفره‌ای یک‌بارمصرف یا روزنامه‌ای باطله بپوشانید. ظرف پلاستیکی تمیزی مثل ظرف پنیر برای هر میز تهیه کنید و داخل آن آب بریزید. این ظرف برای شستن قلم‌ها استفاده می‌شود. دستمال پارچه‌ای یا دستمال کاغذی برای پاک‌کردن قلم‌ها نیز تهیه کنید. بعد از تهیه‌ی این وسایل، از هنرجو بخواهید، مانند شما، هر جلسه میز را بچیند و آماده کند. در این مرحله نیز به هنرجو بگویید وسایل خود را روی میز بگذارد. این وسایل شامل گواش، آبرنگ، مداد شمعی (پاستل)، صفحه‌ی رنگ (پالت) و قلم‌موی سرگرد است.

نکته: بهتر است سطلی پلاستیکی در کنار کلاس داشته باشید که بچه‌ها بتوانند آب کثیف ظرف‌هایشان را داخل آن بریزند. همچنین پارچی پلاستیکی نیز داشته باشید که بتوانید آب تمیز، داخل ظرف آب هنرچوها بریزید.

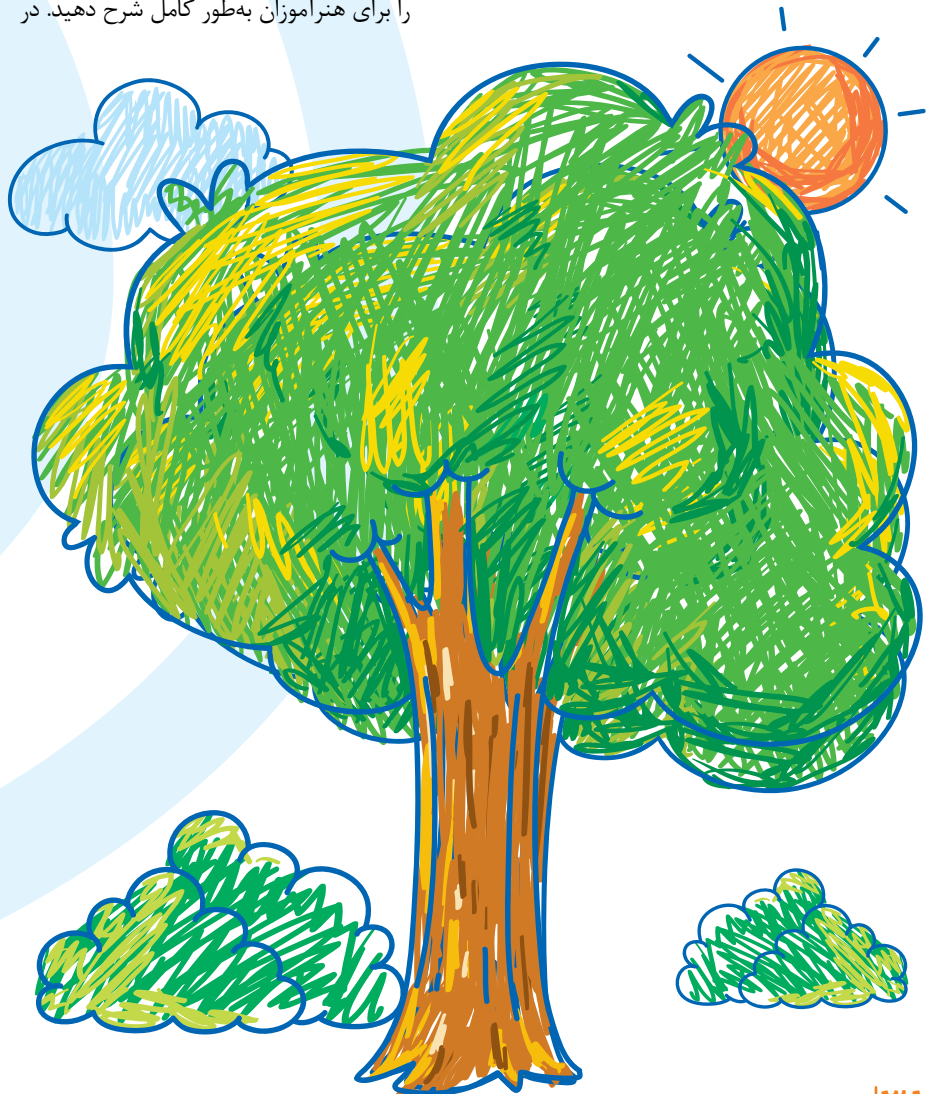
گام سوم: معرفی وسایل به هنرجو

باید به‌طور کامل وسایل و ابزار نقاشی را به هنرجو معرفی کنید و طرز کار آن وسایل را نیز به آن‌ها آموزش دهید. وسایلی که باید به معرفی آن‌ها بپردازید، عبارت‌اند از:

۱. قلم‌موی سرگرد (این قلم‌مو مخصوص گواش و آبرنگ است)

قلم‌مو ابزاری برای رنگ‌آمیزی است و از چند قسمت ساخته شده است؛ دسته که معمولاً از جنس چوب است، بخش فلزی که موهای قلم

کارگاه نقاشی بچه‌ها





رده‌بندی سنی کودکان و نوجوانان		
ردیف	گروه سنی	بازه سنی
۱	گروه سنی الف	قبل از ابتدایی (۰ تا ۶ سال)
۲	گروه سنی ب	پیش‌دبستانی + اوایل ابتدایی (۶ تا ۸ سال)
۳	گروه سنی ج	چهارم و پنجم ابتدایی (۹ تا ۱۱ سال)
۴	گروه سنی د	مرحله‌ی اول نوجوانی (۱۰ تا ۱۱ سال)
۵	گروه سنی ه	مرحله‌ی دوم نوجوانی، سال‌های پایانی متوسطه (۱۱ تا ۱۶ سال)



نکته‌ی اول: نیاز است به گروه سنی هنرجویان توجه کنید.

رده‌بندی سنی کودکان و نوجوانان
گروه سنی ب کودکانی هستند که عموماً تازه وارد مدرسه شده‌اند و شاید نقاشی را با آبرنگ و گواش تجربه نکرده باشند. در تمام رده‌های سنی بهتر است کودکان با بازی و در نهایت آزادی از فعالیت خود لذت ببرند. برای آن‌ها فرایند نقاشی مهم‌تر از برآیند آن است. کودکان در این سن دنبال نتیجه‌ی کار خود نیستند. در شیوه‌ی آموزش رسمی نیز تا پایان سال تحصیلی دوم ابتدایی، فقط به آشنا کردن کودک با موضوعات می‌پردازیم. در آموزش نقاشی برای ایجاد تغییر و ماندگاری رفتاری، از کلاس سوم ابتدایی، کودک را با فرایند نقاشی آشنا می‌کنیم. نقش معلم در این میان بسیار حساس است. او نباید کاری کند که کودک نقاشی کردن را کاری طاقت‌فرسا بداند.

توجه: اگر کودک در ساعت‌های پایانی کاری نکرده و فقط رنگ‌ها را قاطی کرده باشد، او را در جمع خجالت‌زده نکنید. بی‌شک او در حال کسب تجربه و بیان احساسات است. گاهی هنرجو نمی‌تواند با ابزارها ارتباط برقرار کند و نیاز دارد زمان بیشتری صرف کند تا از آن‌ها در راه بیان موضوع یا عواطف خود استفاده کند.

نکته‌ی دوم: بعد از معرفی کامل ابزار به زبان ساده به هنرجویان، وارد مرحله‌ی آموزش شوید. موضوع جلسه‌ی اول آزاد است. پس از معرفی ابزار، کودکان را در مسیر درست هدایت کنید و روش استفاده از وسایل را نیز به‌طور کامل به آن‌ها یاد دهید.

گواش زرد را بالا ببرید و بپرسید: «این چه رنگی است؟» بچه‌ها پاسخ می‌دهند: «زرد». مجدد سؤال کنید: «مثل چی؟» بچه‌ها می‌گویند: «مثل خورشید، موز و...». یا هنگام معرفی رنگ سیاه و سفید، به بچه‌ها بگویید که این رنگ‌ها خواب هستند و با اجازه‌ی مربی از خواب بیدار می‌شوند.

۵. ظرف پلاستیکی

این ظرف برای شستن قلم‌موس است. بهتر است از ظرف پنیر صبحانه استفاده کنید. لیوان یک‌بارمصرف به‌راحتی زمان شستن قلم‌مو از روی میز می‌افتد. برای همین این دسته از ظرف‌ها برای شستن قلم‌مو توصیه نمی‌شود. به هنرجو توصیه کنید اگر آب ظرفش خیلی کثیف و تیره شد، داخل سطل کنار کلاس خالی کند و با پارچ آب، مجدد داخل ظرف خود آب بریزد.

۶. آبرنگ

قرص آبرنگ خشک است و نیاز به آب دارد تا رنگ به قلم‌مو منتقل شود. می‌توانید این موضوع را با کشیدن انگشت یا قلم‌موی خشک روی یک قرص به هنرجو نشان دهید. سپس از هنرجو بخواهید قلم‌مو را خیس کند و روی قرص بکشد تا طرز استفاده از این ابزار را یاد بگیرد. با روش پرسش و پاسخ تفاوت آبرنگ و گواش را برای هنرجو مشخص کنید.
نکته: آبرنگ شفاف است. این به این معناست که حتی رد مداد از زیر رنگ نمایان می‌شود. زمان کار با آبرنگ، به کمک آب، رنگ روشن یا تیره می‌شود.

۷. مداد شمعی (پاستل)

برای بچه‌ها توضیح دهید که مداد شمعی به‌صورت روغنی است و آن‌ها می‌توانند رنگ‌های پاستل را روی مقوا ترکیب کنند.

در آن قرار می‌گیرد و خود موی قلم‌مو. در هنگام استفاده از قلم‌مو باید به این نکات توجه کنید:

- فقط تا لبه‌ی فلزی قلم‌مو را داخل ظرف رنگ ببرید.
 - قلم‌مو را مدت زیادی داخل ظرف آب رها نکنید.
 - بعد از هر بار استفاده آن را تمیز و خشک کنید.
 - بعد از اتمام کار کلاهک قلم‌مو را برای حفظ و نگهداری موی قلم روی آن بگذارید.
- به هنرجو آموزش دهید که از زدن قلم‌موی رنگی به داخل رنگ‌های دیگر گواش اجتناب کند.

۲. صفحه‌ی رنگ گواش

یا صفحه‌ی رنگ تخم‌مرغ

این وسیله از جنس پلاستیک است و برای ترکیب رنگ استفاده می‌شود؛ مثلاً اگر هنرجو بخواهد رنگ سبز درست کند، مقداری زرد و آبی را داخل یک حفره از این صفحه می‌ریزد و با قلم‌مو رنگ‌ها را ترکیب می‌کند تا رنگ سبز به وجود آید.
نکته: توصیه می‌شود رنگ‌ها را به مقدار نیاز روی صفحه‌ی رنگ قرار دهید؛ زیرا در صورت استفاده نکردن از همه‌ی آن، باقی‌مانده خشک و غیرقابل استفاده خواهد شد.

۳. مقوا

به هنرجو شرح دهید که سمتی که مشخصات فردی نوشته شده است، نقاشی نکشد و از آبدزدن بیش از حد به مقوا نیز اجتناب کند.

۴. گواش و معرفی رنگ‌ها

رنگ گواش به‌صورت مات و غیرشفاف است. بیشتر گواش‌هایی که به‌صورت جعبه‌ای خریده می‌شوند، دوازده رنگ دارند. ابتدا رنگ‌ها را به‌طور کامل به هنرجویان معرفی کنید.

تذکره ۱: با روش پرسش و پاسخ یا جست‌وجو، در طبیعت، رنگ‌ها را معرفی کنید؛ مثلاً شیشه‌ی



روشنای انگیزه

نقش انگیزه در یادگیری

انگیزه‌ی پیشرفت یکی از عوامل مهم در یادگیری محسوب می‌شود. کاهش این نوع انگیزه و به تبع آن شکست تحصیلی از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام آموزشی به حساب می‌آید و هر ساله ده‌ها میلیارد ریال از بودجه‌ی کشور را هدر می‌دهد. این مسئله همچنین بر شرایط روحی و سلامت روانی دانش‌آموزان نیز تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و منجر به کاهش اعتمادبه‌نفس، ایجاد افسردگی و همچنین بروز انواع جرم و بزهکاری و فقر در زندگی آن‌ها می‌شود.

علائم نبود انگیزه‌ی کافی در دانش‌آموزان

با بررسی رفتار برخی از دانش‌آموزانم که از بهره‌ی هوشی و وضعیت زندگی مناسبی برخوردار بودند، به نشانه‌هایی برخورد کردم که حاکی از بی‌انگیزگی آن‌ها بود. برخی از این نشانه‌ها عبارت بودند از:

- حضور نیافتن مستمر در کلاس درس (غیبت‌های مکرر و غیرموجه)؛
- انجام ندادن به‌موقع تکلیف‌های خواسته شده؛
- ارائه‌ی تکلیف‌ها به‌صورت ناقص؛
- مشارکت نداشتن در فعالیت‌های کلاسی؛

بیان مسئله

یکی از مباحث بسیار مهم و پیچیده در علم روان‌شناسی که به آن دینامیک رفتار نیز گفته می‌شود، انگیزه است. اصطلاح دینامیک از علم فیزیک گرفته شده و منظور از آن انرژی یا نیرویی است که باعث ایجاد حرکت در اجسام می‌شود. دلیل به‌کاربردن این اصطلاح برای انگیزه آن است که انگیزه نیز باعث حرکت موجود زنده می‌شود. انگیزه موجود زنده را از داخل به فعالیت درمی‌آورد و در واقع، نوعی محرک و تغییردهنده‌ی داخلی است.

فریبا سروری عموقین
آموزگار ناحیه‌ی دو ساری

تحقیق حاضر باهدف بیان نقش و تأثیر ایجاد انگیزه در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی دوم، پایه‌ی پنجم، انجام گرفته است. روش انجام این تحقیق روایت‌پژوهی است. با توجه به اینکه روایت‌پژوهی به‌منظور تحقیق و مطالعه‌ی عمیق درباره‌ی فرد یا افراد یک حوزه صورت می‌گیرد، این پژوهش روی ده نفر از دانش‌آموزان یک کلاس، در پایه‌ی پنجم ابتدایی، در مدرسه‌ی مختلط روستایی متمرکز شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ایجاد انگیزه نقش بسزایی در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دارد. در واقع، انگیزه موتور حرکت هرگونه فعالیت در امر آموزش است و آموزگار را در رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی خود یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: ایجاد انگیزه، روایت‌پژوهی، یادگیری، پیشرفت تحصیلی





تدریس برای آنان لذت‌بخش‌تر باشد و هم تعمیق در یادگیری اتفاق بیفتد.

● در کلاس، گاهی موسیقی بی‌کلام و آرام‌بخش پخش می‌کردم. سپس از دانش‌آموزانم می‌خواستم احساسات خود را پس از شنیدن آن موسیقی بیان کنند و بر اساس آن، یک نقاشی هم بکشند.

● پویانمایی‌هایی را در کلاس پخش می‌کردم و از بچه‌ها می‌خواستم آن را تحلیل و تفسیر کنند و بر اساس درک و دریافت خود، در مورد آنچه دیده‌اند، نظر بدهند، سؤال طرح کنند یا در نقش یک کارگردان یا بازیگر تغییراتی را که به نظرشان نیاز است در فیلم به وجود بیاورد، بیان کنند.

● شروع تدریس خود را با طرح سؤالات جالب و بر اساس فیلم‌های انگیزشی آغاز می‌کردم و همین‌امر حس کنجکاوی آن‌ها را بر می‌انگیخت.

● به وضعیت روحی و جسمانی دانش‌آموزانم و شرایط زندگی آنان توجه و از آن کسب اطلاع می‌کردم تا تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها را با توجه به وضعیت و شرایط دانش‌آموزانم در نظر بگیرم. در این امر، مدیر و معاون محترم مدرسه کمک شایان توجهی به من کردند.

● تکلیف‌ها را مهارت‌محور و با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان ارائه می‌کردم.

● اشکالات درسی آن‌ها را به‌موقع رفع می‌کردم.

● هر چند وقت یک‌بار تجربه‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های خود را در کلاس برای دانش‌آموزانم بیان می‌کردم.

● دانش‌آموزانم را از میزان و سطح پیشرفتشان آگاه می‌کردم.

● کوچک‌ترین پیشرفت دانش‌آموزانم، به‌خصوص تغییرات مثبت آنان را بیان می‌کردم.

● به فعالیت‌ها و پیشرفت‌های دانش‌آموزان کم‌انگیزه، خیلی سریع واکنش مثبت‌نشان می‌دادم و آن‌ها را در جمع مورد تشویق قرار می‌دادم.

● کلاس را گروه‌بندی کردم که بسیار کمک‌کننده بود. در این گروه‌بندی، دانش‌آموزان ضعیف در کنار دانش‌آموزان قوی و صاحب‌انگیزه قرار گرفته بودند.

● جلسات بحث و تبادل نظر در بین دانش‌آموزانم تشکیل می‌دادم تا فرصت تفکر و اظهار نظر را در آنان تقویت کنم.

● مجموعه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات ارائه‌شده برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزانم روحیه‌ی همکاری و نشاط را در آن‌ها تقویت کرد و انگیزه و تلاش مستمر و هدفمند در امر یادگیری را در آنان افزایش داد.

بررسی تکلیف‌های دیگر دانش‌آموزان کلاس، پیگیر شدن علت غیبت دانش‌آموزانی که در کلاس حضور ندارند و کمک به دانش‌آموزانی که تکلیف خود را ناقص انجام داده‌اند، از دیگر وظایفی بود که به این گروه محول کردم. آن‌ها ملزم شدند، بر حسب توانایی‌هایشان، در بررسی تکلیف‌ها یاریگر معلم باشند.

به‌مرور از تعدادی از آن‌ها خواستم که برخی از درس‌های آسان کتاب را در کلاس ارائه دهند. تدریس آنان، در کنار تدریس آموزگار، شور و شغف فراوانی در آنان به وجود آورده بود. شور و اشتیاق فراوان در کنار تشویق‌های کلامی و غیرکلامی منجر به استقبال سایر دانش‌آموزان نیز شد و هر روز بر تعداد داوطلبان یاریگر معلم افزوده می‌شد.

اقدامات دیگری که برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزانم انجام دادم و بسیار کمک‌کننده هم بود، شامل این موارد است:

● در کلاس، به‌موقع و با صدایی ملایم و در عین حال تأثیرگذار، کوچک‌ترین فعالیت و مشارکت بچه‌ها را تشویق می‌کردم و هیچ‌کدام از آن‌ها را نادیده نمی‌گرفتم.

● از دانش‌آموزانم می‌خواستم همسال سنجی انجام دهند و مطالبی را که یاد گرفته‌اند، به یکدیگر نیز آموزش دهند.

● انتظارات و اهدافی که از آنان داشتم، به‌صورت شفاف و واضح بیان می‌کردم.

● پس از انجام هر ارزشیابی سریع به آن‌ها بازخورد مناسب می‌دادم.

● تفاوت‌های فردی دانش‌آموزانم را به‌شدت در نظر می‌گرفتم.

● علاقه‌مندی‌های آن‌ها را شناسایی کرده بودم و همواره مدنظر داشتم.

● به‌صورت مستقیم و سریع به دانش‌آموزانم ابراز علاقه و عشق می‌کردم.

● به دانش‌آموزانی که از دقت و توجه کمتری برخوردار بودند، مسئولیت‌هایی را محول می‌کردم که انگیزه و دقت و توجه آنان را تقویت می‌کرد.

● از روش‌های نوین تدریس استفاده می‌کردم و از فیلم‌ها و پویانمایی‌های جذاب، داستان‌پردازی، بازی با عروسک و... که مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر بود، بهره می‌بردم.

● بین درس‌ها و مسائل زندگی و روزمرگی‌های دانش‌آموزانم پیوند و ارتباط برقرار می‌کردم تا هم

- مشارکت‌نداشتن در فعالیت‌های گروهی و مسابقات کلاسی؛
- نداشتن اطلاعات و آگاهی کافی از محتوای درس‌های ارائه‌شده؛
- مشارکت‌نداشتن در پرسش‌های کلاسی؛

این گروه گاهی اوقات در پایان ساعت کلاس اعلام آمادگی و حضور می‌کردند که البته فرصت را از دست داده بودند و مفید فایده نبود.

در طول شانزده سال فعالیت آموزشی و تدریس، با چنین نمونه‌هایی مواجه شده بودم و تا حدودی در این زمینه تجربه و اطلاعاتی داشتم؛ بنابراین، تصمیم گرفتم از امکانات و فرصت‌هایی که در اختیار دارم، استفاده کنم و بستری را برای دانش‌آموزان فراهم آورم که با انگیزه‌ی بیشتری به یادگیری بپردازند.

اقدامات انجام‌شده برای ایجاد انگیزه‌ی بیشتر

ابتدا روی دانش‌آموزان بی‌انگیزه یا کم‌انگیزه‌ی کلاس‌م متمرکز شدم و توجه‌م را به آن‌ها معطوف ساختم. در وهله‌ی اول، مسئولیت‌هایی را به آنان واگذار کردم که آن‌ها را ملزم می‌ساخت، به‌موقع و به‌طور فعال، در کلاس درس حاضر باشد، حتی اگر کلاس درس به‌صورت مجازی برگزار شود؛ مسئولیت‌هایی مانند انجام حضور و غیاب دانش‌آموزان، قبل از شروع رسمی کلاس. همین مسئله منجر به قانونمند شدن و در نهایت، رعایت نظم و انضباط در کلاس از سوی آن گروه از دانش‌آموزان شد.



زهره یوسفی فرد بادی
کارشناس ارشد جغرافیا، دبیر جغرافیا، متوسطه‌ی دوم
استان اصفهان، بادرود، منطقه‌ی امامزاده

کودکانی که اکنون سر کلاس شما حاضر می‌شوند، هر کدام انسان‌های منحصر به فردی هستند که اجتماع ما را در آینده تشکیل می‌دهند. نحوه‌ی برخورد شما با دانش‌آموزانتان می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای بهتر کمک شایانی بکند. اجتماع آینده‌ی ما از زیردستان معلمان بیرون می‌آید. به همین خاطر هر معلم باید مدیریت رفتار با دانش‌آموزانش را بلد باشد و بتواند به خوبی این سؤال را پاسخ بدهد: «چگونه باید با دانش‌آموزانم رفتار کنم؟»

کلیدواژه‌ها: نیازهای روانی کودکان، فشار روانی، نشانه‌های فشار روانی

چکیده

کودکان در هر سنی ویژگی‌های رفتاری خاص خودشان را دارند. بنابراین دبیران یا آموزگاران باید این خصوصیات رفتاری را بشناسند، به خصوص معلمانی که در پایه‌های متعدد تدریس می‌کنند. روان‌شناسی کودکان در این سن پیچیده و چندبعدی می‌شود. بسیاری از مشکلات کودکان ناشی از فضای مدرسه است. بچه‌ها فشار روانی غیرارادی زیادی دارند. این فشار روانی نشانه‌های بسیاری دارد. پر خاشگری و لجبازی و لوس شدن نمونه‌هایی از این نشانه‌هاست.

این نوشته تجربه‌ی معلمی است که بدون شناخت روان‌شناسی کودک مجبور به تدریس در این پایه می‌شود. وی پس از گذری سخت، بالاخره مسیر را می‌یابد و مشکلات پیش آمده را هموار می‌کند.

متن تجربه

شهریور ۱۳۹۲ بود. در سمت معاون آموزشی دوره‌ی متوسطه‌ی دوم و پیش‌دانشگاهی مرکز فنی و حرفه‌ای شهر بادرود فعالیت می‌کردم. بسیار جدی و منظم و پر کار بودم، چنان‌که لازمه‌ی آن محیط بود. به دلایلی خواستم به اصفهان مهاجرت کنم.

سی و شش پسر کچل در عشق آباد

اهمیت درک

نیازهای روانی
کودکان پایه‌ی اول





را سر جایشان بنشانیم؛ اما در دوره‌ی ابتدایی، نخست باید بچه‌ها را آرام و ثابت و مشتاق نگه می‌داشتیم، سپس درس را لقمه‌لقمه، با بازی و ادا و اصول، در دهانشان می‌گذاشتیم. برای اولین بار، با دانش‌آموزانی روبه‌رو شده بودم که سر جایشان نمی‌نشستند، مدام سر کلاس راه می‌رفتند، سر مداد با بغل دستی‌شان دعوا می‌کردند، نمی‌توانستند مدادشان را بتراشند، رنگ مدادها را تشخیص نمی‌دادند، مرا خاله صدا می‌کردند، من باید بند کفششان و دکمه‌ی بازشده‌ی پیراهنشان را می‌بستم، گره‌ی پلاستیک لقمه‌شان را باز می‌کردم، میوه‌شان را پوست می‌کندم، زیپ کیفشان را که بسته نمی‌شد، می‌بستم و در همان حال درس هم می‌دادم و می‌دیدم که تکلیف همان درس را در کتاب می‌نویسند. آن‌ها نمی‌توانستند مداد دست بگیرند، وقتی دعوایشان می‌شد، صورت همدیگر را چنگ می‌زدند، از پنجره بالا می‌رفتند، گاهی موقع استفاده از پاک‌کن، دفترشان پاره می‌شد و گریه می‌کردند، زیپ شلوارشان را من باید بالا می‌کشیدم. دسته‌جمعی برای رفتن به دستشویی اجازه می‌گرفتند. یادم می‌آید وقتی روزی به یک نفرشان اجازه ندادم به بیرون بروم، جلوی چشم

کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی را هم مطالعه می‌کردم. دایم در حال پرس‌وجو و مطالعه بودم. مدت‌ها بود، برای تدریس و فعالیت در مدرسه، کتاب جدیدی نخوانده بودم؛ چون نیازی نداشتم، نه کتاب‌ها عوض شده بود و نه محیط کاری، ولی حالا به یک‌باره همه‌چیز عوض شده بود. از خدا کمک خواستم تا در این راه سرفراز شوم.

یک روز قبل از شروع ماه مهر باید به مدرسه می‌رفتم؛ چون جشن آغازین کلاس اولی‌ها بود. آخرین باری که در این جشن حضور داشتم، پنج سال قبل بود که به‌همراه دخترم در جشن کلاس اولش شرکت کرده بودم. یادم می‌آمد که بچه‌ها گریه می‌کردند، لج‌بازی می‌کردند، می‌ترسیدند و می‌خواستند به‌همراه مادرشان به منزل برگردند. دختر من هم خیلی بدخلقی می‌کرد؛ ولی هیچ‌وقت خودم را جای آموزگاران آن‌ها نگذاشته بودم که چگونه با این چالش‌ها برخورد می‌کنند.

صبح زود آماده شدم و با هزار پرسش بی‌پاسخ و ترس ناشناخته وارد مدرسه شدم. کلاس من «اول الف» بود، با ۳۶ پسر کچل و کوچک. با توصیه‌ی مدیر کنار صف آن‌ها ایستادم و بعد از مراسم آغازین، همراه بچه‌ها به کلاس رفتم. خدای من باید چه می‌کردم. نمی‌دانستم چرا گریه می‌کنند. به چه شکلی و با چه زبانی باید با آن‌ها صحبت می‌کردم. اصلاً چه باید می‌گفتم. صحبت‌هایم را چگونه باید شروع می‌کردم. تا پیش از این، وقتی برای معارفه به کلاس می‌رفتم، همه بزرگ‌سال و بالغ بودند و برنامه‌ی من هم آماده بود و قبل از هر چیز، روش تدریسم را توضیح می‌دادم؛ اما در این موقعیت جدید نمی‌دانستم باید چه کنم. مدیر از من می‌خواست که چند نفری را که گریه می‌کنند، آرام کنم. من در کلاس جلوی تخته سیاه ایستادم و با لحن بچگانه‌ای شروع به احوال‌پرسی کردم. دیدم دو نفر زارزار گریه می‌کنند. رفتم کنار یکی از آن‌ها تا آرامش کنم؛ ولی خودم گریه‌ام گرفت. به‌سختی اشک‌هایم را پاک کردم و کمی حرف زدم تا اینکه زنگ خورد. گنج‌تر از همیشه بودم.

روز بعد، شروع سال جدید بود و من باید درس می‌دادم. تدریس را خوب یاد گرفته بودم و خیلی خوب هم از عهده‌ی آن برمی‌آمدم. معضل اصلی من آرام کردن بچه‌ها بود. کاری که در دوره‌ی متوسطه معنی نداشت. در آن دوره، دانش‌آموزان سر جایشان می‌نشستند و نیازی نبود به‌زور آن‌ها

به‌صورت موقت به آن شهر منتقل شدم. همه‌ی کارها خیلی زود و بی‌درسر انجام شد. زمانی به خود آمدم که دیدم در بخش تقسیم نیرو در قسمت آموزش ابتدایی ایستاده‌ام؛ براساس بند «د»، با شرط خدمت در دوره‌ی ابتدایی، آمده بودم. تقریباً تمام کلاس‌ها پر شده و فقط کلاس اول و ششم مانده بود، آن هم در مدرسه‌های حاشیه‌ی شهر. گیج شده بودم. هزار سؤال ذهن مرا درگیر کرده بود. چه باید می‌کردم؟!

سیزده سال با دانش‌آموزانی کار کرده بودم که همگی بزرگ و عاقل بودند. من هم بسیار جدی بودم و رفتارم متناسب با گروه سنی نوجوانی و جوانی بود. اکنون باید انتخاب می‌کردم که در مدرسه‌ی ابتدایی در کدام پایه تدریس کنم. با برادرم و آموزگاران و مدیران مدرسه‌ی بادرود مشورت کردم. هر کدام نسخه‌ای برایم می‌پیچیدند، تا اینکه یکی از مدیران مدرسه‌ی ابتدایی پسرانه‌ای که همسر همکارم بودند، مرا راهنمایی کردند. ایشان بیست سال بود که در کلاس اول تدریس می‌کردند. در منطقه، اسم و رسمی داشتند. مقام‌ها و رتبه‌های بی‌شماری در تدریس موفق کسب کرده بودند. به‌توصیه‌ی ایشان کلاس اول را انتخاب کردم. ایشان گفتند: «حالا که قرار است در دوره‌ی دیگری تدریس کنی، سخت‌ترینش را انتخاب کن تا باقی کار برایت راحت شود.» ابتدا نفهمیدم که چرا باید کلاس اول سخت‌تر از پایه‌های دیگر باشد. ایشان گفتند: «ترس!» من کمکت می‌کنم.» انصافاً هم در چند جلسه مرا آماده‌ی تدریس کردند. هر زمان هم سؤال یا اشکالی داشتم، تماس می‌گرفتم. ایشان هم بسیار علمی و زیبا راهنمایی‌ام می‌کردند؛ ولی این راه پرفراز و نشیب و سختی که انتخاب کرده بودم، کافی نبود. من کلاس اول پسرانه‌ای را که در مدرسه‌ی مطهری واقع در عاشق‌آباد و جزو مدرسه‌های حاشیه‌ای بود، انتخاب کردم و ابلاغ خودم را به مدیر تحویل دادم. شور و شوق همراه با ترس عجیبی داشتم. نمی‌دانستم آیا می‌توانم از عهده‌ی کار جدید، یعنی تدریس کلاس اول ابتدایی، برآیم یا نه. تجربه‌ی جدید و مبهمی بود. در مورد بچه‌های کوچک هیچ تجربه‌ای نداشتم. دنیایشان برایم نامفهوم بود. با اینکه درگیر اسباب‌کشی بودم؛ ولی فشار روانی (استرس) زیاد باعث می‌شد، لایه‌لای شلوغی کارم، در فضای اینترنت به‌دنبال شیوه‌های جدید تدریس و روش‌های برخورد با دانش‌آموزان ابتدایی باشم.

بهمن و اسفند شد. بچه‌ها می‌توانستند متن‌ها را بخوانند. باورم نمی‌شد آن‌ها قرآن را هم می‌توانستند بخوانند. صدای شیرین آن‌ها موسیقی جانم شده بود. چه حس خوبی داشتم. اصلاً توان وصفش را ندارم. زیباترین حس دنیا بود. آخر سال تحصیلی شد. من جشن شادی الفبا را وقتی گرفتم که یکی از دانش‌آموزانم متن دوازده خطی را که آماده کرده بودم، در حضور دانش‌آموزان و اولیا خواند و من از ذوق و شوق گریه کردم. بله، بالاخره من توانستم و این سخت‌ترین تجربه‌ی کاری من بود. خدا را شکر که موفق شدم. سال تحصیلی تمام شد و من از تجربه‌ی جدیدم راضی بودم.

سخن آخر

معلمی کار بسیار پیچیده و سختی است که اگر از قواعد آن آگاه نباشی، نمی‌توانی موفق شوی. شناخت قواعد کار، به‌خصوص آگاهی از روان‌شناسی دانش‌آموزان، مسیر را هموار و این شغل را به شغلی بسیار زیبا و سرگرم‌کننده و پر از هیجان و تنوع تبدیل می‌کند. بنده به‌عنوان یک معلم به خودم قول دادم که دیگر سخت‌ترین کار را برای شروع انتخاب نکنم؛ مگر اینکه زرهی فولادی و سخت برای خودم آماده کرده باشم.

کودکان تغییر دهی. اینجا دوره‌ی ابتدایی است، با دوره‌های بالاتر کاملاً متفاوت است. این بچه‌ها کودک هستند و باید کودکی کنند.»

آن روزها به‌قدری فشار عصبی اذیتم می‌کرد که به‌خاطر درد معده و دردهای عصبی و عضلانی در بیمارستان غرضی اصفهان بستری شدم. نمی‌توانستم آسوده بنشینم و در آرامش باشم. باید از پس کار جدید برمی‌آمدم. مدیر و معاون و اولیا از دستم راضی بودند. مدیر همیشه از من تعریف می‌کرد و می‌گفت که اولیا از شما راضی هستند. پس چرا خودم از کارم راضی نبودم؟! چرا این حس ضعف رهایم نمی‌کرد؟ با خودم کلنجار می‌رفتم تا بپذیرم اینجا مدرسه‌ی ابتدایی است و مراجعان من کودکان شش هفت ساله‌اند و باید قدم‌به‌قدم خواندن و نوشتن یادشان بدهم. این کار بسیار بزرگ و سختی بود، حتی از کلاس‌های آزمون سراسری و پیش‌دانشگاهی هم سخت‌تر و جان‌فرساتر بود. کم‌کم دیدم را به موقعیت و محیط و کار جدید تغییر دادم. به توصیه‌های مربی ضمن خدمت عمل کردم و با عشق وارد کلاس شدم. با محبت زیاد و عشق و علاقه، با کودکان با زبان کودکانه صحبت می‌کردم. شرایط داشت تغییر می‌کرد و هر روز بهتر و بهتر می‌شد. عاشق کودکان شدم. هر روزم همراه شده بود با درس جدید و روش جدید و بازی جدید.

من خودش را خیس کرد. خرواری از غم و اندوه و ترس روی سرم خالی شد. برای اولین بار احساس ناتوانی کردم. من همیشه غره بودم که از پس کارهایم برمی‌آیم؛ چون با جدیت پیگیر بودم و تلاش می‌کردم تا به بهترین نحو کارهایم را انجام دهم؛ ولی در این وضعیت، احساس ضعف و ناتوانی و دست‌وپاچلفتی بودن می‌کردم. باز هم به مطالعاتم ادامه دادم. مشکلاتم را با همکارانم مطرح می‌کردم و از آن‌ها راهنمایی می‌خواستم. در کلاس‌های ضمن خدمت شرکت می‌کردم. سؤالات بی‌جواب بسیاری داشتم. از کلاس عکس و فیلم می‌گرفتم و به استادانم نشان می‌دادم. یک بار در یکی از کلاس‌های ضمن خدمت فارسی، فیلم ضبط‌شده‌ی کلاس را به استاد نشان دادم و ابراز عجز و ناتوانی کردم که سه ماه از سال می‌گذرد و من هر روز غمگین و غمگین‌تر می‌شوم؛ چون نمی‌توانم بچه‌هایم را آرام کنم. بچه‌ها سر کلاس راه می‌روند و فلان و فلان و... برای تأیید حرف‌هایم، فیلم را هم نشان دادم. ایشان گفتند: «این بچه‌ها عالی هستند. تو چه انتظاری از بچه‌های کلاس اول داری؟ آن‌ها تا سال قبل یا در خانه‌هایشان یا در مهد کودک بازی می‌کردند و تو می‌خواهی به یک‌باره مثل دبیرستانی‌ها سر جایشان بنشینند؟! این رفتارها بسیار عادی است و تو باید دید خودت را به



خط خطی درمانی

مهارت خشم دانش آموزان با استفاده از خط های ناهماهنگ

آزاده طوسی طبیبی، کارشناس ارشد
برنامه ریزی آموزشی، آموزگار پایه
ششم ابتدایی، استان مازندران



وارد کلاس که شدم، دیدم بچه ها از قضیه ای ناراحت و عصبانی اند. از همه ی آن ها خواستم برگه ی سفیدی را بردارند و تمام عصبانیتشان را با مداد مشکی روی برگه خالی کنند. به عبارتی از آن ها خواستم برگه را خط خطی کنند.

اول تعجب کردند؛ ولی وقتی دیدند من هم دارم تخته را با ماژیک خط خطی می کنم؛ آن ها هم دست به کار شدند.

کار خط خطی کردنشان که تمام شد، به آن ها گفتم: «بیا بید با یکدیگر نقاشی و اشکال ریزودرشتی را بین آن خط های عصبانی پیدا کنیم.» قرار شد هر کس هر تصویری را که دید، با مداد رنگی مشخص و سپس آن را رنگ کند.

بعد از مدتی، به نظر می رسید بچه ها همگی دلیل ناراحتی شان را فراموش کرده بودند و حتی بسیار خوش حال بودند. خوش حال از اینکه از بین خط های بی فایده تصویرهای قشنگ بیرون کشیده اند.

در واقع من معلم با این کار توانستم به دانش آموزانم یاد دهم که هر چیزی در زندگی حکمتی دارد. در بین مشکلات هم می توانیم چیزهای خوبی به دست بیاوریم. مهم زاویه ی دید ما به آن مشکل است. اگر بچه ها فقط کاغذ را خط خطی می کردند، شاید هیچ وقت این موضوع به ذهنشان نمی رسید که می توانند نقاشی هایی زیبا از میان آن خطوط پیدا کنند.





قصه‌های رشد



محمد رضا رشیدی
کارشناس ارشد حسابداری

قصه درس‌های مجله‌ی رشد کودک، آذرماه

در شماره‌ی آذرماه این مجله، با توجه به بودجه‌بندی درس فارسی پایه‌ی اول، برای چهار درس دوم که شامل هشت نشانه‌اند، داستان نوشته شده است. نظر به اینکه آموزش مهارت «خواندن» در پایه‌ی اول مبتنی بر رویکرد کل خوانی است و در این رویکرد، آموزش از کل به جزء صورت می‌گیرد، آغاز فرایند آموزش با خواندن داستان شروع می‌شود.

معلم گرامی پایه‌ی اول هفته‌ای دو نشانه را آموزش می‌دهد. از این رو، در مجله‌ی کودک آذرماه برای کلمات هدف هر دو نشانه داستانی نوشته شده است. در این داستان‌ها، نویسنده تلاش کرده است با استفاده از کمترین کلمات و همچنین با تکرار کلمات هدف اثری جذاب خلق کند و برای تثبیت روند کلمه‌خوانی در کلاس، محتوایی تلفیقی از دو وجه متمایز و مهم فارسی، یعنی ادبیات و زبان آموزی، برای استفاده‌ی معلمان ارائه دهد. برای هر چه بهتر رقم خوردن این امر، یک کارشناس زبان آموزی پایه‌ی اول نیز در کنار نویسندگان حضور دارد تا قصه‌درس‌ها در کنار جذابیت‌های داستانی برای بچه‌ها، از نظر زبان آموزی هم برای معلمان محترم کاربرد داشته باشد.

در فرایند کل خوانی، دانش آموز باید قبل از خواندن داستان از روی متن، کلیات آن را از روی تصویرهای ارائه‌شده حدس بزند. بدین منظور، برای هر داستان شش تصویر طراحی شده است تا دانش آموز، قبل از خواندن، بتواند موضوع را حدس بزند و تا حدودی هم ماجرای داستان را با دنبال کردن تصویرها بیان کند.

داستان اول: نان ابری

دارا و سما و باد در دشتی زیبا مشغول دنبال بازی هستند که ناگهان ابر کوچولو گریه کنان جلو می‌آید. بچه‌ها متوجه می‌شوند مادر ابر کوچولو برای باریدن به جنگل رفته و ابر کوچولو دلتنگ شده است. بچه‌ها برای خوش حال کردن او فکری به سرشان می‌زنند...

این داستان بر مبنای کلمات هدف درس پنجم که دو نشانه یعنی «ر» و «ن» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: مادر، ابر، باران، نانو، نان.

داستان دوم: سرباز تیرانداز

دارا و سما و امین کوچولو در خانه تفنگ‌بازی می‌کنند. امین سرباز و دارا تیرانداز می‌شود. سما هم ایران را می‌سازد. ناگهان دشمن حمله می‌کند...

داستان سوم: کتاب بازی

کتابچه پیشنهاد کتاب‌بازی می‌دهد. دارا و سما، با تیلیک پیلیک کتابچه، وارد کتاب می‌شوند. باد تند می‌وزد و سقف خانه را کج می‌کند. جوجه گنجشکی از روی درخت کنار نرده‌ی استخر می‌افتد. سما آرزو می‌کند ای کاش دستان درازی داشت...

این داستان بر مبنای کلمات هدف درس هفتم که دو نشانه یعنی «ا» و «ش» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: استخر، نرده، خانه، درخت، چشم، گوش، انگشت.

داستان چهارم: اردک ساکت

این قصه‌درس ماجرای اردکی است که دلش هوای دریا کرده و از غصه‌ی دوری دریا ساکت شده است و کواک کواک نمی‌کند. سما و





است و پدر هرچه تلاش می‌کند از عهده‌ی پختن تخم‌مرغی ساده هم برنمی‌آید. بچه‌ها متوجه می‌شوند که سوپ چقدر برای مادر خوب است؛ پس دست به کار می‌شوند و سر ساعت مقرر وارد کشتی اسرارآمیز پدربزرگ می‌شوند و همراه با او به جزیره‌های متعدد سفر می‌کنند. در هر جزیره هم اتفاقات جذابی رخ می‌دهد که بچه‌ها با پشت سر گذاشتن آن‌ها، با مواد لازم برای پختن آش چقدر و مراحل پخت آن آشنا می‌شوند.

محتوایی که در قصه‌درس مجله‌ی رشد آموزش نوآموز آذرماه به کار رفته‌اند، عبارت‌اند از:

اجتماعی پایه‌ی سوم: «همکاری در خانواده»؛
ریاضی پایه‌ی سوم: «عددهای کسری»؛
علوم پایه‌ی دوم: «پیام رمز را پیدا کن»؛

قصه‌درس مجله‌ی رشد دانش‌آموز، آذرماه

در شماره‌ی آذرماه «رابی‌را» حلزون ماجراجوی قصه‌درس ما که از طرف پدربزرگش مأموریت رساندن دانه‌های شفابخش به قله‌ی قاف را دارد، بعد از خداحافظی با الاغی به نام «زودشوت»، از خستگی خوابش برد و صبح با صدای کلاغی به نام «زودحرف» از خواب بیدار شد. ادامه‌ی مسیر تقریباً غیرممکن بود. روبه‌روی رابی‌را دریاچه‌ی بزرگی بود. بالاخره زودحرف تصمیم می‌گیرد به رابی‌را کمک کند. کلاغ حلزون را پشت خودش سوار می‌کند و روی دریاچه به پرواز در می‌آید. در راه اتفاقات بامزه و جذابی برای این دو همسفر رخ می‌دهد که هر کدام به یکی از مفاهیم درسی ابتدایی دوره‌ی دوم مربوط می‌شود.

محتوایی که در قصه‌درس مجله‌ی رشد دانش‌آموز آذرماه به کار رفته‌اند، عبارت‌اند از:

علوم پایه‌ی پنجم: «حرکت بدن»؛
ریاضی پنجم دبستان: «نسبت، تناسب و درصد»؛
مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم: «جهت‌های جغرافیایی»؛
فارسی پایه‌ی چهارم: «آرش کمانگیر»؛
آموزش قرآن پایه‌ی ششم: درس پنجم.

داستان را نوشته است، عبارت‌اند از: دریا، قایق، یک، چای، مادر بزرگ، اتاق، اردک.

قصه‌درس مجله‌ی رشد نوآموز، آذرماه

در این شماره، مادر آیه و آرمان سرما خورده

مادر بزرگ نمی‌دانند چرا اردک ساکت است، تا اینکه روزی سما یک نقاشی می‌کشد...

این داستان بر مبنای کلمات هدف درس هشتم که دو نشانه یعنی «ی» و «ا» را آموزش می‌دهد، نوشته شده است. کلمات هدف این دو نشانه که نویسنده بر مبنای تکرار آن‌ها



زهره منصوری
کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار پایه‌ی چهارم ابتدایی،
استان زنجان، شهرستان خدابنده

چشم‌های طوفانی زهرا

عشق را چگونه می‌توان تعریف کرد. شوق را چگونه می‌توان نوشت و لذت را چگونه می‌توان در قالب کلمات بیان کرد. معلمی برای من شغل نیست؛ عشق است، شوق است و لذت. لذتی که قصد دارم، در حد توانم، جرحه‌ای از آن را برایتان وصف کنم. در یکی از روزهای نزدیک عید نوروز، در حال انجام کارهای خانه بودم که گوشی همراهم زنگ خورد. پاسخ تماس را دادم. صدای گرمی را شنیدم که با مهربانی بسیار احوال‌پرسی می‌کرد. در کوچه‌پس‌کوچه‌های ذهنم به دنبال صاحب صدا می‌گشتم که پرسید: «آیا مرا به خاطر آوردید؟» توضیح داد که من زهرا هستم و شما شش سال پیش، در روستای کهلا، معلم کلاس اول من بودید.

در یک لحظه چشم‌های سبز و زیبای زهرا با صورت کک‌مکی و لبخند پرمهرش در مقابلم ظاهر شد و شور و عشق در قلبم تبیین گرفت. آیا این همان زهرا بود که با این لحن زیبا صحبت می‌کرد؟ به شش سال قبل برگشتم. به زمانی که برای اولین سال تدریس به روستای کهلا می‌رفتم. سختی و طولانی بودن مسیر عشقم را به فرزندان سرزمینم کم نمی‌کرد. هر روز با شور و نشاط به کلاس می‌رفتم.

زهرا دختری زیبا و بادب و باهوش بود؛ ولی در ادای درست حروف مشکل داشت. به همین خاطر هم کلاسی‌هایش گاهی او را مسخره می‌کردند. چشم‌های سبز زهرا در این مواقع به دریایی طوفانی بدل می‌شد.

من که طاقت دیدن این صحنه را نداشتم، با مادر زهرا قرار ملاقاتی گذاشتم. مادر زهرا گفت که او خیلی دیر شروع به صحبت کرده و از همان ابتدا در ادای حروف مشکل داشته است. والدین زهرا مشکل او را حل‌نشدنی می‌دانستند و از این موضوع بسیار رنجیده‌خاطر بودند.

به مادر زهرا اطمینان دادم که اگر او را به مرکز گفتاردرمانی ببرند، مشکلش تا حد زیادی حل خواهد شد.

مادر زهرا ناباورانه به حرف‌های من گوش می‌کرد؛ مانند کسی که در تاریکی محض کورسوی نوری یافته باشد. مثل یعقوب که نشانی از یوسف یافته بود، برق شوقی در چشمانش می‌درخشید.

با کمک همکارانم یک مرکز گفتاردرمانی به آن‌ها معرفی کردم. از آن روز هر هفته چهارشنبه مادر زهرا، ساعت یازده، به دنبال او می‌آمد تا او را به مرکز گفتاردرمانی که پنجاه کیلومتر با ما فاصله داشت، برساند.

حالا نتیجه‌ی آن همه تلاش و محبت پدر و مادر زهرا لحن زیبا و کلمات و زبان شیوای اوست و چه لذتی بالاتر از این برای یک معلم!

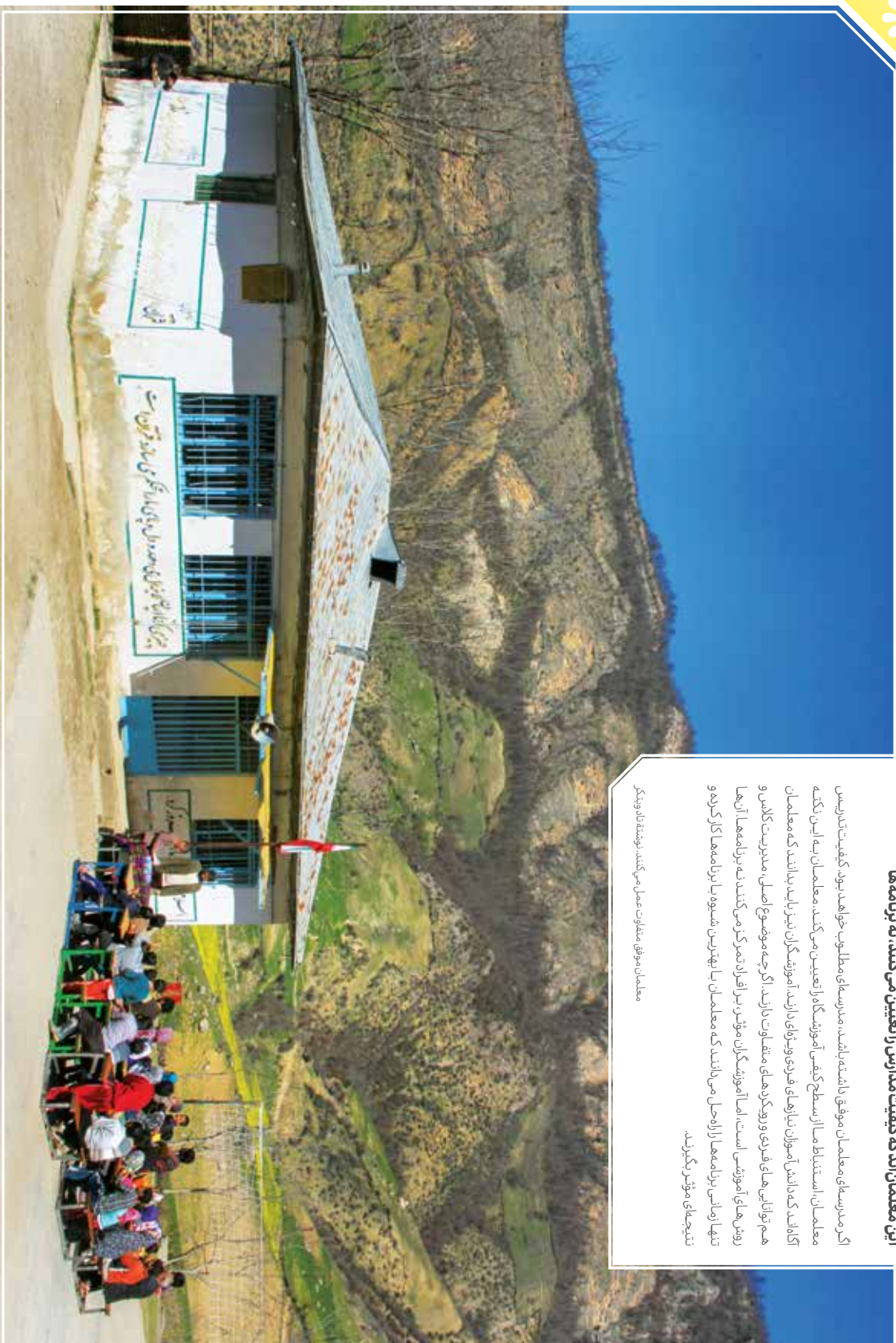




معلمان موفق هرگز فراموش نمی کنند این معلمان اند که کیفیت مدارس را تعیین می کنند، نه برنامه ها

اگر مدیران معلمان موفق داشته باشند، مدیران مطاوب خواهند بود. کیفیت تدریس معلمان، استندارت مدارس سطح کیفی آموزشگاه را تعیین می کند. معلمان به این نکته آگاه اند که دانش آموزان نیازهای فردی و ویژه ای دارند، آموزشگران نیز باید بدانند که معلمان هم توانایی های فردی و روحی و ذهنی متفاوت دارند. اگر چه موضوع اصلی، مدیریت کلاس و روش های آموزشی است، اما آموزشگران مؤثر، بر افراد تمرکز می کنند نه برنامه ها. آن ها تنها زمانی برنامه ها را زود حل می دانند که معلمان با به تدریس شیوه یا برنامه ها اکر کرده و نتیجه ای مؤثر بگیرند.

معلمان موفق متفاوت عمل می کنند، نوشته نانو وینگر





فراخوان

سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد



سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی از عکاسان و تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در سیزدهمین دوره جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می آورد. این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می کند تا نگاه خلاقانه خود، براساس موضوعات جشنواره، لحظاتی به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و یا هنر خویش در بجه ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار هنرمندانه شما، غنا بخش جشنواره خواهد بود.

■ محورهای این دوره از جشنواره، بر فضاسازی مدرسه های امروزی، روش های نوین آموزشی و نیازهای تصویری مجلات رشد، کتاب های درسی و عموم منابع آموزشی و تربیتی تمرکز ویژه دارند.

عکاسان و تصویرگران می توانند در دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال:
(الف) عکاسان و تصویرگران حرفه ای؛
(ب) معلمان و مربیان.
۲. هنرمندان دانش آموز:
دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تایم:

معلمان و مربیانی که در سمت های اداری آموزش و پرورش هستند، مشمول گروه (ب) می شوند.

موضوعات جشنواره در هر گروه سنی:

- الف) هنرمندان بزرگسال:
۱. مدرسه، خانه دوم
محورها:
(الف) موقعیت های متنوع تربیتی (مناسبت ها، انواع مراسم، اردوها و جشن ها)؛
(ب) اتفاقات و رخداد های جالب مدرسه.

۲. نهاد خانواده

- محورها:
(الف) مدرسه و خانواده؛
(ب) مسجد و خانواده؛
(ج) مدرسه، مسجد و خانواده
۳. کتاب درسی
محورها: باز آفرینی تصویری:
(الف) قصه ها، شعر ها و...؛
(ب) فعالیت های علمی؛
(ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت های ملی و دینی، محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین های قومی و منطقه ای و...).
- نکته:
رویکرد جشنواره، استفاده مناسب

از آثار برگزیده در تکمیل بسته های تربیت و یادگیری (کتاب درسی، مجلات رشد، تولیدات چند رسانه ای و... است).

۴. بخش جنبی

۱. شعار سال (جهش تولید با مشارکت مردم).
۲. مهدویت.
- (ب) هنرمندان دانش آموز:
۱. آزاد

۲. کتاب های درسی: تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (زائر) های عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب درسی ارتباط داشته باشند.